

عرفان و معنویت اسلامی و عرفان انحرافی

جمعی از نویسندگان



بسم الله الرحمن الرحیم

عرفان و معنویت اسلامی و عرفان انحرافی ویژه برنامه سازی

نویسنده:

محمد اسماعیل زاده

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عرفان و معنویت اسلامی و عرفان انحرافی ویژه برنامه سازی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدید آورنده:عرفان و معنویت اسلامی و عرفان انحرافی ویژه برنامه سازی/محمد اسماعیل زاده

کد:۱۴۷۹

۱۳۸۸

تهیه کننده و ناشر:مدیریت پژوهش برنامه ای و نگارش فیلم نامه

اداره کل خدمات رسانه ای

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص:۱

دیباچه

عرفان اسلامی از سنخ شناخت، شهود، سلوک و وصول است که از رهگذر تزکیه نفس و تهذیب درون و تصفیه جان به درگاه حضرت حق حاصل می شود.

اهل عرفان پیمودن این راه را با ریاضت مشروع در پرتو شریعت ناب محمّدی و با بیداری و پایداری دل و دیده آغاز می کنند. آنان مقامات معنوی و فتوحات غیبی و رهایی از فرق به جمع و بلکه جمع الجمع را در سایه طی مراحل و منازل به تدریج به دست می آورند تا تصعید وجودی و عروج روحی یابند و مظهر اسماء جمال الهی شوند؛ زیرا معرفت صحیح و محبت صادق و عمل صالح مایه اصلی عرفان و سلوک است.

عرفان از تاریخ جغرافیایی معرفتی و هویت باطنی و ماهیت ملکوتی برخوردار است که با انگیزه، اندیشه، دانش، بینش و گرایش الهی معنایی می طلبد.

وجه تمایز عرفان اسلامی با دیگر عرفان ها این است که با انسان کامل در رابطه عرفانی، عاطفی، عقلی، درونی با خلفای الهی و حجت های بالغه حق پیوست دارد. ازاین رو، عارفان حقیقی در اسلام، در صراط کمال و سبیل تعالی، گام عملی محکم و راستین برمی دارند و از ملامت ملامتگران و ملالت های سلوک الی الله رنجیده نمی شوند؛ زیرا در نظرشان، شکر و شکیبایی، صبر و بصیرت و شرح صدر با عرفان و سیر و سلوک در هم تنیده اند.

پژوهش عرفان و معنویت اسلامی و عرفان انحرافی برای بازنمایی ویژگی های عرفان راستین اسلامی در مقایسه با ناراستی های عرفان های انحرافی نگاشته شده است. با سپاس از پژوهشگر ارجمند، جناب آقای محمد اسماعیل زاده، امید داریم این پژوهش برای همکاران محترم رسانه ای سودمند باشد.

اداره کل خدمات رسانه ای

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیشگفتار

فرهنـگ، تمـدن و حیات انسانی، بیش از هر چیز مرهون کوشـش فرزانگانی است که با انـدیشه و عمل خویش، ماننـد مشـعلی فروزان، فراروی راه انسـان قرار گرفته و وی را به خـارج شـدن از تاریکی جهل و شـهوت و راهی شـدن به سـمت نور، دانش، پـاکی و پارسـایی فراخوانـده انـد. در این میـان، سـهم کسانی که خود، در به دست آوردن کمالات علمی و عملی سـرآمدند، بیشتر است. به راستی، اگر نهضت هـدایتگری پیامبران الهی و مشـعل فروزان آموزه های آنان، راه زندگی انسان را روشن نمی کرد، آیـا جـامعه بـا وجود حکومت قدرتمنـدان هواپرست و خودکامگـان بی دین، جز مردابی آکنـده از فساد و سـتم، تعریف دیگری داشت؟

عارفان ایرانی در شـرایطی مشـعل هدایت امت اسـلامی را به دست گرفتند که کسی باور نمی کرد انوار قدسی اندیشه و اعتقاد راستین آنـان، روزگـاری سراسـر جهـان را درنوردد و به عاشـقان حقیقت و رهروان طریقت امامـان معصوم(ع) امیـدی دوبـاره بخشد. فیض قدسـی عرفان و عارفان الی الله در این مرزوبوم، به جسم مرده انسان، جان و زندگی دوباره بخشید و اعجاز گونه، شب سیاه ستم و خفقان را با طلوع صبح عدالت و آزادی پایان داد و جان های بسیاری را به وصل جانان رسانید.

این پژوهش با هدف شـناخت بیشتر وضـعیت فرهنگی جامعه اسـلامی، پس از نقد و بررسی جریانی به نام «عرفان و تصوف در ایران»، به آسیب شناسی این جریان در فرایند تعلیم و تربیت نسل جوان انقلاب می پردازد.

در گام نخست می کوشـیم جنبه های گوناگون عرفان را، به ویژه از دیدگاه اهل بیت(ع) معرفی کنیم. به یقین، حقایق بسیاری در پس تلاـش عارفـان مسـلمان ایرانی نهفته است که تبیین و تشـریح درست و ترسـیم تصویری معقول و روشن از آنهـا، علاقه مندی نسل امروز را به مبانی دینی و برقراری رابطه محبت آمیز با خداوند در پی خواهد داشت.

مولوی در ابیاتی، وضع انسان امروزی را چنین توصیف می کند:

عقل سر تیز است، لیکن پارست

زانکه دل ویران شده است و تن درست

عقلشان در نقل دنیا پیچ پیچ

فکرشان در ترک شهوت هیچ هیچ

صدرشان در وقت دعوی همچو شرق

صبرشان در وقت تقوا همچو برق

به راستی، آیـا انسـان فقط همین ظاهر و لـذت های مادی است؟ آیا او با بهره منـدی از نعمت های دنیوی، موجودی سـرفراز و پیروز خواهد بود؟ اگر چنین است، چرا آدمی با همه تصرف هایی که در دنیای خاکی کرده و پیروزی های حیرت انگیزی که به دست آورده، باز در رنج است؟

انسان امروزی به دیـدگاهی روشن از عرفان اسـلامی نیاز دارد؛ دیـدگاهی که وی را در رسـیدن به یقین و آرامش در زنـدگی دنیای صـنعتی امروز یاری دهـد. خسـتگی روحی در جوامع صـنعتی و سـرخوردگی شدیـد روانی در جهان سوم موجب ظهور مکتبی با عنوان «عرفان نو» شـده که با شـعار رهایی انسان در دنیای جدیـد، پیروان فراوانی به خود جـذب کرده است. نگارنده امیدوار است اثر حاضـر خدمت کوچکی به جامعه علمی و پژوهشـی به شـمار آید و از همه دانشوران و همکارانی که ما را در این راه مدد رسانده اند سپاسگزار است و رهنمودها و انتقادات در باب اندیشه اخلاقی را تمنا دارد.

فصل اول: کلیات

۱. مفهوم شناسی

الف) عرفان

عرفان، مصدری است که معنای لغوی آن، «شناختن» و معنای اصطلاحی آن، علم داشتن به اسرار حقایق دینی است. به عبارت دیگر، نوعی معرفت خاص که از معرفت مؤمنان دقیق تر است و فرد به ظاهر حقایق دینی قانع نمی شود، بلکه در باطن آن فرو می رود تا اسرارش را بشناسد.

عرفان را از ریشه «عَرَفَه» و «عرفاناً» دانسته و آن را نوعی آگاهی و دانستن معنا کرده اند.(۱) مقصود از آگاهی، آگاهی شهودی؛ یعنی درکی است که آدمی بر اثر تهذیب نفس و تطهیر باطن به آن دست می یابد و در این حالت، با تمام وجود، خود را در محضر حضرت حق می بیند و او را درک می کند.

استاد سید جلال الدین آشتیانی دراین باره می نویسد:

انسان از برای نیل به عالم حق و حقیقت و ملکوت وجود که مقام بهجت و انبساط حق باشد، دو راه دارد؛ یکی، راه ظاهر (راه استدلال) و دیگری، راه باطن. پیمودن طریق ظاهر که طریق اهل نظر و برهان است، نسبتاً آسان است. انسان می تواند از طریق متعدد، برهان بر وجود حقیقت اقامه نماید، اما حقیقت تصوف (عرفان)، همان سلوک راه باطن است و غایت آن، وصول به عین حق و فنا در حق است.(۲)

دکتر سید جعفر سجادی می نویسد:

عرفان، راه و روشی است که طالبان حق برای نیل به مطلوب و شناسایی حق برگزینند.(۳)

خانم آنه ماری شیمل نیز عرفان را این گونه تعریف می کند:

عرفان و تصوف را می توان به عنوان عشق به مطلق تعریف کرد؛ زیرا نیرویی که معرفت حقیقی را از زهد و ریاضت کشی محض جدا می سازد، همان عشق و محبت است.(۴)

عبدالرزاق کاشانی در قالب مفهوم عارف به معرفی عرفان پرداخته و نوشته است:

عارف کسی است که خداوند او را به شهود ذات و صفات و اسما و افعال مفتخر کرده باشد. پس معرفت (عرفان)، حالی است که از شهود پدید می آید.(۵)

عرفان، مستلزم صفات اخلاقی معیّنی است که در عارف به ظهور می رسد و به صورت احوال او درمی آید. عرفان گرایی،(۶) دیدگاهی است که در قرن های دوم و سوم میلادی رواج یافت و از نوافلاطونیان به متفکران اسلامی منتقل شد. آنچه صوفیان

اسلامی، معرفت الهی می خوانند و آن را ویژگی خاص خود می دانند،

ص:۵

۱- فرهنگ لاروس، ترجمه: سید حمید طبیبیان، تهران، امیرکبیر، ج ۲، ص ۱۴۴۱.

۲- شرح مقدمه قیصری، تهران، امیرکبیر، ص ۷۰۰.

۳- فرهنگ لغات و اصطلاحات عرفانی، تهران، امیرکبیر، ص ۵۷۷.

۴- آنه ماری شیمل، ابعاد عرفانی اسلامی، ترجمه و توضیح: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ص ۳۷.

۵- شیخ عبدالرزاق کاشانی، اصطلاحات صوفیه، ترجمه: محمد خواجوی، تهران، انتشارات مولی، ص ۶۰.

۶- Gnosticism.

مترادف واژه یونـانی Gnosis و به معنـای علم بی واسـطه از کشف و شـهود است. عـارف به معنای «شناسـنده» است، ولی نه شناسـنده ای که از طریق الفاظ و ظواهر به کار شـناسایی بپردازد، بلکه نوعی خودشناسی و خداشناسی است و علم او به معنا و حقایق است.

پس عرفان نه تنها روشـی برای شـناخت است، بلکه به عقیده عارف، با سلوک در مراتب و آفاق، روح و اصل همه شناخت ها نیز قابـل درک و شـناسایی است؛ زیرا وی از یـک سو، به امکـان شـناخت معتقـد است و از دیگر سو، به امکان شـناخت کامل هستی اعتقـاد دارد. راه حـل اساسـی این شـناخت نیز کشف و ذوق است. عارفـان معتقدنـد معرفت حکمـا و متکلمـان، معارف عقلی و استدلالی است، درحالی که معرفت خود را ذوقی و بی واسطه می دانند.

به این نکته نیز باید توجه داشت که اصـطلاحات و عبارت های استفاده شده در آثار و نوشته های عرفانی، مانند اصطلاحات و عبارت های به کار رفته در نوشـته دیگر دانشمندان نیست؛ زیرا نه تنها موضوع این علم با دیگر علوم متفاوت است، بلکه محتوا و روش سلوک معرفتی آن نیز گونه ای دیگر است.

گـاه علوم بشـری در طول قرون، تعریفی ثـابت دارنـد و دانشـمندان در زمان های گوناگون، با رویکردهای متفاوت، آنها را به صورت یکسـان به کار می برنـد. در مقابل، اصـطلاحات عرفانی نه تنها در قرون و نسل های متعـدد، بلکه در یک نسل و حتی در یـک زمـان معیّن، ممکن است معـانی گوناگونی به خود بگیرنـد؛ زیرا منبع صـدور آنها، غیر از دیگر علوم و معارف است. ازاین رو، برای فهم و درک درست اصـطلاحات عرفـانی، مراجعه به منـابع اصـلی عرفان ضـروری است. این در حالی است که بسـیاری از مراجع و مأخذهای اصـلی عرفانی، به صورت نسـخه های خطی در کتاب خانه های دنیا نگهداری می شود و امکان بررسی و مراجعه به آنها دشوار یا ناممکن است.

ب) تصوف

روش زاهـدانه، بـا سـختی و ریـاضت، ترک دنیـا، پاک شـدن از پلیـدی ها و آراسـتگی به رفتار پسـندیده همراه است تا از این طریق، نفس به پـاکیزگی و روح به تعالی رسـد. این تعالی روح، حالتی نفسانی است که در آن انسان درمی یابـد به مبـدأ اعلا پیوسـته اسـت. ازاین رو، تصـوف به وجه عـام، فلسـفه ای برای زنـدگی و طریـق معیّنی در سـلوک است که انسـان آن را برای رسیدن به کمال اخلاقی، اتصال به مبدأ عالی و شناخت حقیقی پروردگار و محقق ساختن سعادت روحی در پیش می گیرد.

صوفیـان معتقدنـد انسان می توانـد از راهی به جز عقل، حقیقت را دریابـد و بـدون حضور انگیزه های عقلی، امری را تصـدیق کنـد؛ زیرا حکم، تـابع عـاطفه و اراده است. براین اساس، تفاوت صوفیان با فیلسوفان عقلی این است که صوفیان از ارزش عقل می کاهنـد و به کشف بـاطنی و اثرگـذاری دل و خیـال در دست یـافتن به حقیقت، ارزشـی مبـالغه آمیز می بخشـند. امروزه به افرادی صوفی گفته می شود که به اتحـاد بـاطنی و مسـتقیم فکر انسـانی با مبـدأ هستی معتقدنـد، به گونه ای که این اتحاد، دو حالت وجود و معرفت و شناسایی و هستی را که از وجود و معرفت طبیعی، دورتر و والاتر هستند، با هم ترکیب می کند.

برخی ویژگی هـای انـواع تصـوف، از نظر روحی، اخلاقی و معرفت شناسـی عبارتنـد از: تعـالی اخلاقی؛ شـناخت ذوقی و بی واسطه؛ آرامش و سعادت؛ بیان رمزی و نمادین.

مفهوم عرفان را برای نخستین بار بایزید بسطامی، در قرن سوم به کار برد. عارفان به جای این مفهوم، از مفهوم «صوفی» استفاده می کردند. برای یافتن ریشه این مفهوم، بحث ها و بررسی های بسیاری در تاریخ عرفان و تصوف صورت گرفته است. ابن خلدون می نویسد:

این دانش (تصوف)، از علوم شرعی جدید در ملت اسلام است و اساس آن، این است که طریقه این گروه همواره در نزد سلف و بزرگان صحابه و تابعان پس از ایشان بوده اند.(۱)

در کتاب عارفی از الجزایر اثر مارتین لینگز آمده است:

در ترجمه اسم صوفی، گاهی اروپاییان از کلمه «میستیک» استفاده می کنند. این کلمه در اصل به معنای کسی است که اسرار ملکوت بر او مکشوف شده و لااقل طالب کشف آنهاست...؛ زیرا تصوف، طریقه اسلامی است از برای ترقی روح؛ یعنی برای گذشت از خود و هدایت به اسرار ملکوتی، هم نهایت خودی انسان.(۲)

معروف کرخی نیز نوشته است:

تصوف، فراگرفتن کارهاست به حقیقت و نومید بودن از آنچه اندر دست مردمان است.(۳)

به باور برخی غربیان، منشأ تصوف اسلامی به زمان پیامبر اسلام می رسد و از سخنان وحیانی آن حضرت و آیات قرآن الهام می گیرد. خداوند در کتاب مقدس خویش، اراده الهی و بلکه خویشتن را آشکار ساخته است؛ کتابی که تنها راه امن انسان برای شناخت خداوند است. شبلی می گوید: «صوفی آن است که اندر دو جهان، هیچ چیز نبیند به جز خداوند عزوجل.»(۴) از ابومحمد جریری نیز پرسیدند: «تصوف چیست؟» گفت: «الدخول کلَ سنی و الخروج عن کل خلق دنی؛ تصوف، آن است که خود را از اخلاق نمیمه، پاک و به اخلاق حمیده آراسته کنند».(۵)

ج) اخلاق

اخلاق، مجموعه ای نظام مند از قواعد رفتاری است. این تعریف به این معناست که اخلاق، یک علم عملی و معیاری است؛ زیرا هدف اخلاق به شناخت و تفهیم محدود نمی شود، بلکه به جهت دهی عمل و محقق ساختن نتیجه نیز می پردازد. همچنین هدف مورد نظر و وسایل رسیدن به هدف را نشان می دهد. پس از قرآن، اگر در پی کتابی باشیم که دست کم بهره ای از آن اخلاقی باشد، صحیفه سجادیه نخستین کتاب اخلاقی شیعیان است. با توجه به نوشته ابن ندیم در مقاله دهم الفهرست، جابر بن حیان، شاگرد امام صادق(ع)، پیشتاز اخلاق نگاری در اسلام بوده است.

پس از سده اول هجری، اخلاق نگاری رواج بیشتری یافت و آثاری از فارسی و یونانی به تازی ترجمه شد که ابن ندیم بدان ها پرداخته است.(۶)

۱- مقدمه ابن خلدون، تصحیح: گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲، ص ۹۶۸.

۲- مارتین لینگز، عارفی از الجزایر، ترجمه: نصرالله جوادی، صص ۳۰ و ۳۱.

۳- ابوالقاسم نیشابوری، رساله قشیریه، ترجمه: ابوعلی حسن بن احمد عثمانی با تصحیحات بدیع الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۲۴ و ۲۵.

۴- ابعاد عرفانی اسلامی، صص ۵۵ و ۵۶.

۵- ابوالحسن علی بن زیدی بیهقی، تتمه صوان العلمه، ص ۵۶.

۶- هانری کربن، تاریخ فلسفه اسلامی، تهران، نشر حکمت، ص ۲۲۵.

کتاب های اخلاقی فارسی که به عربی ترجمه شدند، عبارتند از: زاد انفروخ در تربیت فرزندش؛ پندنامه کسری انوشیروان به فرزندش با نام عربی «عش البلاغه روایتی عش البلاغه»؛ پندنامه اردشیر بابکان به فرزندش شاهپور.

ابن نـدیم از مترجم یا مترجمان این سه اثر یاد نمی کند، ولی می نویسد عبدالله بن مقفع (متوفی حدود ۱۴۵ هـ.ق)، سه کتاب کلیله و دمنه ، الادب الصغیره (الادب الصغیر) و الادب الکبیر (الادب الکبیر) را به عربی برگرداند.

از اخلاق نگاشت های یونانی هم چند کتاب به عربی ترجمه شده است که عبارتند از: اخلاق بروسیم (Brusom)؛ اخلاق نیکو ماخوس (Nicomac bus)؛ فضائل النفس ارسطو؛ اخلاق جالینوس، اخلاق ارسطو، ترجمه اسحاق بن حنین؛ وصایای افلاطون با نام آداب الصبیان، ترجمه ابوعمرو و یوحنا بن یوسف کاتب و ترجمه ای دیگر از آن به نام وصیه افلاطون فی تأدیب الاحداث، ترجمه اسحاق بن حنین.

از نیمه دوم قرن دوم هجری، روند اخلاق نگاری سرعت گرفت و گونه هایی چند از کتاب های اخلاقی نگاشته شد. اخلاق نگاشت های این تاریخ را براساس گوناگونی آنها به چند دسته می توان تقسیم کرد:

۱. آنچه به اخلاق پیامبر اعظم(ص) پرداخته است، مانند: الاخلاق، نوشته ابوصیان اصفهانی، معروف به ابی شیخ (متوفی ۴۲۹ هـ.ق) و مصابیح القلوب، اثر عبدالرحمن سلمی (متوفی ۴۱۲ هـ.ق).

۲. کتاب های اخلاقی برگرفته از کتاب و سنت، مانند: القناعه و التعفف الشکر و الحلم اثر ابن ابی الدنیا (متوفی ۲۴۳ هـ.ق)؛ مکارم الاخلاق، نوشته طبرانی (متوفی ۲۶۰ هـ.ق)؛ اطواق الذهب، اثر جارالله زمخشری (۴۶۷-۵۳۸ هـ. ق)؛ الکبائر، از شمس الدین ذهبی (۶۷۳-۷۴۸ هـ. ق)؛ عیون الاخبار، اثر ابن قتیبه دینوری (۲۱۳-۲۷۶ هـ. ق)؛ الادب الحمیده و الاخلاق النفیسه، نوشته محمّد بن جریر طبری (متوفی ۳۱۰ هـ.ق)؛ الداء و الدواء و الروح، از ابن قیم جوزیه (۷۵۱ هـ.ق)؛ تنبیه الغافلین، اثر سمرقندی (متوفی ۳۷۳ هـ.ق)؛ ادب الدنیا و الدین، نوشته ماوردی (۳۶۴ _ ۴۵۰ هـ.ق)؛ الزهد، اثر محمد بن حنبل؛ ارشاد القلوب، نوشته دیلمی (متوفی ۴۴۸ هـ. ق)؛ الذریعه الی مکارم الشریعه، اثر راغب اصفهانی (متوفی ۵۲۶ هـ.ق)؛ مواعظ و نیز مصادقه الاخوان، اثر شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ هـ.ق).

۳. اخلاق تعلیم و تربیت یا به تعبیر سعدی ادب درس و ادب نفس، مانند: فرزندنامه، اثر امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ هـ.ق)؛ رساله فی الحث علی طلب العلم، اثر ابن جوزی (متوفی ۵۹۷ هـ.ق)؛ آداب المتعلمین، تألیف خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ هـ.ق)؛ احوال المعلمین و المتعلمین، از ابوالحسن علی بن محمد بن مالکی (۳۲۵-۴۲۱ هـ.ق)؛ ریاضه الصبیان، نوشته شمس الدین انبایی؛ تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم، اثر ابن جماعه کتانی (۶۳۹-۷۳۳ هـ. ق)؛ طریق تربیه الاولاد، تألیف ملاجلال دوانی (۸۳۰-۹۰۸ هـ. ق)؛ تحفه الودود فی احکام المولود نوشته ابن قیم جوزیه (متوفی ۷۵۱ هـ. ق).

۴. اخلاق و آداب و رسوم ویژه اصناف و طبقات مختلف، مانند: منیه المرید فی آداب المفید و المستفید، تألیف شهید ثانی (۹۱۱ _ ۹۶۵ هـ.ق)؛ آداب المعلمین، اثر ابن سعنون (متوفی ۴۲۰ هـ. ق)؛ آداب المعلمین، از ابوعمرو احمد بن عفیف بن

عبـدالله مریـول اموی قرطـبی (متوفی ۴۲۰ هـ .ق)؛ التـاج فی اخلاـق الملـوک، نگـارش جاحـظ (متـوفی ۴۸۵ هـ .ق)؛ نصـیحه الملوک، اثر امام محمد غزالی؛ سیاست نامه تألیف خواجه نظام الملک طوسی

(متوفی ۴۸۵ هـ. ق)؛ قابوس نامه، اثر عنصرالمعالی کیکاووس بن وشمگیر (۴۹۲-۵۰۸ هـ.ق)؛ النهج المسلوک فی سیاسه الملوک، تألیف عبدالرحمان نصر بن عبدالله شیرازی (۵۸۹ هـ.ق).

۵. اخلاق عرفانی و صوفیانه، مانند: رساله قشیریه، اثر ابوالقاسم قشیری نیشابوری (متوفی ۴۶۵ هـ. ق)؛ عوارف المعارف، از شهاب الدین عمر سهروردی (متوفی ۶۳۲ هـ.ق)؛ مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، اثر عزالدین محمود کاشانی (متوفی ۷۳۵ هـ. ق)؛ آثار خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱ هـ.ق)؛ احیاء العلوم الدین و کیمیای سعادت، اثر امام محمد غزالی؛ آداب المریدین، تألیف ابونصیب سهروردی (متوفی ۵۶۳ هـ.ق)؛ آداب الصوفیه، از عبدالرحمن سلمی (متوفی ۴۰۲ هـ.ق) و الاوصاف الاشراف، اثر خواجه نصیرالدین طوسی.

۶. اخلاق فلسفی، مانند: طهاره الاعراق، اثر مسکویه رازی؛ اخلاق ناصری، نگارش خواجه نصیرالدین طوسی؛ السعاده و الاسعاده، تألیف عامری نیشابوری (متوفی ۳۸۹ هـ. ق)؛ اخلاق جلالی، اثر ملاجلال دوانی؛ اخلاق محسنی، اثر ملاحسین واعظ کاشفی (متوفی ۹۱۰ هـ.ق) و اخلاق منصوری، نگارش غیاث الدین منصور دشتکی (متوفی ۹۴۸ هـ. ق). سه کتاب اخیر به تقلید از اخلاق ناصری نگاشته شده است.

۷. اخلاق گردآوری شده از اقوال بزرگان دین، مانند: الحکمه الخالده، اثر ابن مسکویه و بریده السعاده، نوشته عمر بن غازی ملطیوسی (متوفی ۶۱۰ هـ.ق).

۲. مکتب های فکری، فلسفی و عرفانی در جهان اسلام

اشاره

تعریف و توصیف نسبتاً جامع و کامل از عرفان اسلامی، بدون توجه به پشتوانه فکری، فلسفی و کلامی آن، کار چندان درستی نیست. به همین دلیل می کوشیم مکتب های عرفانی و جریان های وابسته به آن را به طور کامل معرفی کنیم.

در تحولات فکری فلسفی و عرفانی ایران با جریان هایی مانند مکتب فلسفی مشاء، مکتب اشراق و عرفان و مکتب فلسفی تلفیقی صدرایی روبه رو هستیم که اکنون به آنها می پردازیم.

الف) مکتب فلسفی مشاء

اشاره

مکتب فلسفی مشاء عهده دار بحث از واقعیت های فلسفی، یعنی بحث از وجود و صفات وجود است. فلسفه مشاء، بیانگر مباحث ذاتی، عرضی، جوهر و عرض و کلیات پنج گانه و مقولات ده گانه فلسفی است که ابن سینا در آثار فلسفی خود به این مشی و شیوه پرداخته است.

یک ـ فارابی

ابونصر محمد بن طرخان بن اوزالع فارابی در سال ۲۵۹ هـ . ق در وسیج، نزدیک فاراب ماوراءالنهر چشم به جهان گشود. از زندگانی او اطلاعات چندانی در دست نیست. اشتاین اشنیدر،(۱) ابراهیم کورو دیترسی(۲) و روزنتال والتزر(۳) درباره آثار و زندگی او تحقیق کرده اند، ولی نتوانسته اند به نکته جدیدی درباره او دست یابند. فارابی در

۱- Steins chneeider.

۲- I-Dieterici.

۳- R - WALZER.

جوانی به بغداد رفت و نزد یوحنا بن عیلان به تحصیل علوم مشغول شد. او در منطق، فلسفه، نحو، موسیقی و ریاضیات تبحر داشت و چنان در دانش پیشرفت کرد که پس از ارسطو به «معلّم ثانی» ملقب شد.

فارابی در کنار فلسفه و سیاست، در تصوف نیز صاحب نظر بود. شیوه زندگی ساده وی، علاقه اش به تصوف را نشان می دهد. کتاب فصوص الحکم او در حقیقت، دوره ای از عرفان نظری است که براساس اصول و مبانی فلسفه مشّایی نوشته شده است و امروزه نیز تدریس می شود. فارابی در فلسفه، موسیقی، ریاضیات و سیاست تبحر داشت و همه دانش های زمان خود را فراگرفته بود. ازاین رو، می توان او را فیلسوف _ دانشمند دانست.(۱)

دو _ ابوعلی سینا

اشاره

وی در ماه صفر در افشنه بخارا متولد شد. پدرش از والیان دولت سامانی بود. او پس از مرگ پدر، به سفر رفت و چندی در گرگان، قزوین، همدان و اصفهان به سر برد. درباره ذکاوت و دانش ابن سینا آورده اند که در هفده سالگی، امیر نوح سامانی را درمان کرد و در هجده سالگی به همه علوم آگاهی داشت. شیخ الرئیس در نزدیکی شهر همدان از دنیا رفت و در همین شهر مدفون شد. مقام علمی او القابی چند مانند «شیخ الرئیس»، «حجت الحق»، «الملک» و «امام الحکما» را برایش به ارمغان آورد. غربیان نیز او را با همان عنوان ابن سینا یا اوشینا(۲) می شناسند. تفکر مشّایی در ایران، با ظهور ابن سینا به نقطه اوج خود رسید.

آثار ابن سینا به دو قسمت تقسیم می شود.

اول _ آثار فلسفی:

_ نجات [این کتاب خلاصه کتاب شفا ست]؛

_ عیون الحکمه ؛

_ دانشنامه علایی [نخستین کتاب فلسفه به زبان فارسی است]؛

_ شفا ؛

_ الاشارات و التنبیهات .

افزون بر این، رساله های فراوانی در منطق، علم النفس، جهان شناسی و مابعدالطبیعه دارد.

دوم _ طبیعیات:

_ مسائل مربوط به طبیعیات، کائنات و جوّ که در شفا مندرج است؛

_ قانون (در طب)؛

_ رساله پزشکی به نام الارجوزه فی الطب .

سوم _ آثار رمزی، باطنی و عرفانی:

_ رساله حی بن یقظان ؛

۱- فارابی، احصاء العلوم، تحقیق: دکتر عثمان امین، قاهره، ص ۶۹.

۲- Avicennu.

ـ رساله الطیر ؛

ـ سلامان و ابسال ؛

ـ منظومه القصیده العینیه درباره نفس؛

ـ تفاسیر کوتاه از سوره های قرآن کریم .(۱)

درباره آثار ابن سینا کتاب ارزشمندی به همت سعید نفیسی و دکتر یحیی مهدوی، در سال های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ به چاپ رسیده است. ابن سینا به سنت های مشّایی وفادار ماند، ولی در برخی از آثار خود مانند الاشارات و التنبیهات به ویژه رسائل عرفانی، نگرشی نو به فلسفه دارد.(۲)

ابن سینا، انسان شناسی را براساس فرشته شناسی مطرح کرد و در فرشته شناسی، اساس جهان شناسی و مقام و منزلت انسان شناسی را مشخص ساخت. ازاین رو، رساله های تمثیلی اش بیانگر تجربه های شخصی اوست. ابن سینا، نمونه نادر فیلسوفی است که به معرفت نفس خود دست یافت. برای نمونه، رساله حی بن یقظان، شرح دعوت به سفری است که همراه با فرشته ای صورت می گیرد. رساله الطیر، دیگر اثر عرفانی او مورد توجه برخی شاعران قرار گرفته است، از جمله عطار نیشابوری در منظومه منطق الطیر . این دسته از آثار، تمثیلی و مشتمل بر چهره هایی است که حوادث زندگی درونی را به صورت نمادین بیان می کند.

کهن ترین متن موجود درباره زندگی ابن سینا، کتاب تتمه صوان الحکمه، اثر ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زیدی بیهقی است. افزون بر این کتاب، دو گزارش دیگر از زندگی او در عیون الانباء، اثر ابن ابی اصبیعه و تاریخ الحکماء، اثر ابن قفطی آمده است.

در میان کسانی که در مکتب ابن سینا و تحت تأثیر فلسفه او نشو و نما یافته و از اندیشه اش دفاع کرده اند، از عمر خیام نیشابوری، ناصر خسرو، ابن هیثم بلخی و خواجه نصیرالدین طوسی می توان نام برد. افضل الدین کاشانی [بابا افضل]، قطب الدین شیرازی، دبیران کاتبی قزوینی، قطب الدین رازی، صدرالدین دشتکی، غیاث الدین منصور شیرازی، جلال الدین دوانی و اثیرالدین ابهری نیز از افکار ابن سینا تأثیر پذیرفته اند.(۳) برخی شاگردان وی نیز در مقام تألیف و ترویج آثار استادشان برآمدند، مانند ابوعبید بوزجانی که سراسر زندگی اش را با ابوعلی سینا بود و برخی آثار ناتمام او را به پایان رساند؛ ابوالحسن بهمنیار، صاحب اثر فلسفی التحصیل که تفسیری بر رساله حی بن یقظان نوشت و شفا را تلخیص کرد و ابوعبدالله معصومی، نویسنده کتاب فی اثبات المفارقات .(۴)

ب) مکتب اشراقی ـ عرفانی

اشاره

برخی بزرگان مکتب مشاء، مانند فارابی و ابن سینا در تشکیک در مقوله علم حصولی و استدلالی، به اشراق و علم حضوری

گرایش یافتند. ازاین رو، این جریان فکری، به ایجاد دو مکتب اشراقی و شهودی و عرفانی انجامید.

ص:۱۱

۱- نصر، سه حکیم مسلمان، ص ۲۸.

۲- دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ذیل «ابن سینا».

۳- دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ذیل «ابن سینا».

۴- ابن سینا، رسائل ابن سینا، ص ۷۸.

یک _ مکتب اشراقی

اشـراق، به معنـای تـابش نور، روشن کردن و نور دادن است و در اصـطلاح، به آن نوع معرفت گفته می شود که بر کشـف(۱) قلبی همراه بـا ذوق، مبتنی است. این مکتب برخلاف مکتب مشاء که ادراک عقلی را اوج درجات عقل انسانی می دانـد (یکی از مهم ترین مباحث تاریخ کلام و فلسـفه، چه در مغرب زمین و چه در فرهنگ اسلامی همواره این بوده است که جایگاه عقل کجـاست)، ادراک عقلی را اوج درجـات عقـل می دانـد و اشـراق و نـورانیت قلـبی را برتر می شـناسد؛ زیرا نور را از همه چیز روشن تر و بی نیـاز از تعریـف می دانـد. مکتب اشـراق، ترکیـبی از حکمت اسـتدلالی و حکمت ذوقی یونـانی است. در روش شناسی، برزخی میان فلاسفه اسلامی و حکمت خسروانی و تصوف و عرفان شرق است.

با حمله کسانی چون امام محمـد غزالی و فخرالـدین رازی به مکتب مشاء، قدرت این مکتب در مشـرق زمین رو به افول نهاد و روش اسـتدلالی تضـعیف شد. این حوادث، بستر زمان را برای گسترش عقاید اشـراقی و شـهودی آماده ساخت. برای شـناخت کامل تر این مکتب باید به زندگی و آثار بنیان گذار آن اشاره ای کوتاه کرد.

شهاب الدین یحیی بن حبش بن امیر سـهروردی مشهور به شیخ اشراق (۸۷-۵۴۹ هـ . ق) در روستای سهرورد، از توابع زنجان به دنیا آمـد. مقدمات علوم را در مراغه و در محضـر مجدالدین جیلی آموخت و برای تحصـیل مراتب عالی به اصـفهان رفت و نزد ظاهرالدین فارسـی به تحصـیل پرداخت. آنگاه پس از سـیر و سیاحت بسیار به شام رفت و در حلب اقامت گزید. در حلب، ملک ظاهرالدین، فرزند صـلاح الدین ایوبی از سهروردی استقبال و حمایت کرد و سرانجام، زندگی او به سبب همین نزدیکی بـا دربـار پادشاه حلب، پایانی غم انگیز یافت؛ علما و فقهای حلب او را تکفیر کردنـد و صـلاح الـدین نیز حکم قتلش را صادر کرد و ملک ظاهرالدین، فرزند صـلاح الدین، شیخ اشراق را به قتل رسانید. سهروردی به القابی چون «مؤید بالملکوت»، «خالق البرایا»، «شـیخ شـهاب الـدین»، «عالم ربانی» و «عالم متأله» ملقب شـد.(۲) زنـدگی سـهروردی، بـا زهـد و تقوا همراه بود. او در سختی و ریـاضت به سـر می برد و به لـذت هـای دنیـوی توجهی نـداشت. گـاه خرقه مندرسـی به تن می کرد و گـاه به لبـاس صوفیان درمی آمد. لهجه شیرین و بیانی فصیح داشت و در مباحثه و مجادله با علمای عصر، همه را با دلیل های رسا مجاب می کرد.

شرق شناسان بزرگی چون ریتر،(۳) هانری کربن،(۴) اشپس(۵) و پاول کراوس(۶) درباره زندگی شـیخ اشراق تحقیق کردند، ولی نتواستند ابهام های موجود زندگانی وی را برطرف سازند و تنها به جمع آوری آثار او بسنده کردند.

شهروزی، از حکمـای قرن شـشم و هفتم نیز شـرح مبسوط زنـدگی او را در کتـاب خود آورده، ولی ابهام های زنـدگی وی را برطرف نکرده است.(۷)

۱- Discovery.

۲- شریف محمد رشاد، تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه: نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی تهران، ص ۱۲۹.

۳- Ritter.

۴- H.corbin.

۵- Spies.

۶- P.kravs.

۷- شـمس الـدین محمـد بن محمـود، نزهه الاـرواح و روضه الاـفراح، ترجمه: مقصودعلی تـبریزی، شـرکت انتشـارات علمی و فرهنگی، ص ۲.

دیدگاه فلسفی سهروردی، در اثر فلسفی گران قدر او حکمه الاشراق آمده است. البته سهروردی پیش از حکمه الاشراق، با استفاده از روش مشاء، رساله های کوچک و موجزی در منطق، الهیات و طبیعیات نوشته، ولی این آثار به کتاب پیوسته و این رساله ها دیباچه ای بر حکمه الاشراق است.(۱)

شیخ اشراق در مقدمه ا ی که بر کتاب آورده، نگاشته که اثر او شامل حکمت ذوقی و حکمت استدلالی است و برای کسانی که در پی حکمت استدلالی هستند، سودی ندارد و از شرایط خواننده این کتاب آن است که بارقه خدایی بر دل او تابیده باشد. همین ویژگی، وی را از حکمای سلف خویش جدا می سازد و فلسفه او به سوی نوعی نگرش عرفانی سوق می یابد؛ به گفته سهروردی «در حالتی که تارک باشد از نفس خود، مشاغل عالم ظلمانی را و طالب بود به همت والای روحانی را».(۲)

به عقیده سهروردی، هر نفس پیش از فرود آمدن به خطه بدن، در خطه فرشتگان منزل دارد و هنگام داخل شدن به بدن، نفس یا هسته مرکزی آن دو نیمه می شود؛ یکی در آسمان می ماند و دیگری به بدن فرود می آید. ازاین رو، نفس انسان پیوسته در این جهان، افسرده و غمگین است و آنگاه به سعادت می رسد که با نیمه ملکوت خود متحد شود.(۳)

سهروردی در پی اثبات مبدأ ملکوتی نفس بود که به باور او اکنون در گرفتاری و بدبختی در جهان خاکی به سر می برد. این دیدگاه را می توان در قصه غربه الغربیه او سنجید.(۴) او افزون بر اصطلاحات فراوان قرآنی مربوط به فرشتگان، از اصطلاحات فرشته شناسی مزدایی ایران باستان نیز بسیار استفاده کرده است. بر همین اساس، برخی او را از حکمای پارسی و متمایل به دین زردشت می دانند،(۵) درحالی که در دیدگاه وی، هدف از نور و ظلمت، نور و ظلمت مجوسیان نیست. او گفته است: «نباید هرگز گمان کرد که نور و ظلمت در اصطلاح ما همان است که کفره مجوس و مانی ملحد گفته اند».(۶)

در نظر سهروردی، زیبایی و درخشش فرشته، پیوسته در جهان اشراقی می درخشد و هرکسی را که درصدد رؤیت آن برآید، خیره می سازد. به نظر او، عدد فرشتگان از قدرت شمارش ما خارج است و در بالای سلسله های طولی، فرشتگان مقرّب جای دارند که برترین آنها بهمن یا نورالاعظم یا نورالاقرب است.

سهروردی در تقسیم اجسام، از اصطلاحات نور بهره گرفته و معتقد است اشیا را با توجه به دریافت نور یا دریافت نکردن آن دسته بندی کرده است. به عقیده وی، اشیا به نور و ظلمت تقسیم می شوند؛ چیزی که در حقیقت ذات خود، نور است و چیزی که فی نفسه، ظلمت است.

شیخ اشراق در بحث معاد و مرگ نیز همان دیدگاه اشراقی را بیان می کند؛ دیدگاهی که براساس آن، نفس انسانی در هر لحظه از زندگی، در جست وجوی نورالانوار است و وضع نفس پس از مرگ، به درجه پاکی انسان که در

۱- شمس الدین محمد بن محمود، نزهه الارواح و روضه الافراح، ترجمه: مقصودعلی تبریزی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، مقدمه.

۲- المسارع و المطارحات، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص ۸۰ .

۳- ابراهیم دینانی، شعاع اندیشه و شهود سهروردی، ص ۵۰۰.

۴- سید ضیاءالدین سجادی، مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، تهران، انتشارات سمت، ص۷۸.

۵- التلویحات، ص ۶۰.

۶- التلویحات، ص ۶۸.

زندگی دنیوی به آن رسیده است، بستگی دارد. براین اساس، سه دسته نفوس سعدا، اشقیا و حکما یا متألهین وجود دارد. در این میان، نفوس عرفا و اولیا پس از جدایی از بدن، چندان بالا می رود که از عالم فرشتگان نیز می گذرد و از سعادت قرب به نورالانوار بهره مند می شود.

در بحث از علت و معلول، سهروردی همان دیدگاه فلسفه مشایی را بیان می کند که براساس آن، هر علتی بر معلول خود غالب است، ولی وی می افزاید هر معلولی به علت خویش شایق است. نورالاقرب، نورالانوار را می بیند و چون حجابی میان آنها نیست، پرتویی از نورالانوار بر آن می تابد.

در زمان سهروردی، دو دیدگاه درباره دیدن اشیا وجود داشت:

الف) دیدن اشیا به واسطه خروج پرتو مخروطی و ورود آن در چشم امکان پذیر است؛

ب) دیدن اشیا به واسطه صور اجسام محسوس در چشم ممکن می شود.

سهروردی این دو دیدگاه را نپذیرفت و معتقد بود عمل رؤیت به واسطه علم اشراقی نفس صورت می گیرد.

آثار سهروردی را به پنج دسته می توان تقسیم کرد:

۱. چهار کتاب بزرگ تعلیمی و نظری که به زبان عربی نگاشته شده اند. در این آثار، نخست از فلسفه مشایی بدان صورت که سهروردی تفسیر کرده است، بحث می شود و سپس به حکمت اشراقی پرداخته شده است. این چهار اثر عبارتند از: تلویحات ؛ مقاومات؛ مطارحات، و حکمه الاشراق .

۲. رساله های کوتاه تر به زبان فارسی و عربی که در آنها مضمون چهار کتاب اول به صورت خلاصه بیان شده است. این رساله ها عبارتند از: هیاکل النور ؛ الالواح العمادیه (به عربی و فارسی)؛ پرتونامه ؛ فی اعتقاد الحکما؛ اللمعات ؛ یزدان شناخت و بستان القلوب .

۳. حکایت های رمزی و اسراری یا داستان هایی که در آنها از سفر نفس در مراتب وجود و رسیدن به رستگاری و اشراق سخن رفته است. این حکایت ها عبارتند از: عقل سرخ ؛ آواز پر جبرئیل؛ الغربه الغربیه؛ رساله فی حاله الطفولیه؛ لغت موران؛ روزی با جماعت صوفیان؛ رساله فی المعراج و صفیر سیمرغ .

۴. ترجمه و شرح هایی که بر کتاب های فلسفی و تفسیری قرآن کریم و حدیث نوشته شده است، مانند: ترجمه فارسی رساله الطیر ابن سینا؛ شرحی بر اشارات و رساله فی الحقیقه العشق که مبتنی بر رساله فی العشق ابن سینا است.

۵. دعاها و مناجات هایی به زبان عربی که سهروردی آنان را الواردات التقدیسات نامیده است.(۱)

شیخ اشراق افزون بر این آثار، در شعر و شاعری نیز دستی داشته است. البته اشعار او از نظر ساختار، نظمی فلسفی دارد. قصیده

قافیه درباره نفس که به روش قصیده عینیه ابن سینا سروده، از آن جمله است.

دو _ مکتب تصوف و عرفان

اشاره

عرفان، طریقه و روش معرفتی در جهان اسلام و دیگر ادیان الهی است که کشف حقیقت را براساس ذوق و اشراق ممکن می داند، نه عقل و استدلال. عرفان، در جهان اسلام ویژه صوفیه است، ولی نزد دیگر اقوام، نام های

۱- التلویحات، ص ۶۸.

گوناگون دارد که آن را تحت تأثیر و با عنوان معرفت اهل سِرّ می شناسند.(۱) عرفان در اقوام گوناگون اشتراک هایی دارد؛ از جمله اینکه از جنبه نظری، عموماً امکان ادراک حقیقت را بیشتر از طریق علم حضوری و اتحاد عاقل و معقول ممکن می دانند و از جنبه عملی، با ترک آداب و رسوم قشری و ظاهری و تمسک به زهد و ریاضت، در پی تقویت گرایش انسان به عالم درون هستند. درحقیقت، عرفان، شناختی است که بر پایه حالات درونی وصف ناپذیری امکان پذیر می شود. در این حالت، زمینه مناسب در عارف و سالک به وجود می آید تا در عمق اشیا نفوذ کند. بدین ترتیب، تأثیری شگرف در خاطره او پدید می آید و عوامل درونی وجود او را شکلی خاص می دهد.

این احوال زودگذر و ناپایدار هستند، ولی هر بار که تکرار شوند، عارف آن را می شناسد و به تدریج پایدار می شوند. به هنگام وقوع این احوال، عارف هیچ نقش و اراده ای در آن ندارد و تنها یاد آن در خاطره وی می ماند. ازاین رو، هر چیزی می تواند این احوال را برانگیزد؛ نکته ای، خاطره ای، رنگی یا صدایی می تواند عارف را دگرگون کند و به وجد آورد. در این روند، عارف، خود را مرکز و منبع وجود و مرجع و معدن همه کائنات می داند. به عبارت دیگر، هماهنگی و همنوایی با عالم وجود است که بر عشق متکی است. این دریافت، ذوقی، بی واسطه و مستقیم است.(۲)

تصوف به عنوان مجموعه ای از جریان های فکری می تواند آبشخورهای گوناگونی داشته باشد. با مقایسه تطبیقی در این زمینه درمی یابیم بخش بزرگی از عقاید صوفیان با اعمال عارفان دیگر ملت ها مطابقت دارد. محققان اروپایی بر این باورند که ریشه تصوف اسلامی را باید در آیین زرتشتی، آرای هندوان، رهبانیت مسیحی، حکمت نوافلاطونی و آیین یهود یافت.(۳)

صوفی در مسیر تصوف، از هستی خود، فانی و به هستی حق باقی می شود. برخی بر این باورند که سالک، نخست باید در مدرسه، علم شریعت فراگیرد و سپس به خانقاه رود و مرید شیخی شود و از محضر او علم طریقت بیاموزد. آنگاه حکایت مشایخ را بخواند و با احوال آنان آشنا شود. در مرحله دوم، سالک باید ترک کتاب کند و به کاری که شیخ برای او مصلحت می بیند، تن دردهد.(۴) هدایت شیخ چنان اهمیتی دارد که گفته اند: «یک لحظه به صحبت دانایی رسیدن، بهتر از هزار سال ریاضت و مجاهدت است».(۵)

با توجه به آنچه در کتاب های صوفیه درباره پیر و شیخ آمده است: شیخ کسی است که پیامبروار یک سوی او به خلق و سالک و سوی دیگر او به خدا و حق است. ازاین رو، شخصیتی خداگونه دارد و محل تجلی انوار الهی است. چنین فردی آنچه را پیامبران دیده اند، می بیند. وی اهل حقیقت، ولیّ حق و انسان کامل است.(۶)

سیر تکوینی جماعت صوفیه و عرفا در جهان اسلام، از همان بدو ظهور اسلام آغاز می شود. اگرچه تشکیلات درونی صوفیه در قرن اول، سازمان و ساختاری منظم نداشت، ولی در دیدگاه صوفیه، ترس از خدای قهار، مهم ترین

۱- عبدالحسین زرین کوب، ارزش میراث صوفیه، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۹.
۲- نک: عرفان و فلسفه، ص ۹.

۳- ارزش میراث صوفیه، صص ۱۱ ـ ۱۳.

۴- نصری، سیمای انسان کامل، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۳۴۹.

۵- عزیزالدین نسفی، الانسان کامل، ص ۱۱.

۶- ارزش میراث صوفیه، ص ۹۰.

عـاملی بـود که آنـان را به سوی تسـلیم کامـل در برابر اراده الهی هـدایت می کرد. به بیـان دیگر، صوفی همـان شـخص متعبد مسلمان بود.(۱)

در قرن دوم، افرادی با زنـدگی عجیب و خاص ظهور کردنـد که رفتار و احوال آنان هیچ شـباهتی با دیگر مردم نداشت. ازاین رو، اسم خاصـی به آنان دادند و به مناسـبت پشمینه پوشی، به «صوفی» منسوب شدند. این دسته از صوفیه، در بیغوله ها و مغازه ها زنـدگی می کردنـد. از اصول مهم تصوف در قرن دوم، توکل نامحـدود به خـدا و امیـد داشـتن به رحمتش در تمام مراحل زندگی است.

اول ـ عارفان قرن اول و دوم

حسن بصری (م ۱۱۰ هـ . ق)، نویسـنده کتاب رعایه حقوق الله که گویا نخستین اثر صوفیانه است و ابراهیم ادهم (م ۱۶۱ هـ . ق)، از صوفیان معروف قرن دوم به شـمار می روند. در همین قرن، صوفیان بزرگ دیگری نیز می زیسـتند که عبارتند از: رابعه عدویه؛ ابوهاشم صوفی کوفی، اسـتاد سفیان (م ۱۶۱ هـ . ق)؛ شـقیق بلخی، شاگرد معروف ابراهیم ادهم که دیداری با موسـی بن جعفر(ع) داشته است؛ معروف کرخی که در محضـر امام رضا(ع) مسـلمان شـد و فضـیل عیّاض (م ۱۸۷ هـ .ق) که کتـاب مصباح الشریعه در سلسله درس هایی از امام صادق(ع)، منسوب به اوست.(۲)

دوم ـ عارفان قرن سوم

در قرن سوم، عارفان نامدار و بزرگی مانند بایزید بسـطامی ظهور کردند که جلوه ای خاص به جریان تصوف بخشیدند. بایزید بسطامی (م ۲۳۴ هـ .ق) بـا صـراحت، از «فنـاء فی الله و بقـاء بالله» سـخن گفته است. در آثار و اقوال وی، از سه وجه وجودی؛ یعنی انانیت، انیت و هویت سخن رفته که نشان دهنده اندیشه عرفانی اوست.(۳)

در تاریـخ تصوف، قرن سوم به دلیـل ظهور بزرگان و عارفان بسـیار، اهمیت بسـیاری دارد. در این قرن، صوفیانی چون ذوالنون مصری (م ۲۴۰ هـ .ق) و سـهل بن عبـدالله می زیسـتند. همچنین افکار و اصـطلاح های جدیـدی مانند بی توجهی به موقعیت، اختیار کردن ظاهر درویشی و پشمینه پوشی، زهد را مقدمه عرفان و حجاب داشتن؛ کشتن طاعات و عبادات و در برخی موارد، اهمیت فراوان دادن به عشـق، محبت، دل، سـکر، بی خـودی از خـود، وحـدت عـارف و معروف و همه چیز را حق دیـدن، در تصوف پیـدا شد.(۴) آثـاری ماننـد کشـف المحجوب از هجویری و آثـار خواجه عبـدالله انصـاری ماننـد صـد میـدان و منـازل السائرین از کتاب های معروف صوفیه در این قرن است.

سوم ـ عارفان قرن چهارم و پنجم

آثار ابوحامد محمد بن محمد غزالی، اثری شگرف در جهت بخشی به عرفان و تصوف در قرون بعد داشت.

۱- جلال الدین آشتیانی، عرفان، ص ۳۴.

۲- مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، قم، نشر صدرا، ص ۱۰۰.

۳- تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۲۷۳.

۴- بحث در آثار و افکار حافظ، ج ۱، ص ۱۷.

وی علوم دینی را در گرگان، نزد ابونصر اسماعیلی آموخت. سپس به توس بازگشت و در محضر امام الحرمین جوینی به تحصیل فلسفه و کلام پرداخت. در سال ۴۸۵ هـ .ق خواجه نظام الملک، منصب تدریس، خطابه، موعظه، وعظ و مناظره را در نظامیه بغداد به غزالی سپرد. وی تا سال ۴۸۸ هـ .ق در آن شهر تدریس می کرد.(۱)

نقل است غزالی بر اثر تحول عظیم روحی در سال ۴۸۴ هـ . ق، از همه چیز دست شست و با پیدایش شک و تردید در وجودش، در پی یافتن حقیقت رفت.(۲) غزالی در سال ۵۰۵ هـ . ق در توس درگذشت و در همان جا مدفون شد.(۳)

شمار آثار مهم غزالی اعم از کتاب و رساله، به هفتاد عنوان می رسد که مهم ترین آنها عبارتند از : احیاء علوم الدین به عربی در اخلاق و دین و تصوف که شامل چهار بخش «عبادات»، «عادات»، «مهلکات»، «منتجیات» است؛ کتاب اخلاق الانوار ؛ آفات اللسان؛ اسرار الانوار؛ الالهیه؛ آداب الصوفیه؛ البسیط در فروع مذهب شافعی؛ مقاصد الفلاسفه ؛ رساله الطیر ؛ فضایح الباطنیه ؛ المحول مستظهری در رد عقاید باطنیه و المنقذ من الضلال .

معروف ترین اثر امام محمد غزالی در فارسی، کیمیای سعادت در موضوع اخلاق است(۴) که بین سال های ۴۹۰ ـ ۵۰۰ هـ . ق نگاشته شده است. وی در این کتاب درباره شناخت پروردگار، نفس، دنیا و آخرت و عقاید اهل سنّت بحث می کند. نصیحه الملوک و نامه های فارسی نیز از دیگر آثار او به شمار می رود. غزالی را جامع شریعت و طریقت می دانند. وی در کتاب ارزشمند احیاء علوم الدین به طور ویژه به این امر پرداخته است.(۵)

چهارم ـ عارفان قرن ششم

افکار و آثار غزالی، تأثیر بسیار عمیقی در عرفان داشت. روش و سبک آثار غزالی در افرادی چون: شیخ جام (۵۳۶ هـ . ق) عبدالقادر گیلانی (م ۵۶۱ هـ .ق)؛ عبدالقاهر بن عبدالله بن سهروردی (م ۵۶۳ هـ . ق)؛ شهاب الدین ابوحفص عمر بن محمد سهروردی (م ۶۳۲ هـ . ق) و عزالدین محمود بن علی کاشانی نطنزی (م ۷۵۳ هـ .ق) نمایان است.(۶)

آثار شیخ جام عبارتند از: مفتاح النجاه؛ رساله سمرقندیه ؛ کنوزالحکمه ؛ بحار الحقیقه ؛ روضه المذنبین ؛ جنه المشتاقین و انس التائبین .

عبدالقادر گیلانی از سادات حسنی است و به القابی چون «شیخ مشرق» و «غوث گیلانی» معروف بود. از دوران کودکی او کرامت هایی در کتاب های گوناگون ثبت شده است. وی رهبر فرقه قادریه بود و سعدی نیز در باب دوم گلستان حکایتی از او نقل کرده است.

۱- مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، ص ۱۶۲.

۲- عبدالحسین زرین کوب، فرار از مدرسه، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۰۹.

۳- مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، ص ۱۰۳.
۴- ابوحامد محمد بن محمد غزالی، المتقذ من الضلال.
۵- غزالی، المستصفی من علم الاصول، ص ۷۷.
۶- غزالی، المستصفی من علم الاصول، ص ۱۱۷.

آثـار عبـدالقادر عبارتنـد از: الغنیه لطالب طریق الحق ؛ الفتـح الربّانی (۶۲ مـوعظه)؛ فتوح الغیب (۷۸ مـوعظه)؛ یواقیت الحکم و فیوضات الربانیه .

روزبهـانی بقلی شـیرازی نیز از عارفـان قرن شـشم است. از آثـار معروف او می تـوان عرایس البیـان ؛ مکتون الحـدیث؛ حقـایق الاخبار؛ شرح شطحیات و عبهر العاشقین را به همراه اشعار فارسی نام برد.

در قرن شـشم باید از صوفی دیگری یاد کرد که شهادت نمادین او شهرتی خاص دارد؛(۱) شیخ نجم الدین کبری که به القابی چـون «شـیخ ولی تراش» و «طـامه الکـبری» معروف اسـت، در سـال ۶۱۸ ه‍ـ . ق در حملـه مغولاـن به شـهادت رسـید. مولـوی، ماجرای شهادت او را در غزلی آورده و جامی نیز در نفحات الانس به آن اشاره کرده است.(۲)

عین القضات همدانی که یکی از پرشورترین عرفاست، در قرن ششم هجری می زیست. او مرید احمد غزالی، برادر امام محمد غزالی بود و به دلیـل همین شور و هیجان و گفتار شـطح آمیز، او را تکفیر کردنـد و در سال ۵۲۵ ه‍ـ . ق به دار آویختنـد. عین القضات، در طول زندگی ۳۳ ساله اش، چنـدین اثر ارزشـمند از خود به یادگار گـذاشت. آثار او به دلیل معرفی دقایق عرفانی حوزه خراسان، شـعبه ای از عرفان ناشـناخته جبال ایران، به دلیل تجربه های عرفانی و نیز به سـبب تصوف مسـتانه و عاشـقانه از اهمیت برخوردار است.

آثار عین القضات عبارتند از: زبده الحقایق ؛ شکوی الغریب (به زبان عربی)؛ رساله یزدان شناخت ؛ لوایح؛ تمهیدات و نامه ها به فارسـی. البته در انتسـاب برخی آثـار به عین القضـات تردیـد وجـود دارد. در آثـار او، اصـل اساسـی، عشق است و عشق در دیدگاه او، هستی، انسان، زندگی، کمال و در یک کلام شیخ و پیر است و هیچ پیری کامل تر از عشق وجود ندارد.

به عقیـده عین القضـات، دیوانه عشق، کامـل ترین انسـان است و درحقیقت، عشق، مـذهب مشترک میـان انسان و خـداست. به اعتقـاد وی، بزرگ ترین حیله عشق، تمثّـل است و عـالم تمثّـل، چیزی افزون بر عـالم بـاطن نیست. وی براین اساس، به تأویل و تفسیر رمزها و نمادهایی مانند گور، نکیر، منکر و صراط پرداخته است.

افزون بر عین القضات، از دیگر عرفای معروف این قرن می توان به سنایی و احمد جام معروف به ژنده اشاره کرد.

جلوه ویژه و نمود عرفان در قرن شـشم هجری، پیونـد آن با شـعر است. این کار را سـنایی در سـطح گسترده آغاز کرد و دیگر شـاعران صـوفی چون عطـار آن را ادامه دادنـد. این تحول و پیونـد، موجب رواج کـاربرد اصـطلاحات صوفیه در ساختـار ادب پارسی شد؛ اصطلاحاتی چون خرابات؛ مغان؛ می؛ مغانه؛ پیر ازرق پوش؛ خرقه؛ صوفی و فقر.

با گسترش تصوف در این دوره، افرادی نیز به مبارزه با آن و نقـد آرای صوفیه پرداختنـد. برای مثال، ابن الجوری(م ۵۹۷ ه‍ـ . ق) با نگارش کتابی به نام تلبیس ابلیس بر تصوف خرده گرفت.

پنجم ــ عارفان قرن هفتم و هشتم

یکی از شارحان عرفان اسلامی، محیی الدین ابن عربی است. برخی ۴۰۰ رساله و کتاب و برخی دیگر تا ۸۶۴ اثر به او نسبت داده اند[۳] و معروف ترین آنها فتوحات مکیه و فصوص الحکم است. فتوحات مکیه در ۶ فصل و ۵۶۰ باب

۱- تجلی شیرازی، عبدالعاشقین، مقدمه.

۲- جامی، نفحات الانس، ص ۴۲۳؛ رساله قشریه، ص ۶۸.

۳- فخری، سیر در فلسفه در جهان اسلام، ص ۲۷۱، به نقل از: لطفی جمعه، تاریخ فلاسفه الاسلامی، بیروت، المکتبه العلمیه، ص ۷۸.

و کتـاب فصوص الحکم در ۲۷ فص؛ فص آدم تا فص محمـد(ص) تـدوین شـده است. شـرح های بسـیاری بر فصوص الحکم نوشـته شده که معروف ترین آنها مفتاح الفصوص از خود ابن عربی؛ شرح های صدرالدین قونوی؛ شرح تلمسانی؛ شرح داوود قیصری؛ شرح عبدالرزاق کاشانی و شرح بابارکن الدین شیرازی است.(۱)

آموزه هـا ی عرفـانی ابن عربی، بر نوعی وحـدت وجود مبتنی است و در انـدیشه او، کلمه لوگوس(۲) به معنـای دانش و کلمه الهیه و نام مسیح به کار رفته است. از نظر وی، وجود هر پیامبر با یک حقیقت به نام کلمه مطابقت دارد. هر کلمه، جلوه ای از ذات الهی اسـت و اگر ذات الهی چنین جلـوه نبـوی نـداشت، طـبیعت وجـود حق برای همیشه پنهـان می مانـد. از آنجـا که هر حقیقتی از این وجود برمی خیزد، این وجود، بخش جدایی ناپذیر قدیم و ثابت است. ازاین رو، جنبه احدیت، ناشناخته و پنهان اسـت، ولی جنبـه ربـوبیت به واسـطه رب و معبـودیت شـناخته می شـود. در جنبه نخست (احـدیت)، خداونـد، نـور محض و به اختصار «العماء» است.

ابن عربی درباره صفات خداوند می گوید:

خـدا تنهـا از رهگـذر صـفات یـا تعیّن گونـاگون خود کثرت می یابـد. اگر او را در ذات خود بنگریم، حق است و اگر او را از حیث صـفاتش که تجلی یافته، بنگریم، خلق است، اما این دو؛ وحـدت و کثرت، اول و آخر، قدیـم و محدث، واجب و ممکن، ذاتاً یک حقیقت بیش نیستند. لذا او را اعیان ثابته می گویند... .(۳)

دیـدگاه ابن عربی در همـان قرن، بر کسانی چون ابن فارض (م ۶۳۲ هـ . ق) و فخرالـدین عراقی (م ۶۸۸ هـ .ق) تأثیری عمیق گذاشت.

مولانا جلال الدین بلخی (۶۰۴-۶۷۲ هـ .ق) نیز در تاریخ تصوف اسـلامی اهمیت ویژه ای دارد. دو اثر نفیس مولانا عبارتند از مثنوی معنوی که خود، دوره ای از آموزش عرفانی است و غزلیات شـمس . آثار گران قدر دیگری چون فیه ما فیه ، مکاتیب و مجالس سبعه نیز از او به یادگار مانده است.(۴) فرزند او، بهاء ولد، معروف به سلطان العلما و صاحب کتاب معارف است.

افکار و عقایـد مولانا از قرآن و حـدیث، سرچشـمه گرفته است. همچنین وی در هیـچ یک از انـدیشه های خود از فیلسوفان و ارسـطوییان تأثیر نپـذیرفته است. مولوی با اسـتفاده از آیات قرآن کریـم، به ویژه در مثنوی، چنان هنری از خود نشان داده اسـت که این اثر را قرآن به زبان پهلوی می داننـد. بخش اعظم آیات قرآنی به کار رفته در مثنوی، نقش تأویلی دارند و مولانا از این آیه ها در توجیه اهداف و تفسیر عرفانی سود جسته که داستان پیامبران از آن جمله است.

در آثـار مولانـا نوعی وحـدت وجود به چشم می خورد که با دیـدگاه ابن عربی شـباهت دارد. ممکن است مولانا محضـر ابن عربی را درک نکرده باشد، ولی صدرالدین قونوی، شارح بزرگ آثار ابن عربی، با مولانا هم نشینی داشته و این ارتباط، عامل انتقال عقاید ابن عربی به مولوی است. نمونه ای از این هم نشینی را جامی آورده است.(۵)

۱- دانشنامه ایران و اسلام، ج ۵، ص ۷۱۱؛ دایره المعارف اسلام، ج ۲، ص ۱۸۴۴.

۲- Logos.

۳- محیی الدین ابن عربی، فصوص الحکم، به کوشش: ابوالعلاء عفیفی، بیروت، ص ۴۷.

۴- سیر در فلسفه در جهان اسلام، ص ۲۷۱، به نقل از: ابوالحسن علی بیهقی، تاریخ حکماء الاسلام، مکتبه الثقافه الدینیه، قاهره، ص ۱۵۰.

۵- مولی عبدالصمد همدانی، بحرالمعارف، تحقیق و ترجمه: حسین استادولی، تهران، انتشارات حکمت، صص ۵۹ _ ۷۰.

تحولات ناشی از هجوم مغول در اوایل قرن هفتم هجری و وجود گرفتاری ها و رواج هراس و نگرانی در میان ایرانیان، از جمله عوامل توجه آنان به مشایخ صوفیه و کوشش برای پایدار شدن عقاید مذهبی است.(۱) در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری، دو سلسله بزرگ با دو مکتب خاص ظهور کرد؛ سلسله کبرویه در مشرق و سلسله سهروردیه در مغرب.(۲)

در عرفان قرن هفتم، افزون بر وجود شور و حال و هیجان و مستی، نوعی آمیختگی با فلسفه نیز دیده می شود که این آمیختگی، تنها برای توجیه و تعلیل دیدگاه های صوفیانه به وجود آمده بود. در قرن ششم، فردی مانند عین القضات، برای نخستین بار به چنین کاری دست زد. در قرن هفتم این کار عمومیت یافت و افرادی چون شیخ نجم الدین کبری (م ۶۱۸ ه‍ــ .ق) آثاری در این زمینه نگاشتند.

صوفی بزرگ دیگری که در قرن هفتم می زیست، شیخ نجم الدین رازی، معروف به نجم دایه (م ۶۵۴ ه‍ــ .ق) است. وی از تربیت یافتگان مجدالدین بغدادی، شاگرد نجم الدین کبری است. نجم الدین در کتاب مرصاد العباد خود درباره آفرینش، از آغاز تا پایان و آغاز سلوک و نهایت سیر و مقصد و عاشق و معشوق، به تفصیل سخن رانده است.(۳)

هم زمان با او، در قرن هفتم، سعدالدین الحمدی (م ۶۵۰ ه‍ــ .ق) نیز می کوشید آرای صوفیه را با شیوه استدلالی بیان کند.(۴) این شیوه عرفان قرن ششم هجری، دنباله عرفان قرن پنجم است. با این تفاوت که در این قرن، شیخ اشراق، «حکمت اشراق» را بنیان نهاد و با بهره گیری از نظام فکری ایران باستان و فلسفه یونان، مکتبی جدید عرضه کرد. در این دوره، تعصب ورزی و نداشتن آزادی اندیشه و اظهار رأی و آزادی بیان از مشکلات صوفیه است.

در اواخر قرن هفتم، شارح بزرگ آثار ابن عربی، صدرالدین قونوی (م ۶۷۳ ه‍ــ .ق) نیز عرفان را دنبال کرد و شاگردش، فخرالدین ابراهیم عراقی (م ۶۸۸ ه‍ــ .ق) آن را ادامه داد.

از ویژگی های مهم عرفان و تصوف در قرن هفتم و اوایل قرن هشتم، ارتباط متقابل تشیع و تصوف است. از میان سلسله های متصوفه باید از سلسله شیخیه جوریه نام برد که از پیروان شیخ خلیفه (م ۷۲۶ ه‍ــ .ق) بودند و در نهضت سربداران نقش داشتند. دسته ای نیز پیرو قوام الدین عبدالله مرعشی مازندرانی (م حدود ۷۸۱ ه‍ــ .ق) بودند که نسبت آنان به علی بن الحسین(ع) می رسید. اقطاب شیخ صفی الدین اردبیلی (م ۷۳۵ ه‍ــ .ق) و برخی از شاگردان شیخ زاهد گیلانی (م ۷۰۰ ه‍ــ .ق) که در آذربایجان نفوذ فراوانی داشتند، از دسته های متصوفه شیعه به شمار می آمدند.

از جمله مشایخ معروف در این سلسله ها، شاه قاسم انوار، شاعر معروف است. وی در سال ۷۵۷ ه‍ــ . ق در سراب تبریز متولد شد و در سال ۸۳۷ ه‍ــ . ق در جام درگذشت. وی به شیخ صدرالدین صفی الدین ارادت داشت و به دستور او در گیلان، قزوین، خراسان و چندی نیز در مکتب هرات به تبلیغ پرداخت.

۱- علی اصغر حلبی، مبانی عرفانی و احوال عارفان، تهران.

۲- محمد بن علی خطیبی زوزنی، تاریخ العلماء، مکتبه المشتی ببغداد، مؤسس الخانجی.

۳- عبدالله نغمه، فلاسفه الشیعه، قم، دارالکتاب الاسلام، ص ۸۷.

۴- عبدالله نغمه، فلاسفه الشیعه، قم، دارالکتاب الاسلام، ص ۸۷.

در قرن هشتم در آذربایجان، صوفی بزرگی ظهور کرد که با زبانی موجز، مفاهیم گسترده عرفانی را شرح می داد. او شیخ محمود شبستری نام داشت. شیخ سعدالدین محمود بن امین الدین بن یحیی، در اواخر قرن هفتم به دنیا آمد و در سال ۷۱۹ یا ۷۲۰ یا ۷۲۵ هـ . ق درگذشت. مزار وی در شبستر قرار دارد. حق الیقین ؛ مراه الیقین؛ مراه المحققین؛ ترجمه منهاج العابدین غزالی؛ رساله شاهد؛ سعادت نامه و مثنوی گلشن راز از آثار شیخ محمود شبستری است. وی گلشن راز را در سال ۷۱۷ هـ . ق در جواب پرسش های امیرحسین هروی (م ۷۱۸ هـ .ق) سرود و به پرسش های هروی در ۹۹۳ بیت پاسخ داد. شرح های بسیاری بر این کتاب نگاشته شده است. شیخ محمود شبستری در نگارش مطالب خود، از اصطلاحات صوفیانی چون ابن عربی، صدرالدین قونوی، فخرالدین عراقی، غزالی، بوعلی سینا و اوحدالدین کرمانی تأثیر پذیرفته است.(۱)

از دیگر نظریه پردازان تصوف در قرن هشتم، سید حیدر آملی است. او در سال ۷۲۰ هـ . ق به دنیا آمد و حدود سال ۷۸۷ هـ . ق درگذشت. آثار گران بهایی از وی در موضوع هایی چون تفسیر قرآن با عنوان محیط الاعظم ، نص النصوص و رساله العلوم العالیه بر جای مانده است. نص النصوص، درحقیقت، شرحی بر فصوص الحکم ابن عربی است. سید حیدر آملی، مدتی در دستگاه های حکومتی، از جاه و جلال و مال برخوردار بود، ولی بر اثر تحول درونی که گویا در سی سالگی او رخ داد، به زیارت حج رفت. سپس زمانی کوتاه در اصفهان سکونت کرد و چندی نیز در عراق نزد علی بن کاشانی حلی (م ۷۵۵ هـ .ق) از متکلمین شیعه، شاگردی کرد.

میرحیدر، مسائل مربوط به نماز، روزه، جهاد و زکات را براساس روش اهل طریقت تأویل می کرد. وی در پی نشان دادن ماهیت یکسان حقیقت تصوف و تشیع بود. ازاین رو، نقطه تحول آموزه های ابن عربی به عرفان شیعی در ایران به شمار می آمد.(۲)

صائن الدین علی ترکه، (۷۶۱ ـ ۸۳۶ هـ . ق) از صوفیان قرن هشتم و نهم هجری است. او که گویا با شاه قاسم انوار ارتباط داشته است، رساله ای در شرح قصیده ابن فارض دارد که علاقه او به مشرب ابن عربی را نشان می دهد.(۳)

در قرن نهم، عرفان از شکل آموزه خالص و محض، خارج و در دیگر نحله های فکری ادغام شد. در قرن نهم و دهم، فلاسفه و متکلمین، بیشتر به مفاهیم عرفانی پرداختند که ثمره آن ظهور مکتب تلفیقی صدرایی در ایران است.

جامی، از مهم ترین عالمان قرن نهم بود که در عرفان ایرانی در پی آموختن آموزه های ابن عربی برآمد. نورالدین عبدالرحمن جامی، در سال ۸۱۷ هـ . ق در فرجرد جام متولد شد و در سال ۸۹۸ هـ . ق درگذشت. اهمیت جامی افزون بر هنر شاعری، در شرح و توصیف افکار ابن عربی و ابن فارض است. رساله لوامع او، شرحی بر قصیده ابن فارض است. جامی، رساله نقد النصوص را نیز در بیان مقاصد ابن عربی، در سال ۸۶۳ هـ . ق نگاشت.

۱- عبدالله نغمه، فلاسفه الشیعه، قم، دارالکتاب الاسلام، ص ۸۵.

۲- سیدحیدر آملی، تفسیر المحیط، ج ۲، ص ۱۶۵.

۳- ذبیح الله صفا، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶۵.

سه ـ مکتب شهود صدرایی

ملاصـدرا توانست تمام انـدوخته های فکری خود را در قالبی نو بیان کنـد و حاصل آن، به مراتب کامل تر از مطالبی است که اکنون در اختیار ماست. البته نبایـد فراموش کرد که ملاصـدرا، حکمت متعالیه خود را تا حد زیادی مرهون اندیشه ناب عرفانی محیی الـدین عربی است. اگر هنر بزرگ ابن عربی را تبیین و توصـیف نظری مشاهدات و مکاشـفاتی بدانیم که بیش از آن، با برخورداری از زبـان خـاص الخاصـی در سینه عارفان و سالکانی انـدک، محصور و محسوس مانـده، هنر بزرگ ملاصـدرا نیز تبیین برهانی و توصیفات ابن عربی و تبدیل آنها به زبان فلسفه است.

عرفـان، تـا پیش از ابن عربی، تجربه ای شخصـی بود که فقط درک می شـد و قابل توصـیف نبود. ابن عربی، ادراک شـهودی عـارف را توضـیح پـذیر کرد و براسـاس آن، عرفـان که مصـداق «یـدرک و لایوصف» بود، معادله مرشـد را بر هم زد و آن را مصداق «یدرک و یوصف» قرار داد. وی، ادعاهای عرفانی را آشـکار کرد؛ ادعاهایی که درک و تجربه شخصـی عارف به آن راه نـداشت و همین امر، بـاب مفـاهمه و مخـاطبه کارآمـد و نهـادینه را میان عارفان و دیگر افراد و اقشار اجتماعی مسـدود می کرد. سـاخت وی مشاهـدات و تجربه هـای شخصـی را بـا چیره دستی و مهـارتی بی همتا به وصف کشـید و زمینه هم زبانی را فراهم کرد.

بی شـک، حکمت متعـالیه، در ردیف دسـتگاه هـای فلسـفی ـ اشـراقی جـای می گیرد؛ زیرا نمونه روشن آن، عبـارت است از تأکید ملاصدرا ـ افزون بر مشـی در طریق اسـتدلال ـ بر تصـفیه و تزکیه نفس برای پذیرش اشراق های معنوی از مبادی عالیه عالم.

این واقعیت، پرسش هایی را برمی انگیزد که برخی از این پرسش ها عبارتند از:

۱. کشف شهودی که ملاصدرا در فلسفه و عرفان مطرح می کند، به چه معناست؟

۲. آیا این شهود، عرفانی است یا عقلانی و آیا شهود صدرایی به معنای تجربه دینی یا نوعی از آن نیست؟

۳. ملاصدرا در کدام مسائل، ادعای شهود کرده است؟

به شهودی که عارفان و انسان های اهل سیر و سلوک، پس از پیمودن مراحلی از ریاضت های باطنی و ظاهری به آن می رسند و دستیابی به این گونه شـهود اختیاری، به اراده انسان است، شـهود عرفانی گفته می شود. بنابراین، با شش گونه از شهود روبه رو هستیم: شهود حسی؛ شهود عقلی (عقلانی)؛ شهود اخلاقی؛ شهود مشترک؛ شهود عرفانی و شهود آسمانی.

شهود عرفـانی، طیف گسترده ای از شـهود را شامل می شود. البته برخی معتقدنـد هرگز نمی توان شـهود عرفانی را تعبیر کرد، چه رسد به اینکه بتوان آن را با استدلال و برهان بیان کرد.

ویژگی های شهود عرفانی را می توان چنین برشمرد:

۱. بیان ناپـذیر است. برجسـته ترین نشانه ای که برای عرفان دست می دهد، بی نشان بودن آن است. حالت عارف به گونه ای است که در بیان و وصف نمی گنجد.

۲. امری معرفت زاست؛ یعنی برای عارف، شـناخت و معرفت به همراه می آورد و سـبب نوعی بصـیرت باطنی در اعمال حقایق هستی می شود که با میزان عقل و استدلال تناسب ندارد.

۳. زودگذر است؛ یعنی حالی است که دست می دهد و به سرعت از بین می رود.

۴. همراه بـا انفعال است؛ یعنی در حالت شـهود، عارف احساس می کنـد اراده از او سـلب شـده است و گویا در اختیار و اراده مافوق قرار دارد.

ص:۲۲

۳. فرقه های مهم صوفیان در ایران

اشاره

در این بخش، مختصری از تاریخ عرفان و تصوف و بزرگان بررسی می شود. آنچه در پی می آید، بررسی کوتاهی از فرقه ها و نهضت های صوفیانه ای است که در اندیشه صوفیان تأثیر چشمگیری بر جا گذاشتند. امروزه برخی از این فرقه ها همچنان به حیات خود ادامه می دهند و آیین و مراسم و برنامه های ویژه ای دارند. اهمیت این بررسی، ازآن روست که عرفان اسلامی، از طریق همین فرقه ها شناخته شده است و مسلک هایی که بررسی خواهد شد، خود را نماینده معرفت عرفانی دانسته اند. براین اساس، زیبایی ها و زشتی های رفتاری پیروان چنین فرقه هایی، در نهایت به اسم عرفان نوشته شده است. نابسامانی های فکری و رفتاری چنین فرقه هایی، از اهمیت عرفان اسلامی در طول تاریخ به شدت کاست و با محدود شدن آداب آنها به مراسم خانقاهی، عرصه بر حقیقت سازنده و ناب عرفان اسلامی بسیار تنگ شد.

باید توجه داشت نسل جوان کنونی، از عرفان اسلامی و تصوف، ذهنیتی منفی دارند و عرفان را متعلق به انسان های منزوی، بی درد و گریزان از جمع می دانند. چنین نگرشی، حاصل تصویری است که خانقاه ایجاد کرده است. با این پیش فرض، اهمیت توجه به نهضت ها و فرقه های صوفیان در پیرایش چهره درخشان عرفان اسلامی، بسیار ضروری است.

نخستین تقسیم بندی از فرقه صوفیانه را هجویری در کتاب شریف کشف المحجوب انجام داده است. این تقسیم بندی عبارتند از:

فرقه محاسبیه

این فرقه، پیرو ابوعبدالله حارث محاسبی، از مردم بصره و ساکن بغداد بودند. وی از معاصران احمد بن حنبل بود که در سال ۲۴۳ هـ . ق در بغداد درگذشت. ویژگی مذهب محاسبیه که بیشتر صوفیان پیرو آن هستند، این است که «رضا» از جمله مقدمات نیست، بلکه از جمله احوال است.(۱)

فرقه قصاریه (ملامتیه)

این فرقه، پیروان ابوصالح حمدون بن احمد عماره قصار بودند که طریق او، اظهار و نشر ملامت بوده است.(۲)

اصول مکتب ملامتی به این شرح است:

۱. پیروان این مکتب اصرار داشتند ملامتی، در سبک زندگی و رفتار و روش اجتماعی برخلاف عامه باشد.

۲. می کوشیدند موجب نفرت، ناخشنودی و دوری مردم از خود شوند.

۳. به گونه ای رفتار می کردند که اگر در باطن، تابع شرع بودند، مردم آنان را تارک شرع بپندارند.

۴. می کوشیدند مردم را بر ضد خود تحریک کنند تا حس لاابالی گری و بی اعتنایی به خَلق و قضاوت آنها در وجودشان تقویت و نهادینه شود.

۵. شعار ملامتیه، «الملامه، ترک السلامه» و «الشهره آفه» بوده است.(۳)

ص:۲۳

۱- هجویری، کشف المحجوب، تصحیح: النتین ژوکوفسکی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۱۵۳.

۲- ابوعبدالرحمن سلمی، طبقات الصوفیه، با تصحیح و مقدمه: نورالدین شریبه، ص ۱۰۶.

۳- ابوالعلاء عفیفی، ملامتیه، صوفیه و فتوت، عوارف المعارف، به کوشش: عبدالعلیم محمود، بیروت، باب نهم.

فلسـفه ملامتی و هدف و نتیجه ملامتیه، به کارگیری روشـی مناسب برای حفظ اخلاص در عبادت، تحصـیل فراغت وجدانی و معنوی برای سیر و سلوک و صیانت نفس از غرور و دل مشغولی به خلق است.

فرقه قلندریه

فرقه قلنـدریه را از اقسام گروندگان به ملامتیه می دانند. این فرقه، مکتبی به تمام معنا لاابالی است. پیروان این فرقه به جز پاکی دل و صـفای درون خود به هیچ چیز توجه ندارند. از ویژگی های قلندریه، تراشـیدن موی سـر و ریش است. در اشعار حافظ نه تنها بارها به قلنـدری، رنـدی، قلاشـی مسـلک بودن، بی پروایی، آزادمنشـی و بی اعتنایی آنان به کار عوام اشاره شده، بلکه از مجموع اشعار وی چنین برداشت می شود که خود وی نیز به این فرقه تمایل خاصی داشته است.

سور رندان قلندر به ره آورد سفر

دلق بسطامی و سجاده طامات بریم

قلندران حقیقت به نیم جو نخرند

قبای اطلس آن کس که از هنر عاری است

فرقه طیفوریه

طیفوریه، پیروان بایزید طیفور بن عیسـی بسطام عارف بوده اند. به گفته هجویری، «طریق وی غلبه و سکر و غلبه حق عزوجل و دوستی از جنس آدمی نباشـد.» افزون بر هجویری، شـیخ فریدالـدین عطـار نیشابوری در تـذکره الاولیا، نام طیفوریه را به عنوان فرقه بایزید مطرح می کند. به نظر می رسد، فرقه طیفوریه که امروزه در قالب همین تشـکیلات و خانقاه فعالیت می کنند، قوّت علمی چندانی ندارند.

فرقه جنیدیه

این فرقه، پیروان ابوالقاسم جنیـد بن عمر بوده انـد. جنیـد، از صوفیان معتـدل و میانه رو و طریقه اش به مذاق متشـرعان نزدیک بوده است. وی اسـاس طریقت خود را بر مراقبه باطن، تصـفیه قلب، تزکیه نفس و آراسـتگی به اخلاق پسـندیده قرار داده و در همه موارد، شریعت و طریقت را به هم پیوسته است.(۱)

فرقه نوریه

این فرقه، مریـدان ابوالحسن احمـد بن محمـد بن النور هسـتند که هجویری درباره اینان گفته است: «نوری در تصوف، مـذهبی پسـندیده و قاعده ای گزیده داشته و اهل عزلت و گوشه نشینی نبوده است. از ویژگی های تصوف وی نیز این بوده که به ایثار

اهمیت می داده است».(۲)

فرقه سهلیه

سهلیان، پیروان سـهل بن عبـدالله تستری بوده انـد. طریق سـهل، اجتهاد و مجاهدت با نفس و ریاضت بود؛ یعنی همان گونه که حمدون می دانست و جنید بغدادی به مراقبه باطن اهمیت می داد.

۱- عبدالحسین زرین کوب، جست وجو تصوف در ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۱۸.

۲- ابونصر عبدالله بن علی سراج طوسی، اللمع فی التصوف، تحقیق و تصحیح: نیکلسون، لندن، مطبعه بریل، ص ۷۸.

فرقه حکیمیه

آنـان پیروان ابوعبـدالله محمـد بن علی حکیم ترفـدی، از صوفیـان بزرگ قرن سوم هسـتند. آنهـا اسـاس و قاعـده را ولایت می دانستند و معتقد بودند سلوک او، فقط از طریق اولیا و راهنمایی آنان ممکن است.

فرقه ساریه

جماعتی از صوفیه که به ابوالعباس، بسیار تولّا می کردند و اهل جمع و تفرقه بودند.

فرقه خزاریه

این فرقه، پیروان ابوسعید خزار، از مشاهیر عرفای قرن سوم هستند. اساس طریقت ابوسعید، در فنا و بقاست.

فرقه خفیفه

آنها پیروان ابوعبدالله محمد بن خفیف بودند. اساس و قاعده مذهب او، تصوف غیبت و حضور بود.

این فرقه هـا، مهم ترین فرقه هـایی است که هجـویری در کشـف المحجوب بـدان پرداخته و آنهـا را جزو مکتب هـای عرفـانی برشمرده است.

فرقه قادریه

از قـدیمی ترین سلسـله هـای طریقت، سلسـله قادریه است. این فرقه به عبـدالقادر گیلانی (۴۷۱-۵۶۱ هـ . ق) منسـوب اسـت و پیروان این فرقه، در همه سـرزمین هـای اسـلامی، به خـدمت و محبت شـهرت دارنـد. با آنکه پیروان این فرقه در اصل، از میان حنابله برخاستند، تا حد زیادی اهل مسامحه بوده اند.

فرقه صفی علی شاه

حـاجی میرزاحسن اصـفهانی، پسـر آقا محمـدباقر تاجر است. صـفر علی شاه، لقب طریقتی او بود. در یزد به تحصـیل پرداخت. برای دوری از غوغای قطبیت، چنـدی به هنـد رفت. در بازگشت از هنـد، مدتی در مشـهد اقامت کرد و سـپس تا پایان عمر در تهران ساکن شد. آثار باقیمانده از وی عبارتند از: زبده الاسـرار ، بحرالحقایق (به شیوه گلشن راز و تفسیر منظوم قرآن اصفی) و کتاب عرفان الحق در سیر و سلوک که برای ناصرالدین شاه تصنیف کرد.

فرقه سلطان علی شاه گنابادی

سلطان علی شاه گنابادی در سلسله حاج ملاسلطان محمد بیدختی بود. پیروان او، طایفه گنابادی یا طاووسیه هستند که به سبب انتساب به سعادت علی شاه که از طرف محمد شاه قاجار لقب «طاووس العرفا» گرفته است، به این نام مشهور هستند.

در حـال حاضـر، فرقه هـای نعمت اللهی بـا شـکل هـای گوناگون خود، در خانقاه منسوب به صـفی علی شاهی و نیز گنابادی،

فعالیت و حضور گسترده تری در مقایسه با دیگر فرقه ها دارنـد و از نظم و برنامه ریزی دقیقی در جـذب پیروان و مریدان خود برخوردار هستند.

فرقه خاکساریه

این فرقه نیز در حال حاضـر، پیروانی در ایران به ویژه اهواز، اصـفهان، کرمانشاه، مشـهد و تهران دارد. اغلب پیروان این طریقه، شیعه و سخت پایبند به حضرت علی(ع) هستند.

ص:۲۵

فرقه بکتاشیه

سلسله بکتاشیه، منسوب به سید محمد رضوی، معروف به حاجی بکتاشی ولی است. از این فرقه آثار چندانی باقی نمانده است.(۱)

نکته در آخر درباره فرقه ضال صوفیه در ایران این نکته لازم به یادآوری است که:

امام رضا(ع) می فرماید:

هر کس نزد او از صوفیه سخنی به میان آید و با زبان دل آنها را انکار نکند از ما نیست. و هر کس ایشان را انکار کند مانند این است که در حضور رسول خدا(ص) با کفار جهاد نموده است.(۲)

فرقه گرایی و انحرافات مذهبی در ایرن سابقه دیرینه ای دارد. نگاهی به تاریخ معاصر ایران، نشان می دهد که جامعه ایران همواره از ناحیه فرقه های مذهبی مانند بابیگری، عرفان کاذب و تصوف و یا صوفی گری مورد تهدید قرار گرفته است. با شکل گیری نظام جمهوری اسلامی که براساس آموزه های دینی استقرار یافته است این تهدید افزایش یافته و همچنان ادامه دارد چرا که فرقه های منحرف مذهبی و سیاسی با استفاده از فرصت به وجود آمده پس از پیروزی انقلاب با ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی بخشی از جامعه ایران را در مقابل هم قرار داده که نظام برای مقابله با این تهدیدها هزینه های زیادی پرداخته است.

همچنین در سالیان اخیر شاهد پیدایش شکل گیری فرقه های منحرف تصوف بودیم که دشمنان انقلاب اسلامی با نفوذ در میان فرقه ها به ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی مبادرت ورزیده اند. بنابراین در این بخش پایانی فصل اول سعی داریم با گوشه ای از چالش های سیاسی و مذهبی که از ناحیه ضاله صوفیه فراروی نظام جمهوری اسلامی قرار دارد آشنا شویم.

صوف دارای فرقه های زیادی است. انتساب هر گروه از صویان به یک قطب و یا سلسله از اقطاب سبب شده است که فرقه های صوفیه به شمار قطب و مشایخ رقم بخورد. آسیب این فرقه ها در ایران بیشتر از سایر فرقه هاست.

فرقه نعمت اللهیه

این فرقه منسوب به شاه نعمت الله ولی کرمانی است. وی از عرفا و صوفیان بزرگ قرن هشتم هجری است که به سید یا شاه ملقب است. شاه نعمت الله در سال ۷۳۰ هـ .ق در حلب به دنیا آمد و در سال ۸۴۳ در ماهان از توابع کرمان از دنیا رفت. دراویشی که در قم و تهران فعالیت دارند غالباً نعمت اللهی بوده و پیرو سلطان محمد گنابادی هستند. وی ادعا کرده است که تصوف را از معصوم علیشاه رکنی فرا گرفته است و او شخصیتی است هندی که از مرتاض های بت پرست هندی تصوف را آموخته است. سلطان محمدگنابادی در سال ۱۳۲۷ توسط آخوند خراسانی مرتد اعلام شد و مردم او را به قتل رساندند. پس از وی فرزندان ملاعلی نور علیشاه و پس از وی فرزندش صالح علیشاه، قطب درویش شد. پس از او سلطان حسین تابنده معروف به رضا علیشاه قطب آنان شد که در سال ۱۳۷۱ از دنیا رفت. وی در زمان رژیم پهوی از طرفداران نظام بود به طوری که ارتشبد نصیری رئیس ساواک و اسدالله علم از مریدان وی گردیدند.

۱- جست وجوی تصوف در ایران، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۲- حدیقه الشیعه ، ص ۶۴.

در سال های پس از انقلاب این فرقه منحرف با افزایش فعالیت خود به خصوص در شهرهای مذهبی مانند قم درصدد جذب افراد و توسعه اندیشه انحرافی خود بود که با برخورد مناسب مسئولین شهر، فعالیت آنان متوقف شد.

فرقه اهل حق یا علی اللهی

فرقه اهل حق به دلیل اغراق و افراط در مورد حضرت علی به علی اللهی نیز مشهور شده اند. هرچند خود این نام را قبول ندارند. با این حال این فرقه به دلیل برخی از اعتقادات افراطی از غلات به شمار می آید و از نظر فقهای اسلامی چه شیعی و سنی محکوم به ارتداد شده اند. بیشتر پیروان اهل حق در مناطق غربی ایران و مناطق کردنشین عراق ساکن هستند و مهم ترین علامت و مشخصه این فرقه سبیل های بلند و پرپشت است که روی لب ها را کاملاً می پوشاند. اهل حق معتقدند حضرت علی(ع) سبیل خود را نمی تراشیده و از این رو تراشیدن سبیل، از نظر آنها عملی زشت و گناهی کبیره محسوب می شود.

از جمله انحرافات این فرقه ترک واجبات شرعی است؛ اینکه عبادات را در مرحله اول سیر و سلوک که به اصطلاح آنان مرحله شریعت است، لازم می دانند اما وقتی از مرحله شریعت گذشتند به مرحله بعدی یعنی طریقت، معرفت و حقیقت وارد شدند، عبادت های شرعی را لازم نمی دانند بنابراین این فرقه یک یا چند هفته را در محلی به نام جمع خانه یا جم خانه مراسم ذکر عبادی خود را با ذکر یا علی آغاز می کنند. این ذکر همراه با نواختن ضرب و طنبور و سایر آلات موسیقی اجرا می شود و سپس نوبت رقص و سماع می رسد. فرقه اهل حق معتقدند فرقه آنان در قرن دوم هجری پدید آمده و در قرن هفتم حیات یافته است. برخی زمان تأسیس این فرقه را قرن چهارم هجری می دانند و موسس آن را شخصی به نام مبارک شاه که به شاه نشین ملقب بوده، معرفی می کنند.

فرقه صفویه

صفویه فرقه ای است که از سهروردیه منشعب شده و پیروان این فرقه در آذربایجان و اکثراً در شهر اردبیل سکونت داشته اند. رئیس این فرقه شیخ صفی الدین اردبیلی است این فرقه توانستند در سال ۹۰۷ هجری به رهبری شیخ اسماعیل صفوی سلسله پادشاهی صفویه را در ایران تأسیس کنند. البته در مورد انحرافات این گروه اطلاعات دقیقی در دست نیست.

فرقه حروفیه

این فرقه پیرو فضل الله استرآبادی مشهور به حروفی بوده اند. استرآبادی در سال ۷۴۰ه_ .ق در استرآباد به دنیا آمد و در سال ۷۹۶ به دست میدان شاه، پسر تیمور کشته شد. استرآبادی معتقد بود که همه حروف الفبا مقدس هستند و در هر حرفی، سری نهفته است. او معتقد بود که خدا از جنس نور بوده و اعضای وجودش، شبیه حروف الفبا است.

فرقه ذهبیه

یکی از سلسله های معروف در ایران، سلسله ذهبیه است که به آن سلسله رضویه و کبرویه نیز می گویند. مرکز این سلسله در شیراز است. این سلسله تا زمان ارشاد وحید الاولیاء در شیراز، در گمنامی به سر می بردند.

مجالس این فرقه در شب های جمعه در خانقاه احمدی شیراز بر پا می شود. غلو در احوال امامان معصوم(ع) و نیز حبس نفس و ذکرهای بسیار گفتن همراه با سماع از ویژگی های این فرقه است. وجه تسمیه این فرقه آن است که چون امام رضا(ع) دستورهایی برای پیروان این فرقه نگاشت، پیروان این دستورها را ذهبیه نامیدند.

ص:۲۷

فرقه درویشی ذهبیه، یکی از سلسله های معروف دراویش در ایران بوده است. این فرقه به خاطر انشعابات زیاد به اغتشابیه معروف است. یکی از شعبات فرقه ذهبیه فرقه مهدویه فتحیه گمنامیه بوده است، قطب این فرقه فتحعلی است که این شخص مدعی ماموریت از سوی امام عصر(عج) شد.

پس از وی فردی به نام سیدعلی تهرانی معروف به کفری جانشین وی شد. این فرقه با نادیده گرفتن برخی از احکام شرعی مانند اکثر فرقه های به ظاهر معنوی مسیر انحرافی خود را گذرانده، و ارام آرام پس از تحکیم پایه های قطب در فرقه و القای این نظریه که قطب بر مدیران ولایت داشته و به امام زمان(عج) متصل است به اوج انحراف نزدیک شده و در نهایت با اقدامات قتل و ترور، چهره واقعی خود را نمایان ساخت. گفته می شود که قطب این فرقه و برخی از مدیران وی به امریکا پناهنده شده و ارتباطاتی با سرویس های امنیت جاسوسی این کشور برقرار کرده اند هم اکنون پرونده آنها در دادگاه انقلاب اسلامی به اتهام عاملیت در قتل در حال پی گیری است.

ص:۲۸

فصل دوم: آشنایی با عرفان اسلامی

اشاره

انسـان به صورت فطری خواهـان کمال نامحـدود است. علم و قـدرت از مظاهر کمال نامحـدود بوده و رسـیدن به چنین کمالی مایه لذت بردن نامحدود و سعادتمندی پایدار در انسان می شود و زندگی را در نظرش معنادار می سازد.

بی شـک، انسـان هنگـامی به چنین کمـالی دست خواهـد یـافت که با منبع نامحـدود علم و قـدرت و کمال زیبایی مطلق؛ یعنی خداونـد متعال ارتباط پیـدا کنـد که در لسان اهل معنی «قرب» نام دارد. بنابراین، کمال حقیقی انسان به عنوان هدف آفرینش، در سایه ارتباط و قرب به خدای متعال حاصل می شود.

انسـان دارای دوگونه زنـدگی است: زنـدگی طبیعی و زنـدگی عقلانـی. زنـدگی طبیعی که بـا ویژگی هـایی از قبیل احساس، حرکت، توالد و تناسل، جلب عوامل لذت و دفع عوامل ضـرر شناخته می شود، از مختصات انسان نیست، بلکه دیگر جانداران در این ویژگی ها با او شریکند. در مقابل، زندگی عقلانی با حیات معقول از ویژگی های خاص انسان به شمار می رود.

حیات معقول عبارت است از تکاپوی آگاهانه ای که شخصیت انسانی آن را رهبری می کند تا به صورت جاذبه مطلق و کمال مطلق درآید. بدیهی است دستیابی به چنین مقصود آرمانی، نیازمند معرفت های گسترده درباره انسان و جهان است. بی شک، این معارف تنها با عقل و تفکر بشری به دست نمی آیـد و به هـدایت نیازمنـد است؛ چون بشـر با تکیه بر اسـتعدادهای درونی خویش نمی تواند به تمام ابعاد وجودی و روانی خویش آگاه شود که عالی ترین مرتبه آن نیز عرفان است.

از عرفـان و تصـوف تعریـف‌هـای زیـادی ارائه شـده است. عبـدالرزاق کاشـانی، تصـوف را تخلّق به اخلاـق الهی تعریف کرده است.(۱)

تهانوی می‌نویسد:

صـوفی کسـی است که خود را فـانی و به خـدای تعـالی بـاقی و از طبـایع آزاد شـده و به حقیقه الحقـایق پیوسـته، درحـالی که متصوف کسـی است که می‌کوشد به این درجه برسد. لکن مُسْتصوف، عارف نمایی است که برای رسیدن به این دنیا و جاه و مقام، خود را شبیه متصوف کند.(۲)

شیخ الرئیس ابوعلی سینا درباره فرق میان عارف و عابد می گوید:

ص:۲۹

۱- کمال الدین عبدالرزاق کاشانی، تحفه الاخوان فی خصائص الفتیان، مقدمه و تصـحیح و تعلیق: سید محمد دامادی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۸.

۲- محمد اعلی تهانوی، کشاف اصطلاحات الفنون، تصحیح: محمد روضه، ج ۱، ص ۸۴۱.

کسی که از مواهب دنیا و ثمرات آن روی برتافته، زاهد است و کسی که بر به جای آوردن عبادت‌ها اصرار می‌ورزد، عابد نامیده می‌شود، ولی آن کسی که ضمیر خود را از توجه به غیر حق بازداشته و متوجه عالم قدس کرده تا نور حق بدان تابد، به نام عارف شناخته می‌شود. هرچند گاهی دو یا سه عنوان فوق در یک فرد جمع شده است.(۱)

نکته اساسی این است که عرفان در دو قلمرو بررسی می‌شود: یکی اینکه عرفان بیشتر به بعد فرهنگی توجه می‌کند و آن را در قالب یکی از مشرب‌های علمی میان روش‌های کسب معرفت دینی می‌نماید، درحالی که تصوف، بیشتر در بعد جامعه‌شناسی به آثار اجتماعی حضور خرده فرهنگ در جامعه اسلامی توجه دارد. البته باید دانست که عرفان اسلامی، آمیخته‌ای از مشرب‌... های مختلف عرفانی است.

ما با سه دسته از عارفان روبه‌رو هستیم:

۱. رؤسای فرقه‌ها و اقطاب طریقه‌های صوفیه که از دانشوری و برجستگی علمی، دینی و معرفتی تهی هستند. همت مریدان بیشتر به آداب و ظواهر و فرقه‌ها معطوف است و گاه با بدعت‌ها و آرایه‌های غیرشرعی همراه می‌شود.

این بدان معناست که این فرقه‌ها و اقطاب طریقه‌های صوفیه، از جنبه فرهنگی خود دور می‌شوند و بیشتر شکل جریان اجتماعی را به خود می‌گیرند. بنابراین، نباید از آنان تولید علم و معرفت اخلاقی و عرفانی را سراغ گرفت.

۲. دسته دوم، نظریه‌پردازان عرفان نظری هستند. آنان جزو استادان سرآمد و تراز اول حوزه فقه و فقاهت هستند، درحالی که هیچ گونه وابستگی به سلسله‌ها و طریقه‌های رسمی تصوف و عرفان ندارند، مانند ملاصدرای شیرازی، فیض کاشانی، میرقاضی، سعید قمی، آقا محمدرضا قمشه‌ای، میرزا هاشم اشکوری و امام خمینی(ره) و در میان اهل سنّت، محمد بن حمزه فناوری رومی.

۳. دسته سوم، نظریه‌پردازان و سالک الی الله هستند. شاخصه این نظریه‌پردازان که بیشتر در میان شیعه ظهور می‌کنند، آن است که با پیروی از مکتب عرفانی اهل بیت(ع) در عرفان عمل و سلوک الی الله به مقبول ترین شکل مقامات و منازل را می‌پیمایند و از واصلان الی الله به شمار می‌روند.

نفی و اعتقاد نداشتن به سلسله‌های طریقت‌های متصوفه و برنامه‌های آنان، به منزله پایبندی و تسلیم محض در برابر شریعت در کنار زهد و مراقبت است. نمونه بارز این نفی را باید در شخصیت افرادی مانند سید مهدی طباطبایی بحرالعلوم، شیخ محمد بیدآبادی، ملاحسینقلی همدانی، شیخ محمد بهاری، سید احمد کربلایی، آقا سید علی قاضی، میرزا جوادآقا ملکی تبریزی و امام خمینی(ره) جست که با وجود این افراد، در این دوران از حجم آثار مستقل عرفان نظری به شدت کاسته می‌شود و دوران شرح و حاشیه‌نویسی آغاز می‌گردد.

سرآغاز این حرکت را باید از سده هفتم و با ظهور محیی الدین عربی دانست. ما شاهد ظهور مفاهیمی چون مباحث سه‌گانه وحدت و جدل، حضرات خمس، نشئت هستی، انسان کامل یا کون جامع هستیم که به مثابه رهاورد شهود سالکان، عالم اکبر، عالم اصغر و تطابق کامل سیر نفس و سیر انفسی سالک با گذار بر مدار آفاق و لایه‌های هستی است.

هـدف این گروه، تربیت انسـان کامل است. انسان کامل یا کون جامع که عصاره خلقت و جامع جمیع نشـئت و غایت آفرینش ماسواست، ویژگی هایی دارد که عبارتند از:

۱. شهود باطن هستی و درک حقیقت وحدت؛

۱- حسین بن عبدالله (ابن سینا)، الاشارات و التنبیهات، تحقیق: مجتبی زارعی، قم، بوستان کتاب، ج۱، ص ۸۴۱.

۱. گذار جان از عوالم ماده، مثال و عقل و بار یافتن در جوار قرب حق در نشاء لاهوت؛

۲. مهرورزی انحصاری به خدای متعال؛

۳. تخلق به اخلاق الله و اتصاف به حضرتش؛

۴. خودگریزی و خودشکنی در حد تسلیم و فنا از ذات و صفات و افعال.

عرفان اسلامی ما بر شناخت و روش شهود قلبی تأکید می‌کند. در این عرفان بر پایه رویکرد معرفت‌شناختی عارفان، رابطه حسی و عقلی برای کسب شناخت برقرار می‌شود و آدمی تنها از معبر تصفیه روح و آنگاه بازتابش انوار حقیقت در ظرف قلب خود می‌تواند به ادراک حقایق عالم توفیق یابد. بدین ترتیب، حجت عرفانی بر استدلال و تبیین عقلی استوار نیست، بلکه عارفان، تنها ارتباط افراد غیرعارف و گاهی یافته‌های شهودی خود را به الفبای عقلی ترجمه می‌کنند.

در اندیشه عرفان، مراتب ده‌گانه نفس و مقامات ده‌گانه چنین است:

مقامات ده‌گانه مرتبه نفس؛ غیب الجن: یقظه، توبه، محاسبه، انابه، تفکر، تذکر، اعتصام، ریاضت، فرار و سماع که به مجموعه آنها «بدایات» گفته می‌شود.

۱. مقامات ده‌گانه مرتبه دوم؛ غیب نفس: حزن، خوف، اشفاق، خشوع، اخبات، زهد و ورع، تبتّل و رجا که درمجموع «ابواب» خوانده می‌شود.

۲. مقامات ده‌گانه مرتبه سوم؛ نفس لوامه: رعایت مراقبت، حرمت، اخلاص، تهذیب، استقامت، توکل، تفویض، ثقه و تسلیم که درمجموع به «معاملات» موسومند.

۳. مقامات ده‌گانه مرتبه چهارم؛ نفس مطمئنه: صبر، رضا، شکر، حیا، صدق، ایثار، خلق، تواضع و انبساط که درمجموع به «اخلاق» معروفند.

۴. مقامات ده‌گانه مرتبه پنجم نفس؛ غیب القلب: قصد، عزم، ادب، یقین، انس، ذکر، فقر، غنا و مقام که «مراد اصول» نام گرفته‌اند.

۵. مقامات ده‌گانه مرتبه ششم نفس؛ غیب‌العقل: احسان، علم، حکمت، بصیرت، فراست، الهام، تعظیم، سکینه، طمأنینه و همت که درمجموع به «اودیه» مشهورند.

۶. در مقامات ده‌گانه مرتبه هفتم نفس؛ مقام سرّ: محبت، غیرت، شوق، قلق، عطش، وَجِد، ذهنش، برق، عمان و ذوق که درمجموع «احوال» خوانده می‌شود.

۷. مقامات ده‌گانه مرتبه هشتم نفس؛ غیب‌الروح: لفظ، وقت، صفا، سرور، سِرّ، نفس، غربت، غرق، تمکّن و غیبت که

درمجموع به آنها «ولایات» گفته‌اند.

۸. مقامات ده‌گانه مرتبه نهم نفس؛ مقام خفی: مکاشفه، معاینه، حیات، قبض، بسط، شکر، اتصال، انفصال که اسم این مجموع «حقایق» است.

۹. مقامات ده‌گانه مرتبه دهم نفس؛ غیب‌الغیوب: معرفت، فنا، بقا، تحقیق، تلبیس، وجود، تجرید، تفرید و جمع توحید که درمجموع به «نمایات» موسومند.

حضرت آیت الله مصباح یزدی در تعیین مسیر کمال انسان می‌نویسد:

کلمه عرفـان و تصـوف و نظـایر آن، اگر به اموری صـحیح که موافق شـرع است، اشـاره داشـته باشـد، جـای هیـچ گونه ترس و نگرانی نیست، اما اگر به معانی غیرصـحیح اشاره داشته باشـند و درصـدد بـدعت گـذاری در دین باشـند، باید از آنها اجتناب کرد.(۱)

مبـادی عرفان را بایـد در اهل بیت(ع) جست‌وجو کرد. یکی از برجسـته‌ترین ویژگی‌های ملکوتی اهل بیت(ع) این است که در انجام دادن وظیفه خود، از بیان معارف الهی که درحقیقت، تعلیم اسـمای حسـنای خداونـد و زمینه خلافت انسان و کامل شدن است، ذره‌ای فروگذار نکرده و بخل نورزیده‌اند.

نکته دیگر اینکه در عرفـان، برای رسـیدن به این مقـام والاـ انسـان بایـد به راه‌یافتگـان به این منزلت نزدیک شود؛ ولایت اهل بیت(ع) را در جان و دل بپرورانـد و با اعتقاد، به سنّت و سیرت آنان عمل کند. آنان، حقیقت محمدی و اهل بیت عصـمت و طهارت و شاگردان ایشان هستند؛ زیرا انسان‌های بزرگ، انسان‌های کوچک را با خود هماهنگ و همراه می‌سازند.

خوی شاهان در رعیت جا کند

چرخ اخضر خاک را خضرا کند

سوم اینکه برای پیمودن این راه پرخطر و آزمون، به اسـتادی مجرب و راه پیموده، نیاز است؛ اسـتادی که توانایی‌ها، استعدادها، علاـیق، موانع و روحیـات شخصـی فرد را بدانـد تا راهی درست پیش روی او قرار دهـد. بایـد توجه داشت که برای هر انسان، نردبانی به سوی آسمان نصب نشده است.(۲)

۱. عرفان عملی و عرفان نظری

عرفان عملی، تنظیم کننـده روابط و وظایف انسان با خودش، جهان و خـداست. عرفان با این رویکرد، مانند اخلاق است؛ یعنی عملی است. این بخش از عرفان، «سیر و سلوک» نامیده می شود.

در سیر و سلوک، بحث دراین باره است که سالک برای آنکه به قله بلند انسانیت برسد، از کجا باید شروع کند، چه مراحل و منازلی را بایـد به ترتیب پشت سر بگـذارد و در منازل میان راه، چه احوالی برای او رخ می دهـد و چه وارداتی دارد. البته این منـازل و مراتب، بـا اشـراف و مراقبت یـک انسـان جـامع که این راه را پیموده و از راه و رسم منزل هـا آگاه است، صورت می گیرد. اگر همت یک انسان جامع، بدرقه راه سالک نباشد، خطر گمراهی، وی را تهدید می کند.

درک توحیـد، آخریـن منزل سیر و سـلوک اسـت. توحیـد در عرفـان اسـلامی به این معنـاست که موجـود حقیقی، منحصـر به خـداست و جز خدا هرچه هست، نمود اوست. توحید در این اندیشه، طیّ طریق کردن است. رسـیدن به این مرحله، کار عقل و اندیشه نیست، بلکه کار دل و نیز مجاهدت، سیر و سلوک و تصفیه و تهذیب نفس است.

عناصـر روحی عرفانی، بسـیار گسترده است. در سـیر و سـلوک عرفانی، از یک سلسـله احوال و واردات قلبی سخن به میان می آید که منحصراً به یک سالک راه، در خلال مجاهدات و طی طریق دست می دهد و مردم از این احوال و واردات بی خبرند.

عرفان نظری، به تفسیر هستی می پردازد و درباره خدا و جهان و انسان بحث می کند. این بخش عرفان، مانند فلسفه الهی است که در مقام تفسیر و توضیح هستی است.

۱- محمدتقی مصباح یزدی، چکیده‌ای از اندیشه بنیادین اسلامی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی ــ پژوهشی امام خمینی(ره)، ص ۹۱.

۲- محمدرضا کاشفی، راهنماشناسی، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، چ ۲، صص ۴۲ و ۴۳.

عرفـان، یـک موضوع و مبادی و مبحث دارد. البته فلسـفه در اسـتدلال خود، تنها بر مبادی اصول عقلی تکیه می کنـد و عرفان، مبادی و اصول کشـفی را پایه اسـتدلال خود می سازد و آنگاه آنها را با زبان عقل توضیح می دهد. عارف، آنچه را با دید دل و با تمام وجود خود شهود کرده است، با زبان عقل بیان می کند.

۲. اصول جهان بینی عرفان اسلامی

الف) اصل وحدت وجود

وحـدت وجود، محور جهـان بینی عرفـانی است. وجود، «واجـد مِن جمیع الجهـات» و بسـیط مطلق است و هیـچ کـثرتی در آن نیست، نه کثرت طولی و نه کثرت عرضی و نه کثرت شدت و نه ضعف و غیر آن. حقیقت وجود، واحد است و او، خداست.

حکما به آفرینش های متعـدد قائل هسـتند، ولی عارفان معتقدند تمام عالم، یک تجلی بیش نیست و از ازل تا ابد، با یک حق به وجود آمده است. آنان به آیه مبارک «وما امرنا الا واحده» استناد می کنند.

ب) عشق و سریان آن

گفتیم عـارف در پیـدایش آفرینش، به عشق تکیه می کنـد، نه عقـل و ازآن رو عقل را تخطئه و عشق را تقـدیس می کنـد که عقل، نیرویی محافظه کارانه است و عشق، نیرویی انقلابی. عشق، نیرویی است که می خواهـد از حامل خود بیرون می آید؛ چه در ذات حق که می خواهـد تجلی کنـد و چه در مخلوق که می خواهـد به سوی حق پرواز کنـد. عـارف معتقـد است جهان را عشق به وجود آورده، نه علم و عقل و عشق است که در جهان سریان دارد.

ج) نظام احسن

در فلسـفه، این پرسـش مطرح است که آیـا نظـام موجود، احسن یـا بهترین نظام است؟ فلاسـفه با دلایل محکم و متقن بیان می کنند که نظام احسن و نیکوتر از این نظام، محال نیست.

د) مقام والای انسان در عرفان

انسان، مقام والایی در عرفان دارد. وی مظهر تام و تمام خـدا و مظهر جمیع اسـما و صـفات الهی است. عارفان، انسان را «عالم کبیر» و جهان را «عالم صغیر» یا «انسان صغیر» می نامند. از نظر آنان، قلب و روح و معنویت انسان، جام جم نماست. اگر انسان به درون خود نفوذ کند، دری به روی حق باز می شود و وقتی انسان حق را ببیند، همه چیز را می بیند.

هـ) انسان پیش از دنیا

در عرفان، انسان، موجودی خاکی نیست، بلکه پیش از این دنیا موطنی داشـته، البته نه به معنای مُثُل افلاطونی که روح انسان به همین صورت شخصـی و فردی در جهـان دیگر بوده است و در این دنیا ماننـد مرغی است که در آشـیانه جا گرفته است و می خواهـد برود، بلکه به این معنـا که اصـلش از آنجـاست و پرتویی است که از آنجـا تابیـده و بـازمی گردد، چنان که حافظ می

سراید:

ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده ایم

از بد حادثه اینجا به پناه آمده ایم

رهرو منزل عشقیم و ز سر حد عدم

تا به اقلیم وجود این همه راه آمده ایم

ص:۳۳

و) غربت انسان در جهان

این اصل، مبتنی بر یک اصل قلبی است. در ادبیات عرفانی، انسان در دنیا حکم فردی را دارد که در سرزمین غربت به سر می برد و احساس بیگانگی و نامأنوس بودن می کند. می گویند این امر بدان دلیل است که من و شخصیت واقعی؛ یعنی روح الهی، از جای دیگر افاضه شده است و باید به جایگاه خود بازگردد و وطن اصلی اش این دنیا نیست، چنان که مولوی می سراید:

بشنو از نی چون حکایت می کند

از جدایی ها شکایت می کند

کز نیستان تا مرا ببریده اند

از نفیرم مرد و زن نالیده اند

و حافظ نیز چنین سروده است:

چنین قفس نه سزای چون من خوش الحانی است

روم به روضه رضوان که مرغ آن چمنم

۳. ویژگی های عرفان اسلامی

الف) آداب و مراحل سلوک الهی

نخستین شاخصه عرفان اسلامی، داشتن یک سلسله آداب و مراحل سلوک الهی است. عرفان اسلامی، درحقیقت، مجموعه ای از عرفان عملی است که از آیات و روایات سرچشمه گرفته است. زیرساخت عرفان اسلامی، دوری از گناهانی مانند شرک به خدا، قتل نفس، نافرمانی از پدر و مادر، ریا، اتهام ناروا زدن به زن پارسا، گریز از جهاد، خودبزرگ بینی، حسد، آرزوی دراز، کینه توزی، دروغ، سخن چینی، نفاق، دورویی، سرزنش یا مدح بیجا، شوخی، تمسخر، پرگویی و بیهوده گویی است.

در عرفان اسلامی، عواملی این مراحل و آداب و سلوک الهی را تهدید می کند که معاشرت های سوء و لغزش های ناشی از آن، شرکت در مجالس گناه، هم نشینی با دل مردگان و ثروتمندان، مجادله و قطع صله رحم از آن جمله هستند.

اصول عرفان اسلامی، زهد؛ دوری از معاشرت بی جا؛ سکوت؛ قدرشناسی نعمت؛ قناعت؛ رضایت؛ توکل؛ تلاش؛ تواضع؛ صبر بر درد؛ صبر بر عبادت؛ صبر بر مصیبت؛ صبر بر فقر؛ تفکر؛ ریاضت؛ خوف و رجا؛ حسن ظن به خدا؛ وفای به عهد؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ خدمت به بندگان خدا؛ فرو نشاندن خشم؛ حفظ چشم از نگاه آلوده؛ صله رحم؛ خوش خلقی؛ سازگاری؛ معاشرت در غیر معصیت؛ استغنا و بی نیازی از مردم و مراقبه و محاسبه است.

محقق بزرگوار، جناب آقای کریم محمود حقیقی در کتاب آداب و مراحل سلوک الهی، مراحل سلوک الهی را تشریح کرده است. این مراحل، در سه مرحله تجلی می یابد. نخستین مرحله سلوک الهی، سیر در آفاق و انفس است. دومین مرحله از مراحل سلوک الهی، تجلی آفاق است. در این مرحله، همه چیز رو به سوی خدا دارد و هر موجودی به گونه ای جان دارد و گویاست و تسبیح خدا می کند. سالک در این مرحله درمی یابد که ملک به ملکوت، ملکوت به جبروت و جبروت به خداوند، قائم است و عالَم، مظهر صفات خداوند است و عالَم شهود را اصالتی نیست، بلکه آنچه هست جلوه و نمودی از عالم امر و غیب است.(۱)

ص:۳۴

۱- کریم محمود حقیقی، آداب و مراحل سلوک الهی، شیراز، انتشارات فلاح، ص ۱۹۵.

نخستین اثر ارزشمند در آداب سیر و سلوک، رساله تشویق السالکین، نوشته علامه مجلسی، به انضمام اجوبه و لوایح و لوامح است. نویسنده، این رساله را در دفاع از تصوف نگاشته است؛ زیرا در روزگار او، گروهی بی خبر از شریعت و طریقت، به انکار تصوف پرداخته و به کار صوفیان خرده گرفته بودند.(۱)

دومین اثر ارزشمند در آداب سیر و سلوک، کتاب مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه است.(۲) این کتاب را از متون اصلی عرفان و اخلاق شیعه دانسته اند. اهل عرفان به این کتاب توجه ویژه ای داشته اند و سید بن طاووس آن را بهترین کتاب در سیر و سلوک برای تقرب به خدا می داند و معتقد است اسرار و حقایق دین اسلام در این اثر بیان شده است. امام خمینی(ره) در یکی از نوشته های خود، مطالعه کتاب مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه را به ره جویان حقیقت خواه پیشنهاد کرده است.

این کتاب، صد باب دارد و هر باب با حدیثی از امام ششم، امام صادق(ع) آغاز می شود و گاه در متن از دیگر معصومان نیز نقل حدیث شده است.(۳) برخی از عنوان های این کتاب عبارتند از: ظهور مراتب مکتوبات قلب؛ احکام و محمولات قلب؛ نیت؛ ذکر؛ شکر؛ لباس؛ مسواک؛ طهارت؛ شروع به نماز؛ رکوع؛ سجود؛ سلام؛ دعا؛ حسوم؛ زکات؛ سلامتی؛ عزلت؛ عبادت؛ تفکر؛ سکوت؛ راحتی؛ قناعت؛ زهد؛ عبادت؛ عبرت؛ غرور؛ وسوسه؛ عُجب؛ حسن معاشرت؛ کلام مدح و مذمت؛ جدال غیبت؛ ریا؛ حسد؛ سخاوت؛ برادری؛ حلم؛ اقتدار؛ علم؛ عفو؛ امر به معرف و نهی از منکر؛ آفت علما؛ آفت قاریان؛ احترام به مؤمن؛ نیکویی به پدر و مادر؛ موعظه؛ صدقه؛ توکل؛ خوف؛ معرفت؛ شوق حکمت و حقیقت بندگی.

ب) جنبه های خاص عرفان اسلامی

دومین شاخصه عرفان اسلامی، جنبه های خاص عرفان اسلامی است. خانم آنه ماری شیمل در کتاب ارزشمند ابعاد عرفانی اسلام، این جنبه ها را تشریح و توصیف کرده است. ساختار کلی کتاب مانند کتاب های نفحات الانس، اثر جامی، کشف المحجوب، تألیف هجویری، تذکره الاولیا اثر عطار نیشابوری و در جست وجوی تصوف در ایران است، با این تفاوت که آنان بیشتر به چهره های عرفانی پرداخته اند و شیمل، بیشتر به مفاهیم، باورها و آداب و رسوم صوفیان ایران پرداخته است. نویسنده، با تسلطی که بر ده زبان از جمله فارسی، عربی، ترکی و پشتو داشته، توانسته است از منابع فراوانی در نگارش این اثر استفاده کند. غنا و محتوای این کتاب، بی فراز و فرود نیست. نویسنده گاه به مطالب مهم پرداخته و درباره آن به خوبی بحث کرده و گاه بحث هایش سطحی است. او برخلاف برخی شرق شناسان دامن تحقیق را به ننگ تعصب بیهوده نیالوده و جانب حق را نگه داشته و در موارد لزوم، به برتری تفکر اسلامی نسبت به غرب یا مسیحیت اشاره کرده است. کتاب ارزشمند ابعاد عرفانی اسلامی، نه فصل و دو پیوست دارد که عبارت است از:

فصل اول: تصوف چیست؟

فصل دوم: تاریخچه مختصر تصوف کلاسیک؛

۱- محمدتقی مجلسی، رساله تشویق السالکین (با انضمام محمدباقر مجلسی، اجوبه و لوایح و لوامح)، تهران، انتشارات نور

فاطمه، ص ۴۴۶.

۲- جعفر بن محمد الصادق، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ترجمه و شرح حسن مصطفوی، تهران، انتشارات قلم، ص ۴۶۲.

۳- نک: سیدرضا بهاءالدینی، نردبان آسمان، (مجموعه ای از درس های اخلاقی آیت الله بهاءالدینی)، تدوین و ویرایش: اکبر اسدی، قم، مرکز پخش انتشارات پارسایان.

فصل سوم: طریقت؛

فصل چهارم: انسان و کمال وی؛

فصل پنجم: سلسله و انجمن های اخوت صوفیه؛

فصل ششم: تصوف مبتنی بر عرفان یا حکمت الهی؛

فصل هفتم: گل و بلبل اشعار عرفانی فارسی و ترکی؛

فصل هشتم: تصوف در هند و پاکستان؛

فصل نهم: مؤخره.

در ضـمیمه دوم، نویسـنده به عنصـر زنـان در تصوف و نگرش مثبت و منفی صوفیـان به زنان و حرمت آنان، اجازه شـرکت در مجالس وعظ، تبلیغ صوفیان و زنان شاعر و خطاط و عارف و محدث پرداخته و رفتار صوفیان و راهبان قرون وسـطا را نسبت به زنان، مقایسه ای اجمالی کرده است.(۱)

ج) توجه به اخلاق و خودسازی با رویکرد قرآن و اهل بیت(ع)

سومین شـاخصه عرفـان اسـلامی، توجه به اخلـاق و خودسازی با رویکرد قرآن و اهل بیت(ع) است. حضـرت آیت الله العظمی حسـین مظاهری، در کتاب ارزشمند اخلاقی خود به نام اخلاق در خانه که دربردارنده ۲۶ سخنرانی است، مباحث عرفانی را با استناد به آیات قرآن و پاره ای از احادیث آورده است.(۲)

از قرن سوم و چهارم، دانشـمندان متـدین فراوانی در پیروی از حدیث «مَنْ حَفَظَ عَلَی اُمَّتی اَربَعین حَدیثاً ینتفعونَ بها یَومُ القیَامهِ اَفقیهَا عالماً»، چهل حدیث نوشته و آن را شرح کرده اند.

امام خمینی(ره) نیز از این روش پیروی کرده و روی سـخن ایشان با توده مردم است، ولی موضوع برخی احادیث، فراتر از فهم عـامه است. شایـد بتوان ادعـا کرد بهترین نمونه در اخلـاق خود سـازی عرفـانی با رویکرد آیات و روایات اهل بیت(ع)، کتاب ارزشمند چهل حدیث امام خمینی(ره) است.

د) توجه به حُسن دل در سیر و سلوک عرفانی

چهـارمین شاخصه عرفان اسـلامی را بایـد در توجه به حُسن دل در سـیر و سـلوک الی الله دانست. از بهترین آثار در این زمینه، بایـد از کتاب حُسن دل اثر محمد بیدآبادی یاد کرد.(۳) نویسـنده، نخست از دقت در حلال بودن لقمه، دوری از شکم بارگی و پرهیز از گردکردن مال ومنال می گوید و به خودشناسـی سفارش و تأکید می کند. سپس سالک را به یاد و ذکر خدا، انجام دادن نوافـل و غنیمت شـمردن عمر می خوانـد و از ریـا و اکتفـا به اسـلام مقـالی بـازمی دارد. همچنین سالـک را به جبران ایام

گذشته، غم دل خوردن، میرانـدن نفس پلید پیش از مرگ طبیعی، ترک خودپرستی، عبرت گرفتن از درگذشتگان، برآوردن نیازهای مردم و توکل در عین تلاش برای کسب حلال فرامی خواند.

ص:۳۶

۱- ابعاد عرفانی اسلام، ص ۱۸.

۲- حسین مظاهری، اخلاق در خانه، تهران، انتشارات اخلاق، ص ۴۳۲.

۳- محمدحسن بیدآبادی، حُسن دل، تحقیق و تصحیح: علی صدرایی خویی و محمدجواد نورمحمد، قم، انتشارات نهاوندی، ص ۲۱۵.

ه_) توجه به خط سبز سلوک

پنجمین شاخصه عرفان اسلامی، توجه به خط سبز سلوك علوی است. استاد جواد محدثی در کتاب ارزشمند خط سبز سلوک، با عبارت های بسیار کوتاه، روان و ساده و درآمیختن شعر نو و سنتی با آیات و روایات و با لحنی خطابی می کوشد خط سبز سلوك الهی را تشریح کند. وی خط سبز سلوک را در این عنوان ها آورده است: نقبی به درون؛ مکتب حب؛ از خود تا خدا؛ شرک های پنهانی؛ اخلاص؛ جهان، محراب وسیع عبادت؛ حضور قلب، روح نماز؛ خشوع دل؛ خضوع تن؛ ادب در حضور و قرائت قرآن؛ تقوا از طریق خویشتن داری؛ تقوای ستیز و تقوای پرهیز از وابستگی؛ وارستگی؛ حجاب دنیا؛ از شراب شک تا زمزم یقین؛ محاسبه؛ مراقبه؛ برکات لیلهالقدر؛ توبه؛ رجعت به فطرت انسانی؛ شکر انسان نعمت شناس؛ فطرت نورانی؛ فطرت ظلمانی؛ آخرت گرایی؛ جست وجوی راز بقا؛ مرگ، حلقه رابط جهان محدود و نامحدود و قیامت و بازبینی اعمال در محضر حق.(۱)

و) توجه به ادعیه مأثوره از اهل بیت(ع)

ششمین شاخصه عرفان اسلامی، توجه به ادعیه مأثوره از اهل بیت(ع) است. از جمله این ادعیه، مناجات شعبانیه است. آیت الله محمد محمدی گیلانی، در شرح مناجات شعبانیه، پس از ذکر و فراز هر دعا، به شرح آن پرداخته است. این شرح، مختصر و برای علاقه مندان به عرفان مفید است. در این کتاب ارزشمند، از ظرافت ها و باریکه های بحث های عرفانی پرهیز شده است، بااین حال، بحث ها رنگ عرفانی دارد.(۲)

ز) خودسازی و تزکیه نفس

هفتمین شاخصه عرفان اسلامی را باید خودسازی و تزکیه نفس دانست. حضرت آیت الله ابراهیم امینی، شاگرد برجسته علامه طباطبایی در کتاب ارزشمند خودسازی کوشیده است با استفاده از آیات و روایات و مبادی اصول تزکیه و تهذیب نفس، روش سیر و سلوک را بشناساند.(۳)

ح) توجه به کلیدداران غیب و شهود

اشاره

هشتمین شاخصه عرفان اسلامی، توجه به راهبران و کلید داران غیب و شهود است که به برخی از آنان اشاره می کنیم:

یک _ آقا ملامحمد بید آبادی

آقا ملامحمد بیدآبادی، از بزرگان عرفان و اخلاق قرن دوازدهم است. پدرش آقا محمد رفیع، از مازندران به اصفهان کوچید و در محله بیدآباد آن شهر ساکن شد و در آن شهر به اقامه نماز جمعه و جماعت و ارشاد مردم پرداخت. وی به زهد، تقوا و صلاح شهره بود.(۴)

۱- جواد محدثی، خط سبز سلوک، انتشارات نصرآبادی، ص ۱۳۴.

۲- محمد محمدی گیلانی، شرح مناجات شعبانیه، مقدمه و پاورقی: زین العابدین قربانی لاهیجانی، نشر سایه، ص ۱۵۶.

۳- ابراهیم امینی، خودسازی [تزکیه، تهذیب نفس]، قم، انتشارات شفق، ص ۳۳۰ .

۴- برای اطلاع بیشتر از شرح حال بیدآبادی، نک: انتشار حق المکارم الآثار، ج ۱؛ روضات الجنات، ج ۴؛ تذکره القبور؛ شرح رساله سیر و سلوک قصص العلماء؛ رستم التواریخ و گلشن مراد؛ ذبیح الله صفا، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

بیدآبادی، پس از حضور در محضر قطب نیریزی و صعود به مدارج عالی و عرفان، مأمور ارشاد و دستگیری مردم شد. ایشان می گوید:

از هنگامی که حقیقت این امر روشن گشت، تا حال، پیوسته چون شمع می سوزم و می گدازم و می سازم و به قدر مقدور، حب امور رذیله که رأس کل خطیئه است، به حول الله، از دل بیرون می کنم و از اسباب ظاهره اش کناره می گیرم و از حق، اعانت و از دوستان، شفاعت می طلبم.(۱)

بیدآبادی پس از رسیدن به مقامی عالی در عرفان اسلامی، به تربیت نفوس مستعد و فطرت های پاک پرداخت و افراد بسیاری را از عالم طبیعت خارج کرد و به عالم ملکوت سیر داد. زندگی این حکیم فرزانه سه مرحله دارد:

اول ـ مرحله تعلیم و فراگیری علوم رسمی؛

دوم ـ روی آوردن به عرفان و تصوف؛

سوم ـ تربیت شاگردان در مکتب عرفانی و تدریس علوم معرفتی.

بیدآبادی، شاگردانی مانند میرزا ابوالقاسم قمی؛ سید ابوالقاسم حسین مدرس اصفهانی خاتون آبادی؛ میرزا عبدالجواد شیرازی؛ ملا علی نوری؛ حاج محمد ابراهیم کلباسی؛ میرزا محمدباقر نواب لاهیجی؛ سید محمد موسوی شمس آبادی؛ سید محمدتقی مستجاب الدعوه خواجوی و حاج محمدحسن حائری قزوینی شیرازی را تربیت کرد.

بیدآبادی در شمار عارفانی است که اساس طریقت خود را بر پایه شریعت، استوار ساخته و معتقد بود سالک طریق حقیقت باید پیش از هر چیز احکام دین خود را فراگیرد. بیدآبادی را باید بنیان گذار عرفان صحیح شیعی از قرن دوازده به بعد تا عصر حاضر دانست؛ زیرا وی افزون بر ترویج حکمت، به تربیت شاگردان عرفان و منزه ساختن عرفان شیعی از کج اندیشی های گمراهان همت گماشت، به گونه ای که میرزای قمی که خود رساله ای در رد صوفیه دارد، از او دستور ذکر و ورد خواسته است.

طریقه و مشرب فکری بیدآبادی، جمع میان قرآن و عرفان بود. وی در طریق سیر و سلوک عرفان عملی، راه و روش جدیدی عرضه کرد که پس از چند قرن، همچنان در سرزمین های اسلامی شیعی پیرو و مرید دارد. وی راه و روش سلوک را از پژوهش و تأمل در باطن قرآن و دعاهای امامان معصوم(ع) آموخت، شریعت را راهی برای معراج شهود می دانست و حب چهارده معصوم(ع) و مقیم شدن در بیت ولایت اهل بیت رسول الله، قله آرمان و مطلوب او بود. در شیوه عرفانی بیدآبادی، ظواهر مکتب و عمل به آن، معبر شهود و رسیدن به لقاء الله است.

پیروان طریقه بیدآبادی به دو دسته تقسیم می شوند:

اول ـ طرفداران سید صدرالدین کاشف دزفولی؛

دوم _ طرفداران ملا علی نوری.

در هر دو دسته، عارفان و عالمان سیر و سلوک بسیاری وجود داشته اند که شرح حال آنان را باید در کتاب های تراجم جست.

ص:۳۸

۱- سیدجلال آشتیانی، منتخبی از آثار حکمای ایرانی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲، ص ۱۵.

دو_ سید عبدالجواد شیرازی

درباره زنـدگی سـید عبدالجواد شـیرازی و شـرح حال وی سـندی در دست نیست. اسـتاد سـید جلال الدین آشتیانی در مقدمه هایی که بر کتاب های شاگردان مکتب بیدآبادی نوشته، از او یاد کرده است. در شرح حال ایشان آمده است:

عارف محقق، آقا میرزا عبدالجواد شـیرازی، از عارفان شـیعی هسـتند که در تحریر عرفانیات متبحر و متضلع در تقریر مباحث و سلب طریق برهـان و نیز از راسـخان علم به شـمار می رونـد. به هرصورت، از میرزا عبـدالجواد شـیرازی با القاب قـدوه ارباب و توحید و تجرید و قوه الموحدین و شیخ زاهد منقّی یاد شده است.(۱)

سه _ آخوند ملا علی نوری

صـدرالعلماء الهیین و قـدوه الارباب الحق و الیقین، خاتم المحققین و سـند المدققین، حجت الاسـلام ملاعلی بن جمشـید نوری مازنـدرانی، بزرگ ترین اسـتاد و مـدرس حکمت متعال و زنـده کننده طریقه ملاصدرا، نام آورترین حکیم متأله در اواخر قرن ۱۲تا نیمه قرن ۱۳ بوده است. آخوند، مقامی بی رقیب در میان شارحان و مروّجان مبانی ملاصدرا داشت، به گونه ای که برخی او را بر ملاصدرا نیز ترجیح داده اند.

حوزه درسی ملاعلی نوری در اصفهان، پس از استادش، آقامحمد بیدآبادی، همچنان محفل مشتاقان حکمت و عرفان در ایران بود و بیش از چهارصـد شاگرد شایسـته در مجلس درس او حاضـر می شدند. وی در اصـفهان ماند و شاگردان بسـیاری تربیت کرد که ملاهـادی سبزواری؛ میرزاابوالقـاسم رازی شـیرازی؛ ملامحمـدجعفر لنگرودی؛ ملاآقـا قزوینی؛ سـیدابراهیم طباطبـایی؛ ملاابراهیم نجم آبادی؛ ملاابوطالب تهرانی؛ شـیخ زاهد گیلانی و آقا سیدرضی لاریجانی مازندرانی را از آن جمله می توان نام برد.

آخونـد نوری، خطی خوش داشت و در خـط شکسـته، سـرآمد اهـل زمـان بود و نزد درویش عبدالمجیـد، اسـتاد خط شکسـته نسـتعلیق، مشق کرده است. وی در شاعری نیز تبحر داشـته و «نوری» تخلص می کرد. از او آثار قلمی چندی چون رساله در رد تناسخ؛ تفسیر سوره توحید و حواشی بر کتاب های مفاتیح الغیب، شوارق الالمام؛ مشاعر اسفار و شرح اصول کافی ملاصدرا بر جای مانده است.

آن حکیم الهی و عارف ربانی، سرانجام در ۲۲ رجب ۱۲۴۶ه_ . ق؛ یعنی پس از صد سال زندگی، در اصـفهان از دنیا رفت و پس از نمـاز بر او، بنـا بر وصـیتش، به نجـف اشـرف منتقـل و پس از تشـییع، او را در کفش کن بـاب شـیخ طوسـی حرم مطهر امیرمؤمنان، علی(ع) دفن کردند.

چهار _ سیدرضی لاریجانی مازندرانی

از زمان ولادت آقا سیدرضی لاریجانی که نسبش با ۲۴ واسطه به امام حمزه، فرزند امام موسی کاظم(ع) می رسد، اطلاعی در دست نیست. لاریجـانی، از خـوشه چینـان مکتب ابن عربی در عرفـان و از وارثـان مکتب ملاصـدرا در حکمت متعـالیه است و

برخی جنبه های عرفانی مکتب ملاصـدرا را نیز از طریق شاگردان آقا محمـد بیـدآبادی؛ یعنی ملاعلی نوری و میرزا عبدالجواد شیرازی گرفته است.

رضاقلی هدایت، سیدرضـی لاریجانی را سیدی جلیل و حکیمی نبیل و از حکمای تراز اول روزگار و معروف در مراتب فضل، زهد، عرفان، تهجد، تشرع، تقدس و مقالات باطنیه و کمالات نفسانیه شمرده که به فنون حکمت و

۱- محسن کدیور و محمد نوری، مأخذشناسی علوم عقلی، تهران، انتشارات اطلاعات، ش۱۲۵.

علوم غریبه کاملاًـ تسلط داشته است. لاریجانی در سال ۱۲۷۰ هجری قمری در تهران درگذشت و از محل دفن او خبری بر جای نیست.

گویا از لاریجانی نوشته ای در دست نیست و بسیاری از آموزه های عرفانی وی را می توان در آثار و شعر شاگردان مکتب وی از جمله آقا محمدرضا قمشه ای و میرزا محمد تنکابنی دید.(۱)

پنج _ آقامحمدرضا قمشه ای

در سال ۱۲۴۱ه_.ق، در خانه یکی از فضلای اصفهان به نام شیخ ابوالقاسم، فرزندی دیده به جهان گشود که وی را محمدرضا نامیدند. استاد مطهری، وی را از «اعاظم حکما و اساطین عرفا در دو قرن اخیر» خوانده است. استادان وی عبارتند از: آقا سیدرضی لاریجانی، حاج ملامحمدجعفر لاهیجی و میرزا حسن بن آخوند ملاعلی نوری.

حکیم قمشه ای، در یکی از حواشی خود بر شرح فصوص قیصری، ارادات علمی خود را به ملاصدرا بیان کرده است. در شیوه طریقت سلوک حکیم قمشه ای گفته اند وی در سلوک، به طریق ملاصدرا، میرفندرسکی و آقا محمد بیدآبادی و جماعت دیگری از متشرعان معتقد بود. او و استادش سیدرضی لاریجانی، هرگز خود را در معرض تطبیق و مریدبازی قرار نمی دادند و از این گونه کارها به شدت هراس و پرهیز داشتند.(۲)

آقا محمدرضا در عرفان عملی و مراعات آداب و سنن شرع، ادای اعمال واجب و مستحب، ترک اعمال مکروه و پایبندی به نوامیس دین، محکم و استوار بود. در مراتب عرفان نظری و حکمت الهی، با تسلط بر شفا و اشارات و دیگر کتاب های حکمای مشایی مانند الاشارات و التنبیهات را تدریس می کرد و در تدریس کتاب های اشراق و صدرالمتألهین تبحر داشت و در عرفانیات و تدریس شرح فصوص الحکم ، تمهید القواعد، مصباح الانس و فتوحات مکیه بی نظیر بود.

حکیم قمشه ای هرگز جامه روستایی را از تن دور نکرد و در زی و جامه علما درنیامد. به گفته جهانگیرخان قشقایی، وی «هیچ گاه جنبه علمایی نداشت و به کرباس فروش سده می مانست».(۳)

عارف قمشه ای سال ها در اصفهان به تدریس فصوص الحکم مشغول بود و حواشی ارزشمندی نگاشت که امروزه موجود است و نشانه پهناوری دانش و معارف الهی اوست. وی پس از آمدن به تهران، نخست در مدرسه صدر به تدریس حکمت پرداخت، ولی تلاش خویش را بیشتر صرف تدریس معارف عرفانی می کرد. استاد مرتضی مطهری درباره او می گوید:

حدود ده سال از پایان عمر خود را در تهران به سر برد و در حجره مدرسه صدر مسکن گزید و فضلا از محضر پرفیضش استفاده کردند... . پرشورترین زندگانی حکیم قمشه ای ده سال آخر است... . آن ایام، وی در تهران حوزه تدریس گرم و پررونقی داشته و شاگردان پرشور و حال و فاضلی تربیت کرده است. آقا محمدرضا موفق به تربیت بهترین شاگردان گردیده است.(۴)

۱- محمد داوود قیصری، شرح فصوص الحکم، مقدمه: سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص۷۸.

۲- منتخباتی از آثار حکمای الهی، ص ۱۵۸.

۳- منتخباتی از آثار حکمای الهی، ص ۷۹.

۴- مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایرانیان، قم، انتشارات صدرا؛ مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸، ۱۳۸۴، ص ۳۵.

برخی شاگردان بزرگ آن حکیم و عارف ربانی عبارتند از: آقا میرزا طاهر تنکابنی؛ آقا میرزا محمود مدرس قمی؛ آقا میرزا علی اکبر مدرس؛ آقا میرشهاب الدین تبریزی شیرازی؛ آخوند ملامحمد کاشی؛ جهانگیر قشقایی و آقا میرزا هاشم اشکوری. با مروری بر آثار امام خمینی(ره)، درمی یابیم که ایشان به اندیشه آقای محمدرضا قمشه ای توجه فراوانی داشته و وی را عارفی کامل می دانسته و در تألیف خود، از وی با عنوان «العارف الکامل شیخ مشایخنا، آقامحمدرضا القمشه ای» یاد کرده است.

از حکیم قمشه ای آثاری بر جای مانده است که برخی از آنها عبارتند از: رساله ولایه ؛ رساله الخلافته الکبری ؛ رساله فی وحدت الوجود ؛ شرح حدیث زندیق ؛ رساله الفرق بین السماء الذات و الصفات ؛ رساله فی تحقیق اسفار اربعه ؛ حواشی مفصل اسفار ؛ تعلیقات بر فصوص الحکم و تعلیقات مفتاح قونوی .

آقا محمدرضا در مدت اقامت خود در تهران، در حجره ای که بر آب انبار مدرسه صدر ساخته بود، سکونت اختیار کرد و در عصر یکشنبه صفر سال ۱۳۰۶ ه‍ـ . ق، در کنج مدرسه و در تنهایی و خلوت و سکوتی عارفانه از دنیا رفت. حاج ملاعلی کنی و آقا محمدرضا قمشه ای در یک شب وفات کردند. در وفات ملاعلی کنی، شیعیان عالم به عزاداری پرداختند و تعطیل عمومی اعلام شد، ولی در تشییع جنازه آقا محمدرضا قمشه ای، فقط چند نفر از جمله میرزا ابوالحسن جلوه حضور داشتند و پس از وفات وی دو نفر حمال با چند نفر از شاگردان و دوستانش، پیکر پاک این عارف وارسته و فرزانه را به آرامگاه ابن بابویه منتقل کردند.(۱)

شش ـ میرزاهاشم اشکوری

آقا سید علی زنوری، میرزا ابوالحسن جلوه و آقا محمدرضا قمشه ای را از استادان میرزا هاشم اشکوری دانسته اند. حکیم اشکوری، سال ها در مدرسه سپه سالار به تدریس اسفار، فصوص الحکم ، تمهید القواعد و مصباح الانس پرداخت و با وجود آنکه به بیماری های بسیار مبتلا بود و از ضعف مزاج رنج می برد، تا آخر عمر، کلاس درس را تعطیل نکرد و جمیع زیادی از محفل نورانی او بهره مند شدند.

از میرزا هاشم اشکوری آثاری بر جا مانده است که عبارتند از: تعلیقه مصباح الانس؛ بین المعقول و المشهود؛ تعلیقه رساله النصوص قونوی؛ تعلیقه بر فصوص الحکم ابن عربی؛ تعلیقه بر تمهید القواعد ابن ترکه؛ تعلیقه بر مشاعر ملاصدرا؛ تعلیقه بر اسفار و رساله در مراتب وجود .

حکیم اشکوری، شاگردان بسیاری در فن فلسفه و عرفان تربیت کرد که میرزا احمد آشتیانی؛ حکیم مشهدی؛ سید حسین بادکوبه ای؛ شیخ محمدحسین فاضل تونی؛ سید محمدکاظم عصار؛ میرزا محمود آشتیانی؛ میرزا مهدی آشتیانی و میرزا محمدعلی شاه آبادی از آن جمله هستند. آن حکیم فرزانه، سرانجام در سال ۱۳۳۲ ه‍ـ . ق درگذشت و پیکر مطهرش در شهر ری به خاک سپرده شد.(۲)

هفت ـ میرزامحمدعلی شاه آبادی

استاد مرتضی مطهری درباره شخصیت ایشان می نویسد:

۱- مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایرانیان، قم، انتشارات صدرا؛ مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸، ۱۳۸۴، ص ۶۰۶.

۲- محمد معصوم شیرازی، طرائق الحقائق، کتابخانه سنایی، ج ۳، ص ۲۳۷.

آقا میرزا محمدعلی شاه آبادی تهرانی الاصل، جامع المعقول و المنقول بود. در فلسفه و عرفان، شاگرد میرزای جلوه و میرزای اشکوری بوده است. در منقول، شاگرد میرزا حسن آشتیانی در تهران و آخوند خراسانی و میرزا محمدتقی شیرازی در نجف و سامرا بوده است.

[وی] در تهران به مقام مرجعیت و فتوا رسید و در سال های اقامت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری در قم، چند سالی به قم مهاجرت کرد و فضلا از محضرش بهره بسیار بردند.(۱)

برخی امام خمینی(ره) را برجسته ترین شاگرد عرفان شاه آبادی دانسته اند. امام(ره) همواره از آشنایی خود با شاه آبادی یاد کرده است. رابطه استادی و شاگردی این دو بزرگوار چنان عمیق بود که به مرحله عشق و ارادت رسید. شاه آبادی از چنان عظمت روحی برخوردار بود که امام(ره) می فرمود در تمام عمرش، مردی به این لطیفی ندیده است. امام خمینی(ره)، ایشان را گنجینه ای گران بها می دانست و درباره تدریس وی فرموده بود که اگر هشتاد سال هم درس بگوید، در درس او حاضر می شود. همچنین افزوده بود:

پس از دو یا سه جلسه، به جایی رسیدم که دیدم نمی توانم از استادم جدا شوم. ابتدا در درس عرفان آیت الله شاه آبادی حضور می یافتم، اما بعد به جلسه های اخلاقشان هم رفتم و تمام بحث ها یشان را نوشتم.(۲)

حضرت امام(ره) با القابی چون «شیخنا العارف الکامل»، «شیخنا و استادنا فی المعارف الالهیه» و «العارف الکامل» از شاه آبادی سخن می گفت و از او به بزرگی نام می برد و هروقت به نام وی می رسید، لفظ «دام ظله» و «روحی فداه» را پس از آن به کار می برد. این عبارت، نشانه نهایت فروتنی امام(ره) نسبت به روح باعظمت مربی عرفان خود است.

ط) وجود منابع اصیل مرجع

از دیگر شاخصه های عرفان اسلامی، وجود منابع ارزشمند در این حوزه است که برخی از آنها را در فصل چهارم به تفصیل بررسی خواهیم کرد.

ی) دارا بودن سنجه ها و معیارهای اصیل

دهمین شاخصه عرفان اسلامی، دارا بودن سنجه ها و معیارهای اصیل در عرفان است. این سنجه ها عبارتند از: تجربه و شهود؛ تواتر؛ نفس مباحث عرفانی؛ استاد سلوک؛ تطابق مکاشفه با واقعیت خارجی؛ عقل و شریعت.

ک) دارا بودن معرفت شناسی عرفانی

اشاره

یازدهمین شاخصه عرفان اسلامی، داران بودن معرفت شناسی عرفانی است. اهمیت و ضرورت معرفت شناسی از این جهت است که دستیابی به جهان بینی جامع و فراگیر، بلکه هر نوع نگرشی، به مباحث زیربنایی و زیرساختاری معرفت مبتنی خواهد

بود و مراحل و مراتب معرفت و درجات بشری به نوع نگرش بشری به نوع نگرش در ابراز و منابع آن بستگی دارد.(۳)

علاوه بر آنچه گذشت، از راه تقدّم معرفت شناسی بر وجودشناسی در مقام نبوت نیز می توان به ضرورت معرفت شناسی پی برد.(۴)

۱- احمد بیرشک، خلاصه زندگی نامه علمی دانشمندان، تهران، انتشارات علمی _ فرهنگی، ص۵۸.

۲- امام خمینی(ره)، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، مقدمه: سید جلال الدین آشتیانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۳- مرتضی مطهری، مسئله شناخت، صص ۱۳ _ ۱۶.

۴- عبدالله جوادی آملی، معرفت شناسی در قرآن، ص ۳۰.

داوود بن محمود قیصری در تعریف معرفت عرفانی و کشف عرفانی می گوید:

کشف عرفانی، عبارت از علم بر معانی غیبی و امور حقیقی است که از روی وجود [حق الیقین] و یا از روی شهود [عین الیقین] و وراء حجاب است.(۱)

معرفت عرفانی، نوعی شناخت است که از دل سرچشمه گرفته و ابراز آن، تزکیه و تصفیه روح است. بدین جهت، این نوع معرفت از سنخ معارف حصولی نیست، بلکه معرفتی وجدانی و حضوری شمرده می شود که یافتنی است.

یک _ ابزار معرفت عرفانی

در اینکه آدمی از چند وسیله و دریچه می تواند به میدان شناخت گام نهد و هرکدام تا چه حد و مرتبه او را در این مرتبه و عرصه شناخت قرار می دهد، در میان فلاسفه اسلامی و غیراسلامی و نیز عارفان فراوان سخن به میان آمده است.

اشراقیون مانند فلاسفه اشراق نیز معتقدند: یگانه ابزار شناخت، قلب و دل است و فقط از طریق تصفیه نفس و تهذیب دل می توان به حقایق دست یافت که برخی از فیلسوفان غرب مانند برگ سون نیز آن را پذیرفته اند. اینان به ترتیب، حس، عقل و قلب را ابزار شناخت می دانند.(۲)

دسته دوم که چند ابزاری اند نیز به چند دسته تقسیم می شوند: عدّه ای دو وسیله حسّ و عقل و برخی عقل و دل و بعضی حس و عقل و دل را ابزار شناخت معرفی کرده اند.

دسته سوم، قلب را یگانه ابزار معرفت نزد عارفان به شمار می آوردند. ابن عربی دراین باره می گوید:

قلب، وسیله و ابزار تحصیل معرفت خدا و اسرار الامر است، بلکه تحصیل هر آنچه تحت علم باطن واقع می شود. بنابراین، قلب، وسیله و ابزار ادراک و ذوق است، نه مرکز حب و عاطفه.(۳)

دو _ مراتب و درجات شناخت عرفان

اشاره

شناخت عرفان مانند همه شناخت های حسی و عقلی دارای مراتب و مدارج است، دستیابی به برترین و بالاترین نوع شناخت، با بهره گیری کامل و از ابزار شناخت و برقراری ارتباط با متعلقات شناخت بستگی دارد که این مراتب عبارت است از:

اول _ محاضره

اول _ محاضره(۴)

مقام محاضره به مقامی اطلاق می شود که قلب به حالت حضور دست یافته است؛ حضوری که غیر حق را در آن راهی نیست و هیچ گاه نسیان و غفلتی در آن پدید نمی آید. اگر حضور به صورت دائم برای قلب باشد، مشاهده نامیده می شود و درصورتی که درک حضور حق، دوام بیشتری یافت، به آن مکاشفه گفته می شود.(۵)

دکتر فعالی مؤلف رساله قشیریه در فرق میان محاضره و مکاشفه گفته است: «بدان که محاضره بر حضور دل افتد اندر لطایف بیان و مکاشفه بر حضور تحیر سر افتد اندر حظیره عیان».(۶)

ص:۴۳

۱- شرح فصوص الحکم، ص ۱۰۷.

۲- غلام حسین ابراهیم دینانی، قواعد فلسفی در فلسفه اسلامی، ج ۲، ص ۴۲۸.

۳- شرح فصوص الحکم، ج ۱، ص ۴۱؛ نک: ابوالعلاء عفیفی، تعلیقات فصوص الحکم، ص۱۲، حکمت قلبیه.

۴- محمدتقی فعالی، تجربه دینی یا مکاشفه عرفانی، صص ۱۳۱ _ ۳۳۲.

۵- رساله قشیریه، ص ۱۷۹.

۶- رساله قشیریه، ص ۴۷۸.

دوم ـ مکاشفه

مکاشـفه، نوعی حضور است که با بیان قابل وصف نباشد(۱) و برای سالک، پس از ریاضت و مجاهـدات نفسانیه به دست می آید. او در چنین موقعیتی به حریم اسمای الهی راه می یابد.

مکاشفه را سه درجه ذکر کرده اند:

۱ـ نخستین از آن مرتبه را کشف معنوی گوینـد که با حقایق ایمان و همراه با یقین پدید می آید که هیچ حد و صورتی همراه نیست.

۲ـ دومین مرتبه آن از طریق معجزات برای انبیای الامر و به روش کرامت برای اولیای الامر حاصل می شود.

۳ـ سومین مرتبه آن، در قیامت برای قلب پدید می آید.(۲)

سوم ـ مشاهده

شهود، رؤیت حق به حق است، مشاهـده مقـام لقای حق است که در آن حال، برای سالک مقام وصل حاصل و از مقام حضور و قرب برخوردار است.(۳) مشاهدات دل و مکاشفات عارف را به مقام فنا و استهلال می رساند. مشاهده را به مشاهده معرفت، معـاینه و جمع و معـاینه را به بصـری، قلبی و روح تقسـیم کرده انـد و برای الهام نیز به سه درجه الهام نبی، عینی، و عین تحقیق آورده اند.(۴)

از مجموعه مباحثی که درباره مکاشـفه، محاصـره، مشاهـده و معاینه به صورت گسترده در کتاب های عرفانی آمـده، این نتیجه مهم در طرح این مبـاحث مشترک به دست می آیـد که مرکز همه این مراحـل عرفانی از کشف وضوح و شـهود قلب است که هرکـدام از این حالات به صورت تشـکیک برای قلب حاصل می شود. البته در ترتّب میان این احوال و مقامات اختلاف یافت می شود، اما همه آنها در این نکته مشترکند که قلب، ابزار این مقامات بوده و مراتب هرکدام در قلب سالک عارف محقق می شود.

سه ـ بسترسازی معرفت عرفانی

اول ـ تقوا؛

دوم ـ مجاهده؛

سوم ـ اخلاص؛

چهارم ـ ایمان؛

پنجم ــ عمل صالح؛

ششم ــ عمل به علم.

چهار ــ عوامل انسداد معرفت عرفانی

اول ــ حجاب کفر و شرک و نفاق؛

ص:۴۴

۱- التعریفات الجرجانی.

۲- ابونصر، سراج العلوم، اللمع، ص ۱۰۲.

۳- ابونصر، سراج العلوم، اللمع، صص ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۴۱۲.

۴- خواجه عبدالله انصاری، منازل السائرین، صص ۱۵۴ ــ ۱۵۶ و ۲۲۴.

دوم _ حجاب عناد؛

سوم _ حجاب عقاید و اخلاق و اعمال؛

چهارم _ هوا و تمایلات نفسانی؛

پنج _ زبان عرفانی و ادبیات آن

وصف ناپذیری، از ویژگی بارز حالات عرفانی است که عارفان بر آن تاکید دارند.

اول _ نظریه احساسات؛

دوم _ نظریه کور معنوی؛

سوم _ نظریه دشواری بیان؛

چهارم _ نظریه تنزیه و سلب؛

پنجم _ نظریه مجاز؛

ششم _ نظریه پارادوکسیکال بودن تجربه؛

هفتم _ نظریه زبان رمزی؛

هشتم _ نظریه استحسان؛

نهم _ نظریه سوم بیان.(۱)

۱- نک: محمدتقی جعفری، زبان عرفان، مجله قبسات، سال هفتم، تابستان ۱۳۸۱، ش ۲۰، صص ۵۹ _ ۶۹.

فصل سوم: آسیب شناسی عرفان اسلامی

اشاره

اندیشه عرفانی، در میان اندیشه های دینی جایگاهی بسیار والا دارد و رمز هویت شیعی را داراست و روایت های فراوانی نیز دراین باره بیان شده است.

اندیشه های عرفانی را با دو رویکرد می توان بررسی کرد:

۱. گزاره: مراد از رویکرد گزاره های عرفانی و تک واژه ای، پرداختن به موضوع ها، مسائل، روایت ها، دستورها، ادعیه و داستان های عرفانی است.

۲. آموزه: به رویکرد جامع و سامان مند عرفانی در برابر نگاه گزاره ای و موردی می گویند. آموزه های عرفانی ما مجموعه معارف نظام مند در عرفان است.

عرفان دینی ما با چالش های گوناگونی روبه روست. برخی، اساس عرفان را مبتنی بر خطا دانسته و بعضی دیگر، آن را به عنوان شاخه ای از علوم دینی پذیرفته اند.

در این فصل، می کوشیم برخی از مهم ترین مسائل و آسیب های فراروی عرفان را در روش و محتوا بررسی کنیم.

گفتنی است فرهنگ دینی، مجموعه باورها، ارزش ها و نگرش های مذهبی و اخلاقی است که به شکل های گوناگون در رفتار اختیاری فردی و اجتماعی افراد متجلی می شود. این فرهنگ، بینش ها، نیت ها و کنش های مذهبی افراد جامعه را دربرمی گیرد. از این دیدگاه می توان سه سطح فرهنگ دینی را براساس موضوع های زیر از هم جدا کرد:

۱. بینش مذهبی: این سطح از مذهب، معرفت، دانش، باورها و عقاید افراد جامعه نسبت به هستی، خداوند و موجودات و نیز ارتباط انسان با خدا را شامل می شود و همان جهان بینی مذهبی و نوع نگرش به جهان و هستی است. در این سطح، فقط مطلوب ها و نامطلوب ها، هست و نیست، درست و نادرست و دانش و اعتقاد مذهبی، جدا از گرایش و عمل مذهبی افراد، مطرح است. شناخت باورها و بالا بودن سطح معرفت دینی افراد، به ویژه در قلمرو اصول دین؛ توحید؛ نبوت و معاد و ارزش های عام و عالم گیر الهی ـ انسانی، از بایسته های نظام برنامه ریزی فرهنگی رسانه در حوزه دینی است.

۲. گرایش و منش مذهبی: سطح منش مذهبی، به معنای داشتن احساس توانمندی برای انجام فعالیت های مذهبی در جامعه است و در واقع، آمادگی برای کنش مذهبی و ارزشی را نشان می دهد. در این بخش می توان گرایش ها و نظرهای مذهبی مردم را مطالعه و ارزیابی کرد. آنچه در این فصل بر آن تأکید می شود خواستن یا نخواستن و داشتن یا نداشتن آمادگی برای ایفای نقش و عمل مذهبی است. این مرحله، مرحله ای بعد از درستی و نادرستی یک کار یا عقیده است؛ یعنی عقیده فرد به عمل او نزدیک می شود.

۳. کنش مـذهبی: منظور از کنش مـذهبی، رفتارهـا و اعمال مـذهبی است که در جامعه تجلی و بروز خارجی دارد و می توانیم آنهـا را ببینیم. افراد جـامعه براسـاس وظیفه، این اعمـال و رفتارها را انجام می دهنـد. نماز خوانـدن، روزه گرفتن، صـدقه دادن، عزاداری و دیگر مناسک مذهبی در شمار گرایش های مذهبی قرار دارند که در نتیجه شکل گیری بینش و گرایشی مذهبی را برای افراد پدید آورده اند.

میان این سه سـطح فرهنگ دینی، رابطه تعاملی و انباشتی برقرار است؛ یعنی هر کنش و عمل مذهبی، نتیجه و برخاسته از نوعی اعتقاد و تعهد مذهبی است. در جامعه ما بخشی از فرهنگ مذهبی در سطح بینش و اعتقاد باقی

ص:۴۶

مانـده و به صورت تعهـد و کنش در نیامده است. معمولاً پیش از شـکل گیری هر کنش و گرایش مذهبی، باید نوعی دانش و اعتقاد درباره آن عمل ایجاد شود، ولی در شـرایط کنونی، به دلایل متعـدد، امور مـذهبی در حد باورها و نگرش ها باقی مانده است. یکی از این امور، مباحث عرفانی است.

امروزه به شـناسایی، توصـیف، تحلیل و تبیین پژوهش ها در زمینه عرفان اسـلامی نیازمند هستیم. شـناسایی و توصیف تولیدات پژوهشی در زمینه عرفان اسلامی، با چند رویکرد صورت می گیرد:

۱. آسیب شناسی وضعیت موجود؛

۲. شناسایی موارد تحریف و بدفهمی و نقشه های تفرقه افکنانه دشمنان؛

۳. بیان توصیه هایی برای بهبود وضعیت تبیین سیمای عرفان اسلامی.

در جهان کنونی، شـکل های جدیـد علم و فناوری که در دوران پیشامدرن سابقه نداشـته، در همه جا گسترده شده است. ما از دوران نوجوانی، تحت تأثیر رسانه ها، آموزش ها و روح حاکم بر زمانه به این باور رسـیده ایم که علم تنها با اشـیای واقعی سر و کار دارد. امروزه، گذشته از برخی حملات پست مدرن ها بر راسیونالیسم (عقل گرایی)، اعتماد و تکیه کامل بر علوم است.

عقـل گرایی دوران مـدرن، ابزارگراست؛ یعنی درصـدد انجـام دادن کارهـاست. راه اثبـات این دانش، کارکرد و قابل اسـتفاده بودن آن است و می توانـد آزمـایش و تجربه شود. با این همه، کارکرد و قابل اسـتفاده بودن، راهی به حقیقت اشـیا در عرصـه هستی نمی گشاید، چنان که در جهان شناسی پیشامدرن مرسوم نبود.

دانش جدیـد و مـدرن بدان معنا که اشاره شد، کاملاً مخالف خیال و تصور است. بی شک، انسان برای آنکه دانشـمند بزرگی شود، نیازمنـد تصور است و علم گرایی، خود، افسانه و وهمی بزرگ است که وهم های کوچک تر را می سازد، ولی تصور و خیالی که از آن سـخن رفت، همان ابعاد روحی انسان است که به ما اجازه می دهـد حق آن را چنان که در اشـیا موجود است، درک کنیم.

مکاتب فلاسـفه ای چون سـهروردی و ملاصـدرا، ازآن رو پـذیرفته شده اند که بر ضـرورت تعادل عقل و خیال تأکید داشـتند. آنها در وصف خیال، از اصطلاحاتی چون کشف، مشاهده و عرفان استفاده کرده اند.

درباره عرفان اسلامی، دیدگاه های مختلفی مطرح شده است. گروهی در توجیه و تأیید آن سخن گفتند و گروهی در نقد آن. برخی کوشـیدند آن را در پرتو دیگر شاخه های علوم اسـلامی متمایز کنند و هویت بخشند و بعضی دیگر درصدد برآ مدند با نگارش هویت آن را زیر سؤال ببرند. ازاین رو، در زمینه عرفان اسلامی، باید نخست به آسیب شناسی عرفان اسلامی پرداخت.

در این مرحله، نـاب سـازی باورها در زمینه عرفان اسـلامی، در میان ملت ها صورت می گیرد. این فراینـد، مطالعه ژرف درون دینی را می طلبـد تـا سـیمای عرفـان از میـان خرافه هـا و پیرایه ها و فرهنگ های مختلف باز شـناخته شود. قـدم دومی که باید برداشت، معرفی عرفان ناب اسلامی به جهانیان است. پس از آسیب شناسی درون دینی، حلقه دیگری از فرایند در فضای برون

دینی گشوده می شود که در آن، بایـد عرفـان نـاب را به جهانیـان معرفی کرد. پـذیرش عرفـان برای انسان ها در این مرحله، به دلیل ریشه داشتن آن در دیگر ادیان، آسان تر خواهد بود. اکنون به آسیب های فراروی عرفان اسلامی می پردازیم:

۱. حاکمیت نسبی جریان های انحرافی در حوزه عرفان اسلامی

اشاره

عرفان، خواه به معنای نظری که شناخت حقیقت و توحید است یا گرایش به آن حقیقت با توحید باشد و خواه عرفان اصولی باشد یا عرفان وصولی، در سرشت انسان تعبیه شده است. عرفان نظری نیز غریزه انسان و به تعبیر علامه طباطبایی، عرفان و معنویت گرایی، غریزی و فطری است.

در عصر تشنگی انسان و تلاش برای راهیابی به سرچشمه های معرفت و معنویت، دام های نو و متجددانه، پهن و دانه های معنویت دروغین با ظاهری زیبا و پرجاذبه، پاشیده می شود تا بار دیگر، دشمنان انسانیت، مانع بازگشت انسان به خویشتن شوند و معنویت خواهی و گرایش به متافیزیک را به گونه ماتریالیستی آن اشباع کنند. همچنین می کوشند بحران هویت و اعتماد آدمیان را با مکتب سازی ها و ایسم های دروغین و با عنوان عرفان، عرفان درمانی، انرژی درمانی، نیروزایی و آرامش بخشیدن با مواد افیونی و تخدیری تا عرفان سازی نقابدار سکولاریستی و لیبرالیستی و مانند آن پاسخ دهند و خودبیگانگی جدیدی بیافرینند تا آدمیان، هویت فراموش شده و شناسنامه معرفتی و معنوی خود را پیدا نکنند.

الف) حاکمیت خانقاه و تصوف و صوفی گرایی

نخستین آسیب عرفان اسلامی، حاکمیت خانقاه در این عرفان است. دکتر عبدالحسین زرین کوب، در کتاب ارزشمند جست وجوی تصوف در ایران (۱) کوشیده است با نگرشی تاریخی و گاه انتقادی، برگی از تاریخ تصوف را در ایران ورق زند تا از این رهگذر هم فرهنگ ایران و تاریخ تصوف ایران را بررسی کند و هم به فرهنگ و تاریخ و تصوف ایرانی خدمتی کرده و حتی برخی دشواری های تاریخ تصوف را آسان ساخته باشد.

ب) ایدئولوژی خاص بودن

ب) ایدئولوژی خاص بودن(۲)

دومین شاخصه عرفان مبتنی بر تصوف و خانقاه در ایران، این است که تصوف، نوعی ایدئولوژی ویژه است که از نظر تا عمل و بینش تا کنش را دربرمی گیرد و تفسیری ویژه از زندگی و شیوه تعامل با حیات دنیوی است.

به اعتراف جامی در کتاب نفحات الانس، تصوف و صوفی گری، از قرن دوم هجری میان مسلمانان ظهور کرد. بزرگ ترین نشانه های تصوف در این دوره، تحقیر دنیا، فرار از نعمت ها و تمام شئون مربوط به زندگی دنیوی، ریاضت کشی و تحمل سختی هاست. ازاین رو، صوفیان در برابر ائمه اطهار(ع) ایستادند و بر بینش و سیره زندگی آنان خرده گرفتند. علت اعتراض صوفیه به امام رضا(ع) این بود که چرا آن حضرت لباس خشن به تن نمی کند و غذای نامناسب نمی خورد. امام در پاسخ آنها فرمود: «یوسف، پیامبر خدا(ع) قباهای دیبا و لباس های زربافت بر تن داشت».(۳)

۱- جست وجوی تصوف در ایران، ص ۴۴۶.
۲- برای اطلاع از ویژگی های عرفان مبتنی بر خانقاه نک: کلینی، اصول کافی، ج ۱، (باب البدع و الرای و الرای المقابیس) ص ۵۴، ح ۲؛ عبدالرحمن جامی، نفحات الانس، تصحیح: محمود عبادی، اطلاعات، ص ۸۵ به بعد؛ قاسم غنی، تاریخ تصوف در اسلام، تهران، انتشارات زوار، ج۲، ص ۳۵؛ فروع کافی، ج ۵، باب المعیشه؛ عباسعلی عمید زنجانی، تحقق و بررسی در تاریخ تصوف، تهران، دارالکتب الاسلامیه؛ زین الدین کیانی نژاد، سیر عرفان در اسلام، تهران، انتشارات اشراقی؛ داوود الهامی، موضع تشیع در برابر تصوف در تاریخ، قم، انتشارات مکتب اسلام، صص ۲۳ _ ۲۷.
۳- برای اطلاع از عرفان مبتنی بر تصوف نک: آقا محمدجعفر بن آقا محمد علی، فضایح الصوفیه، تحقیق: مؤسسه علامه مجد وحید بهبهانی، قم، انتشارات انصاریان؛ ابوالحسن علی بن عثمان جلایی هجویری، کشف المحجوب، به کوشش: محمدحسین تسبیحی، انتشارات تحقیقات فارسی ایران و پاکستان؛ محمدکاظم یوسف پرور، نقد صوفی، انتشارات روزنه، صص۸۲ _ ۱۱۸.

ج) شریعت ستیزی و تأویل گرایی در دین

ج) شریعت ستیزی و تأویل گرایی در دین(۱)

نخستین بـار، جنیـد بغـدادی به تطبیق عقایـد و اعمال صوفیان با آیات و روایات پرداخت.(۲) سپس ابونصر در کتاب اللمع فی التصوف و ابوطـالب مکی در کتـاب قوّت القلوب آن را دنبـال کردنـد و برای اسـلامی جلوه دادن عقایـد و اعمـال متصوفه، از معـانی ظـاهری آیات، بـدون هیـچ قرینه ای دست شسـتند و به تفسـیر به رأی پرداختنـد. تأویل ها در آثار ذهبیه از جمله کتاب تباشـیر الحکمه و شـرح حـدیث نومحمـدی، اثر میرزا ابوالقـاسم حسـینی شـیرازی (معروف و متخلص به راز شـیرازی) آشـکار است.(۳)

د) بدعت گذاری

مشـکل اساسـی و دیرینه صوفیان، پذیرش گزینشی اسلام در مقابل اسلام جامع نگر بود. آنان برخی اعمال اسلام را پذیرفتند و برخی آموزه هـا ماننـد نماز را در بعضـی حالات و شـرایط ترک کردنـد. شـبستری، از بزرگان صوفیه، در گلشن راز چنین می نویسد: «وقتی حقایق بر تو روشن شد، احکام از تو برداشته می شود».

به تعبیر محقق ارجمند، دکتر قاسم غنی، گاه مشایخ صوفیه به مقتضای زمان، شـرع را از شـروط تصوف می شـمردند و گاه نیز قیودی می گذاشـتند و حتی برخی صوفیـان معتقدنـد شـریعت، راه را نشـان می دهـد و اگر انسـان به مقصـد رسـید، حاجتی به شریعت ندارد.

ه_) ستیز با حکومت اسلامی

اسـتعمارگران، از اوایـل قرن نوزدهم به این نتیجه رسـیدند که بـا ایجـاد فرقه های به ظاهر مـذهبی در جوامع اسـلامی، بهتر می تواننـد به اهـداف سیاسـی خود در این جوامع دست یابنـد. ازاین رو، به پشتیبانی از صوفیه برآمدنـد. انگلیس برای اجرای طرح اسـتعماری خود، شخصـی را به نـام صوفی اسـلام، از افغانسـتان به عنوان امـام زمان علم کرد و او را با لباسـی آراسـته، سوار بر هودجی، همراه با سیصد نفر فدایی و پنجاه شمشیرزن و مرید، به طرف خراسان حرکت داد. وی خون ها ریخت و خرابی های بسیاری به بـار آورد. سـرانجام ارتش ایران بـا کشـتن صوفی اسـلام و تمام فـداییانش، آنان را تار و مار و فتنه را خاموش کرد. برخی اقطاب دراویش، به جرگه فراماسونری پیوستند و پشتیبانی آنان از این گروه ها، بی دلیل نیست.

دکتر گنجویان که مدعی قطبیت فرقه ذهبیه بود، پس از انقلاب، با فرار به انگلسـتان، با صـراحت، ارتباطش با دربار محمدرضا شاه را تأیید کرد.

و) خرافه پرستی و جهالت

صوفیان برخلاف تشـیع، اولیای خود را منحصر به دوازده امام نمی دانند، بلکه هر مرشد مدعی ولایت را در هر دوره، امام حیّ و ولیّ قائم می دانند و از او به قطب و شیخ تعبیر می کنند. همچنین این افراد را مؤذن؛ یعنی اذن

۱- موضع تشیع در برابر تصوف در طول تاریخ، ص ۴۵.

۲- نک: عطار نیشابوری، تذکره الاولیاء، تصحیح: رینولد نیکلسون، انتشارات میلاد.

۳- راز شیرازی، طباشیر الحکمه، انتشارات خانقاه احمد شیرازی، ۱۳۵۲، برای آگاهی از شرح حال او نک: الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۰، صص ۲۷۷ _ ۲۹۴.

گرفته از خـدا لقب می دهنـد. همه تابعین، بـدون چون و چرا، موظف به اطاعت از فرمان ها و نصایـح او هسـتند؛ زیرا معتقدند گفته های قطب یا شیخ از کلام خدا سرچشمه گرفته است.

صوفیان به ویژه نعمت اللهی ها مقام بسـیار بالایی برای رهبران خود که قطب نامیده می شوند، قائل هستند، به گونه ای که گاه آنها را تا حد خدایی بالا می برند و گاه مهم تر از امامان می دانند.

ز) غریزه گرایی و شهوت محوری

مشـکل دیگر بسیاری از فرقه های صوفیه، مسـئله تساهل، تسامـح و اباحی گری است. سـماع، آواز، غنا، آسـیب های اخلاقی، انحرافات جنسـی و فاصـله گرفتن از شـریعت نیز زاییـده این انحراف بنیادین است. برخی گرونـدگان به تصوف، به همین دلیل آلـوده می شونـد. انحراف و آلودگی هـای اخلاقی برخی دراویش، در خانقـاه قـدمتی دیرینه دارد، چنـان که دیگر انحراف و بدعت صوفیان، کشف و شهود شیطانی است. کشف و شهود و اشراق بر دو نوع است: گاهی صادقانه و قابل اعتماد است و در بسـیاری مواقع، بر اثر عواملیماننـد شـهود کاذب و شـیطانی تحقق می یابد. تشـرف که از رسومات صوفیه است و براساس آن بایـد شخصـی برهنه شود و در برابر قطب سـجده کنـد، از جمله این انحراف هـاست. آنها حتی معتقدنـد که قطب آنان به طور مستقیم از سوی خداوند برگزیده می شود.

نقد اندیشه تصوف در روایات

روایات بسیاری(۱) در نکوهش صوفیه نقل شده است، از جمله:

کسی که نزد او نامی از صوفیه برده شود و نسبت به آنان ابراز تنفر و مخالفت نکند، از ما نیست و کسی که آنان را انکار کند، چنان است که در رکاب پیامبر خدا با کفار جهاد کرده است.(۲)

دیدگاه فقها و مراجع عظام درباره تصوف

بسـیاری از علمای شـیعه اعم از متقـدمان و متأخران، فرقه صوفیه را نکوهش کرده و روش آنان را بدعت شـمرده و کتاب های بسـیاری در ردّ افکارشان نگاشـته اند. برخی از آنها عبارتند از: علی بن بابویه (شـیخ صدوق)، شیخ مفید، شیخ طوسی و علامه حلی.

ـ عـارف وارسـته، ملاـمحسن فیض کاشـانی در کتاب های ارزشـمند وافی و بشاره الشـیعه، به نکوهش صوفیه پرداخته است و بدعت های آنان مانند غنا، سماع، حرکات خاصه و دعاوی گمراه کننده را افشا می کند.

علاـمه سـید محمدحسـین طباطبایی معتقـد است گروه صوفیه، طریقت را در مقابل شـریعت قرار داده انـد، درحالی که طریقت هرگز نمی تواند در مقابل شریعت قرار گیرد.

حضرت آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی، در کتاب ارزشمند تعلیقات، جلد اول احقاق الحق می نویسد:

حقیقتاً، مصـیبت صوفیه در نزد من، از بزرگ ترین مصـیبت هاست. ارکان اسلام به واسطه این مصیبت، منهدم و بنیان اسلام از هم پاشید و وامصیبتا از این غفلت و سکوت مردم! (۳)

ص:۵۰

۱- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲ (باب حقیقه الایمان و الیقین)، ح۲، ص ۵۳؛ سفینه البحار، ج ۲، واژه «تصوف».

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ج ۱۷ و ۱۸.

۳- جمعی از محققان، احقاق الحق، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، مقدمه.

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی می فرماید:

مجالست با فرقه های ضاله و شرکت در مجالس آنان حرام است. مجالست در مجالس آنان تحت عناوین اسلامی، مثل قرائت قرآن و ختم انعام و غیره هم که باشد، حرام است و هرچیزی که تقویت آنان به حساب آید، حرام است.(۱)

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای(مدظله) در پاسخ به این پرسش که شرکت کردن در مجالس صوفیه و انجام دادن اعمال و گفتن اذکار آنان و حضور در خانقاه آنان، چه صورت دارد، فرموده است:

جایز نیست و کسانی که اوامر و نواهی قرآن کریم را قبول دارنـد و به امامت ائمه(ع) معتقدنـد، چه بهتر است که اسم جداگانه ای ـ که لازم نیست، بلکه مضر است ـ کنار گذاشته و در جماعت عظیم ملت بزرگ و مسلمان خود باشند.(۲)

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی در پاسخ به درخواستی با این مضمون: «ایجاد مکتب و مرام های انحرافی، یکی از اهداف شوم قدرت های استکباری بوده است. طی سال های اخیر، فرقه های مختلف صوفیه، به فعالیت گسترده تری پرداخته و مراکزی را به عنوان پایگاه های خود می سازند. مستدعی است نظر خود را درباره صوفیه و مشارکت و ایجاد بناها و مراکز تبلیغی و شرکت در مجالس آنان بیان فرمایید» فرمود:

تمام فرق صوفیه، دارای انحرافاتی هستند و شرکت در فعالیت های آنان و کمک به اهدافشان جایز نیست... . خوشبختانه بعد از انقلاب اسلامی، بسیاری از مراکز آنان تعطیل شد....(۳)

حضرت آیت الله سیستانی می فرماید: «اجتناب از حضور در مجامع آنان (صوفیان) و دور کردن مردم از آنان لازم است».(۴)

آیت الله تبریزی می فرماید:

هر مسلمانی که برخلاف آنچه علمای شیعه در رساله های عملیه فرموده اند، عمل کند، [کارش] باطل است. ترویج و اعانت و شرکت در مجالسی که خلاف آنچه علمای شیعه فرموده اند، تشکیل شود، مشروعیت ندارد.(۵)

آیت الله فاضل لنکرانی می فرماید:

معبد مسلمانان، مسجد است و رفتن به خانقاه اگر برای این باشد که گمان کند آنجا فضیلت و شرافتی بر سایر امکنه دارد، صحیح نیست، بلکه اگر آنجا برود که آنجا هم پایگاه ذکر و مدح است، حرام است. لذا بر عموم مسلمانان است که برای امور عبادی، مذهبی، اعیاد و موالید ائمه(ع) در مساجد اجتماع کنند که «انما یعمر مساجد الله من آمن بالله».(۶)

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی می فرماید:

۱- سایت دفتر آیت الله گلپایگانی ــ بخش استفتائات.

۲- سایت دفتر مقام معظم رهبری.

۳- سایت آیت الله العظمی مکارم شیرازی.

۴- سایت آیت الله العظمی سیدعلی سیستانی.

۵- سایت آیت الله العظمی تبریزی.

۶- سایت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی.

صوفیه با فرقه ها و انشعابات بسیاری که دارند، در یک سطح نیستند و چه بسا که برخی از آنان از ربقه اسلام شمرده نشوند و درمجموع، منحرفند و عقاید خاصه ای که دارند، غیراسلامی است. بنابراین، مشارکت در ایجاد بناها و مراکز تبلیغی آنان و شرکت در مجالس و محافل آنان، خلاف شرع و برخلاف روش حضرت رسول اکرم(ص) و ائمه هدی(ع) است. در اسلام، محلی به نام خانقاه وجود ندارد. این روش، انحراف از طریقه متشرعه است که متلقات از ائمه هدی(ع) است و موجب اضلال می باشد. مباشرت در ساختن خانقاه و کمک مالی برای ساختن آن و همکاری با این گروه و موافقت با ساختن آن، به هر شکلی حرام است. خداوند، مؤمنین را از امور مضلّه محفوظ بدارد. والله العالم.(۱)

آیت الله بهجت نیز می فرماید:

هرچه سبب تفرقه در بین مسلمانان باشد، جایز نیست و آنچه در اسلام معروف است، همان مساجد و حسینیه ها و امثال آنهاست و هر عنوانی که سبب تشکل حزب و گروهی شود که مولّد فرقه شود، باطل است.(۲)

استعمارگران، از اوایل قرن نوزدهم به این نتیجه رسیدند که با ایجاد فرقه های به ظاهر مذهبی در جوامع اسلامی، بهتر می توانند به اهداف سیاسی و استعماری خود دست یابند.

اشفشان شوارتز، نویسنده و تحلیلگر غربی، فاش می کند براساس اسناد محرمانه که در پنتاگون (وزارت دفاْع امریکا) بررسی شده، یکی از هفت راه دنیای غرب برای نفوذ در دنیای اسلام، کمک به بازگشت تصوف به این جوامع است که جایگزین و رقیبی برای اسلام رادیکال به شمار می رود.

برنارد لوییس، در کنفرانسی که در بنیاد نیکلسون برگزار شد، به دولت بوش پیشنهاد کرد برای ارتقای سطح گفت وگوی امریکا و دنیای اسلام، با شیخ محمود هشام کعبانی، رهبر بزرگ ترین گروه صوفیه به مذاکره بنشیند. آنگاه نویسنده ویژگی های صوفیه را بررسی و بیان می کند و می نویسد ایران، از کانون های مهم صوفیه در جهان اسلام است و بیشتر آثار صوفیه، به زبان فارسی است.(۳)

۲. نارسایی آسیب شناسی عرفان

اشاره

یکی از آسیب های فراروی عرفان اسلامی، توجه نکردن به آسیب شناسی عرفان اسلامی در این مرزو بوم است. حدیث تفرقه و ماجرای پیدایش فرقه های مختلف در اسلام و دیگر ملل و نحل، امر تأمل برانگیز و درعین حال، درخور توجهی است.(۴) ازاین رو، از روزگاران گذشته تا امروز، پژوهشگران به عنوان موضوعی مهم و کلیدی در تبیین و توضیح رویکردهای گوناگون علمی و معرفتی، به آن اهتمام و توجه داشته اند. بااین حال، آسیب شناسی فرقه های عرفانی صورت نگرفته است. این امر، آثار و آفت های فراروی عرفان اسلامی را نشان می دهد. به یک نمونه تفصیلی توجه کنید.

اباحیه

۱- سایت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.

۲- سایت آیت الله العظمی بهجت.

۳- روزنامه شرق، ۱۵/۱۲/۱۳۸۳، ش ۴۲۹.

۴- دراین باره نک: محمد قطب، المستشرقون و الاسلام، مکتبه وهبه، ص ۷۳ به بعد.

اباحه، از ریشه بَوَحَ، به معنای ظاهر ساختن و آشکار کردن و تردید داشتن در انتخاب یکی از دو کار است که جمع میان آنان جایز است.(۱)

به گفته تهانوی، اباحیه، فرقه ای از صوفیان باطل گرا هستند که معتقدند دوری از گناهان و انجام دادن اوامر، الزامی نیست. آنان بر این باورند که هیچ کس یا هیچ چیز در این دنیا مالک نیست. ازاین رو، آنان در اموال و همسران خود با دیگران شریک بودند. جامی نیز در کتاب نفحات الانس درباره آنان می نویسد:

جماعتی که خود را در زیّ صوفیان اظهار کنند و از حلّیت عقاید و اعمال [و] احوال ایشان عاطلی و خالی باشد و ربقه طاعت از گردن برداشته، خلیج العذار در مرتع اباحت می چرند و گویند: «تقید به احکام شریعت، وظیفه عوام است که نظر ایشان بر ظواهر اشیا مقصور بوده و اما حال اهل خواص و اهل طریقت و حقیقت، از آن عالی تر است که به رسوم ظاهر مقید شوند.» اهتمام ایشان به مراعات حضور باطن، بیش نبوده و این طایفه [را] باطنیه و مباحیه خوانند.(۲)

در روزگاران گذشته، آسیب شناسی و بررسی عرفان و نقد آن معمول بود و علما و پژوهشگران بسیاری، آثار و نوشته های مستقل و مفصلی را در این زمینه از خود به یادگار گذاشته اند. بااین حال، اختلاف روش عرفان با دیگر شاخه های معرفتی و تربیتی و شیوه خاص طرح و بیان مسائل آن، هرگز آن را از نقد و آسیب شناسی بی نیاز نمی سازد. ازاین رو، آسیب شناسی عرفانی در این مرزوبوم امری حیاتی و ضروری است. آسیب های مهم این امر عبارتند از:

الف) گسست میان تاریخ عرفان و علوم تصوف؛

ب) بررسی نکردن آموزه های صوفیان و عارفان در معابد، خانقاه ها و دیرها؛

ج) نبود آسیب شناسی در حوزه آثار عرفانی؛

د) حاکمیت نوعی روح ماتریالیستی یا دنیاگرایی در عرفان؛

هـ) مرتبط کردن عرفان با دوست یابی، عشق، عشق بازی و شیوه های تجلی و کنترل روح؛

و) مرتبط کردن آموزه های عرفانی با روان شناسی و روان کاوی؛

ز) تبیین نکردن مواریث و سنّت های عرفانی سلوکی براساس آموزه های اهل بیت(ع)؛

ح) تبلیغ عرفان های وارداتی که موجب درآمیختن آموزه های دینی اسلام با آموزه های دینی هندوان و چینی ها می شود؛

ط) ترویج نوعی انزواگرایی و گوشه نشینی و دور کردن مردم از امور اجتماعی؛

ی) تبلیغ تولیدات فکری معابد هندی و چینی و سرخ پوستی و افریقایی، مبتنی بر فردگرایی و گریز از تن و خو کردن به تنهایی و حاکمیت نوعی انزواطلبی و سرخوردگی در عرفان آموزان.

۱- محمد بن محمد مرتضی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، قم، ش ۷۵.

۲- نک: جامی، نفحات الانس.

۳. نقادی نشدن عرفان معرفی شده در آثار پژوهشی غربیان

اشاره

آسیب بعدی فراروی عرفان اسلامی، حاکمیت نسبی آثار پژوهشی برخی غربیان است. در ادامه، آثار دو شخصیت غربی را بررسی می کنیم.

الف) رینولد الن نیکلسون

بزرگ ترین اثر نیکلسون، ترجمه، شرح و چاپ مثنوی معنوی جلال الدین رومی است. کتاب دیگر وی از نظر اهمیت، تاریخ ادبیات عرب است. او مقاله های بسیاری درباره تصوف اسلامی، در دایره المعارف دین و اخلاق و دایره المعارف اسلام به نگارش درآورده است. برخی آثار او که به فارسی نیز ترجمه شده است، عبارتند از: عرفای اسلام، ترجمه: ماهدخت بانوهمایی؛ مفهوم شخصیت در تصوف، ترجمه: محمدرضا شفیعی کدکنی؛ پیدایش و سیر تصوف، ترجمه: محمدباقر معین.

محور اساسی اندیشه نیکلسون، تصوف است و آنچه او از تصوف در نظر داشته، برآیند فضا و محیط فکری و فرهنگی او و آموزه های استادان و منابع مطالعاتی وی بوده است. ازاین رو، با وجود آگاهی و دانش انکارناپذیر او در حوزه عرفان و تصوف اسلامی و ایرانی نمی توان برداشت ها و نظرهایش را بی کم وکاست پذیرفت.

نوع عرفان و معارف معنوی، فکری و دینی نیکلسون، از نوع مسیحی و یهودی است. درون مایه این اندیشه، القای موضوع فردگرایی، انسان مداری و جدایی دین از سیاست با بیان های عرفانی است. عرفان القایی نیکلسون، ترویج دین فردی، دور از زندگی و دور از جامعه و سیاست است. البته این اندیشه به وی منحصر نمی شود، بلکه بسیاری از خاورشناسان هم فکر و هم کیش او در آثار و نوشته های خود بیان می کنند دین اسلام، در اصل به معنای آخرت گرایی است و هدف اصلی علوم در اسلام، خدمت به دین و آخرت است. ازاین رو، تلاش آنها برای برجسته سازی ابعاد عارفانه و احساسات لطیف شاعرانه، ورود عرفان اسلامی به آخرت و دوری از دنیاست.

نیکلسون در تحلیل عرفان اسلامی، در نوشته هایش دچار لغزشی فاحش شده است. از جمله در کتاب مفهوم شخصیت در تصوف می نویسد:

همان چیزی که مسیحیت آن را تمایز میان اقانیم سه گانه [پدر، پسر و روح القدس] می شمرد، همان است که مسلمانان به عنوان تمایز میان صفات تشبیه و صفات تنزیه در ذات الهی قائلند.(۱)

نیکلسون در این گفتار می خواهد نشان دهد اعتقاد به اقانیم سه گانه مسیحیت، با توحید خداوند منافات ندارد، همچنان که در اسلام از یک سو خداوند از کثرت، تنزیه شده و از دیگر سو، صفات تشبیهی بسیاری برای او یاد کرده اند. نیکلسون در کتاب تصوف اسلامی و رابطه انسان با خدا می نویسد:

اروپاییان که قرآن را می خوانند، نمی توانند از تردید و ناهماهنگی مصنف آن ضمن طرح بزرگ ترین مسائل متعجب

نشوند.(۲)

وی در جایی از این کتاب عرفای اسلام آورده است:

نهضت زهد و پرهیز، از اهداف مسیحیت الهام گرفته است که دقیقاً با روح لذت پرور اسلام منافات دارد.(۳)

۱- شخصیت و تصوف.

۲- تصوف اسلامی و رابطه انسان با خدا، تهران، ص ۴۹.

۳- عرفای اسلام، ص ۳۱، برای نقد این رویکرد نک: حسینی طباطبایی، نقد آثار خاورشناسان، انتشارات چاپ بخش، صص ۵۵ و ۵۶.

۴. حاکمیت معنویت و رهیافت های عصر تجدد بر عرفان اسلامی

اشاره

آسیب دیگر در برابر عرفان اسلامی، حاکمیت معنویت و رهیافت عصر تجدد بر عرفان اسلامی است. معنویت(۱) که به آدمی احساس آرامش می بخشد، طیف معنایی گسترده ای دارد و در نظر صاحب نظران یکسان نیست. در یک تعبیر، این معنویت و عرفان، از رهگذر دین و سنّت(۲) عبور می کند. این برداشت، طرفداران بسیاری دارد. آنان راه نجات و رستگاری را فقط از طریق عمل به آموزه ها و دستورهای خاصی ممکن می دانند.

الف) معنویت سنت گرایانه

اشاره

یکی از برداشت های معنویت اندیشی این عرفان، توجه و برتری دادن به سنّت است؛ یعنی فقط از طریق سنّت می توان به معنویت، رستگاری و رهایی رسید. در این دیدگاه، سنّت عبارت است از حقایق یا اصولی که منشأ الهی دارند و از طریق شخصیت های معروف به رسولان و پیامبران یا دیگر عوامل انتقال برای ابنای بشر صورت می گیرد. معنویت سنّت گرایانه، رابطه و حضوری است(۳) که با امر قدسی(۴) یا مفهوم راست اندیشی،(۵) با مرجعیت(۶) یا استمرار انتظام در انتقال حقیقت، با امر ظاهری و امر باطنی و نیز حیات معنوی، علم و هنر مرتبط است. این معنویت، از درون نسبت به دست می آید و معادل همان حکمت جاویدان است که هریک در دل دین استقرار یافته و خود نوعی سوفیا و حکمتی را شامل شده است که به دلیل برخورداری از منظر ذوقی خود در غرب و شرق عالم، برترین دستاورد انسان به شمار می رود. ویژگی های معنویت سنت گرایانه را می توان چنین برشمرد:

یک ـ کثرت گرایی

دیدگاه سنت گرا، نگاهی محدود در حیطه رفتارها و مناسک عبادی است. سنت گرایان به جنبه ها و ساحت باطنی دین می اندیشند و حیطه حلال و حرام را بر زمینه همان دین، معنا و تفسیر می کنند که هرکس براساس اخلاق و قانون تکوین، ملزم به باورهای دینی و معنوی خویش است و هیچ کس را نمی تواند به دین دیگری دعوت کند.(۷)

تکوین دین داری و اخلاق انسانی اقتضا می کند هرکس در دین خود راسخ و ثابت قدم باشد. این تصور برای تعدیل این روش است که هر دینی، خواهان تکثیر و پیشرفت جهان مداری خویش است و برای تعدیل چنین خواسته ای، دیگر ادیان و زندگی های روحانی حق حضور و تداوم دارند. به نظر سنّت گرایان، وجوه ظاهری دین با هم متفاوت هستند و همین تفاوت، موجب تقسیم بندی ها و تغییرهای دین دارانه می شود، ولی در جنبه های مثالی و معنویت بخشی دین، نوعی اتحاد و اشتراک وجود دارد و هرکس که طالب یار است، چه هشیار و چه مست، در برداشت کثرت انکار امر قدسی و الوهی، رنگ و لعاب فرهنگی و ظاهری به خود نمی گیرد؛ زیرا عقیده ها و باورها، شکل های همگون و ناهمگون زمینه های گوناگون است که به تدریج شکل گرفته است.

۱- Spirituality.

۲- Tradition.

۳- حسین نصر، معرفت و معنویت، ترجمه: انشاءالله رحمتی، نشر هستی، ص ۱۵۶.

۴- Sacrd.

۵- Orthodoxy.

۶- Authorith.

۷- حسین نصر، معرفت و معنویت، ترجمه: انشاءالله رحمتی، نشر هستی، ص ۱۵۶؛ نقد و نظر، سال چهارم، ش ۳ و ۴، ص ۵۲.

استراتژی گفت وگوی میان ادیان، جست وجوی راهی است که این زمینه ها و ناهمگونی ها را در افقی مشترک تفسیر می کند. کثرت گرایی سنتی، این ذهنیت و برداشت را نفی نمی کند که برای بخشی از ساکنان زمین به جذابیت بودایی پی برده است و بخش دیگری از آن، هسته ها و لطافت تصوف و عرفان اسلامی را دریافته و به آن وابسته شده است.

دو ــ طبیعت گرایی

دیدگاه سنت گرا به طبیعت، دیدگاهی باطنی و رمزی است. کتاب های آسمانی این نگرش را پذیرفته و از حکمت و عظمت آن به نیکی یاد کرده اند. طبیعت، برای دیدن خدا و صحنه طبیعت، برای سیر به سوی خداست. دکتر سید حسین نصر، بیش از هرکسی کوشیده است تفسیری از در هم آمیختگی معنویت اسلامی و طبیعت ارائه دهد.(۱)

ب) معنویت وجودی

اشاره

پس از گذشت سال ها از شکل گیری مکاتب فلسفی، برخی متفکران دریافتند که نگاه نظام واره به جهان هستی، راه به جایی نمی برد و عقلانیت انسانی ضعیف تر از آن است تا ساختاری یکپارچه از کل هستی و رخدادهایش ارائه دهد، به گونه ای که حس درونی انسان را اقناع کند.

پیچ و خم های معرفتی و شناختی جهان، امکان تفسیر یکپارچه ای را نمی دهد که ناشی از راسیونالیسم یا ماتریالیسم یا ایدئالیسم باشد. سورن کرلگور، فیلسوف متأله دانمارکی، نخستین کسی است که اعلام کرد در پی حقیقت مسیحیت نیست، بلکه هدف وی یافتن نسبت فرد انسانی با مسیحیت است. این برداشت تا حدودی در دنیای دین شناسی و دین داری اثرگذار بود و با وجود نارسایی ها و کاستی های آن، طرفدارانی پیدا کرد. معنویت اگزیستانسیالی ویژگی هایی دارد که عبارتند از:(۲)

یک ــ فردی بودن

ویژگی اصلی معنویت وجودی این است که هر انسان، جزئی تنهاست. انسان، جزء یگانه و مغایر با دیگران است و معیارِ هست و بودن ما، وجود فردی ماست. به نظر کرلگور، انسان در تنهایی شهید می شود، در تنهایی گناه می کند، در تنهایی ایمان می ورزد و در تنهایی برمی گزیند و دگرگون می شود. البته تعبیر این فیلسوف دانمارکی، نشانه دیانت مسیحیت است و خود می گوید مقوله فرد، نسبت نزدیکی با مسیحیت دارد؛ زیرا مسیح قصد هدایت کردن جمع و توده را نداشت و خواستار مؤمن ساختن دل ها به خدا بود.

دو ــ انفسی بودن

ویژگی دوم معنویت وجودی این است که حقیقت، در اصل، امر خارجی و عینی و بیرونی نیست، بلکه مقوله ای درونی و شناختی و موضوعی است. معنویت، فرآیندی مربوط به نوع نگاه ماست. در چشم انداز انفسی بودن، دین داری، سیر باطنی است و سیر باطنی، انفسی بودن است و انفسی بودن، در

۱- برای اطلاع بیشتر نک: ژان دالی، نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه های هست بودن، ترجمه: یحیی مهدوی، تهران، خوارزمی، ص ۱۲۲.

۲- حسین نصر، نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، تهران، نشر هستی، ص ۱۵.

اصل، شورمندی است و سرانجام آن، دل نگرانی بی حدوحصر و شخصی و شورمندانه است در باب سعادت ابدی.(۱)

از آنجا که انفسی بودن، ناظر بر یک تصمیم است، همه تصمیم ها به انفسی بودن بسته است و بین آن رابطه ای تعاملی و انباشتی برقرار است؛ یعنی هر تصمیم، نتیجه و برخاست از انفسی بودن آن است.(۲) ویژگی ها و رهیافت وجودی، بیشتر و فراتر از دو مورد یاد شده است، ولی به طور کلی، همه ویژگی های دیگر به نوعی به این ساحت فردی و درونی و انفسی بودن حقیقت بازمی گردد و در حقیقت، دین داری، زیستِ مؤمنانه این دو ویژگی است.

۵. ورود عرفان های وارداتی

اشاره

۵. ورود عرفان های وارداتی(۳)

دیگر آسیب فراروی عرفان اسلامی، ورود عرفان های وارداتی است. این عرفان ها عبارتند از:

الف) عرفان شامانیسم

انسان ها به طور سنّتی به یک رشته قدرت های طبیعی و فوق طبیعی اعتقاد داشتند؛ نیرویی که از طریق جنیان و ارواح و خدایان رب الانواع در طبیعت اعمال می شود. البته بسیاری از این افراد، معتقد بودند خدای برتری نیز در آسمان ها وجود دارد و از این طریق با عالم، تماس برقرار می کند. این افراد زمین را مادر خود می پندارند و بسیاری از حوادث و وقایع طبیعی را از نظر معنوی مهم می دانند.(۴)

«شامان»، کسی است که از قدرت جادویی برخوردار است و می تواند با نیروهای اثرگذار در طبیعت ارتباط برقرار کند و آن نیروها را در درمان بیماران و رفع مشکلات قوم خود و طلب روزی و افزایش برکت به کار گیرد. در این ریاضت هاست که شامان ها مرگ را تجربه می کنند و به زندگی مجدد می رسند و توانایی دفع خطرها و حفظ حیات قوم خود را می یابند. شرط دیگر، جنون و اختلال روانی و سپس خوددرمانی با کمک کسی است که صلاحیت مقام شامانی را دارد.

رابطه جنون و صرع و اختلال های روانی و عصبی با شامانیسم، به حدی زیاد است که تا چندی پیش، بسیاری از پژوهشگران، شامان را نوعی بیماری روانی می دانستند. در بسیاری از مناطق جهان، از قطب شمال تا جنوب امریکا و آسیا، شامان ها پیش از انجام دادن وظیفه یا شغل شامانی به نوعی جنون دچار می شوند و گاهی اختلال های روانی، یکی از نشانه های فراخوانده شدن به این کار است.(۵)

بسیاری از پژوهشگران، دین و جادو را از یک ریشه می دانند، ولی امیل دورکیم، براین اساس که دین از نهادهای اساسی جامعه است و نهادهای اساسی باید عمومی باشد، جادو را جدا از دین می داند؛ زیرا سحر و جادو، مخصوص

۱- مصطفی ملکیان، سیری در سپهر جان، تهران، مؤسسه نگاه معاصر، ص ۳۱.

۲- داریوش شایگان، آسیا در برابر غرب، تهران، نشر البرز، ص ۱۶۸.

۳- برای اطلاع از عرفان ورداتی نک: غلام علی آریا، آشنایی با تاریخ ادیان، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی؛ غلام علی توسلی، جامعه شناسی، انتشارات سخن، ص ۴۹ به بعد؛ جمعی از نویسندگان، چهار مذهبی ادیان در جوامع امروزه، ویرایش: رابرویر، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۴- نک: داریوش شایگان، ادیان و مکتب های فلسفی هند، انتشارات امیرکبیر، ج ۲، ص ۷۸.

۵- داریوش شایگان، ادیان و مکتب های فلسفی هند، انتشارات امیرکبیر، ج ۲، ص ۶۷.

افرادی است که شرایط و استعدادی ویژه دارند.(۱) مضمون دین، تعظیم و پرستش موجودات ماورای طبیعت است، ولی جادوگر می خواهد قوای ماورای طبیعت را به سود خود مهار کند؛ اگرچه این عمل ساحر یا کاهن، گاه جنبه تقدس پیدا می کند.(۲) در این عرفان، کسی که نتواند بر این نیروها مسلط شود و شامان از شفای او ناامید شود، محکوم به مرگ است.

اوج عرفانی شامانیسم، توانایی دیدن رؤیاست که در حال جذبه صورت می گیرد و همه مکاشفات و استفاده از نیروهای اثرگذار در طبیعت، در رؤیا دیدن است. کارلوس کاستاندا، از قول دون خوان، شامان معروف معاصر، مقدمات آمادگی برای رؤیا دیدن را چنین بیان کرده است.

یک ـ خود را از هیچ چیز برتر ندیدن؛

دو ـ قطع وابستگی از همه تعلقات از نام و نسب تا خانه و کار و اندوخته؛

سه ـ تمرین رؤیا دیدن؛(۳)

چهار ـ استفاده از مواد توهم زا مانند مسکالیتو(۴) یا پیوتل(۵) که در میان بومیان امریکا رواج دارد؛

پنج ـ توقف در دنیا.

ب) تائوئیسم

ب) تائوئیسم(۶)

مردان چین و ژاپن، طبیعت را مرکز توجه قرار داده اند. به همین دلیل، علاقه به جهان و دل بستگی به حیات و ادامه زندگانی، هدف و مقصود نهایی آنهاست. دگرگونی و ناپایداری عالم طبیعت، نخستین حکم تائوئیست است. لائوترو این اندیشه را پی ریزی کرد که حقیقت، دو سوی متضاد دارد: روز و شب؛ فصل گرم و سرد؛ شکوفایی و پژمردگی؛ جوانی و پیری و مانند آن. او کتابی به نام تائوته چینگ به معنای خاصیت تائو دارد. این کتاب با این جمله آغاز می شود: «تائو که بتوان از آن سخن گفت، تائو جاودانی نیست. نامی که بتوان نامید، نام جاودانی نیست». حقیقت تائو، وحدت همه اشیا است که با عقل فهمیده نمی شود.(۷)

بنابراین، تائو مرتبه ای است که همه در آنجا وحدت دارند و انسان در صورت درک این وحدت با تائو، آن را در این مرتبه می فهمد و بعد یک، دو می شود و تائو به صورت پیوند میان یانگ جلوه می کند. ایزوتسو، درباره این دو مرحله می گوید: «این مرحله ای است که اشیا در آن، به لحاظ ذات، قابل تمایز نیستند و این با وجود آن است که ایشان با هم متفاوت و از هم متمایز هستند».(۸)

۱- آشنایی با تاریخ ادیان، ص ۲۲.

۲- داریوش شایگان، ادیان و مکتب های فلسفی هند، انتشارات امیرکبیر، ج۲، ص ۱۰۷..

۳- داریوش شایگان، ادیان و مکتب های فلسفی هند، انتشارات امیرکبیر، ج۲، صص ۱۲۸ و ۱۲۹.

۴- Mosculito.

۵- .. Peyotl.

۶- نک: جهان مذهبی ادیان در جوامع امروز، ج ۱.

۷- نک: چوجای و وینبرگ جای، تاریخ فلسفه چین، ترجمه: علی پاشایی، نشر گفتار، ص۱۱۲.

۸- چوجای و وینبرگ جای، تاریخ فلسفه چین، ترجمه: علی پاشایی، نشر گفتار، ص ۳۴۴.

برای قرار گرفتن تائو، چند مرحله لازم است؛ ترک دانش و آن نوع از شناخت که از نظر لائوتزو اشتباه است که همان کار تمییزدهی و تمایزگذاری عقل است.(۱)

لائوتز معتقد است: «انسان مقدس، تمرکز خود را در باطن قرار می دهد»(۲) و «نهاد انسان، شاد است، ولی می کوشد سرنوشت خویش را به فرمان آورد و به رنج افکند».

ج) بودیسم

اشاره

بودا با دیدن پیری و بیماری و مرگ در انسان، به تأمل نشست تا به روشن شدگی رسید و حکمت معنوی خود را براساس تحلیل سه ویژگی هستی و چهار حقیقت شریف پایه گذاری کرد. هستی، سه ویژگی اساسی دارد: انیتنا: ناپایداری؛ دوکا: رنج و اناتمن: پوچی.(۳)

در این هستی شناسی، چهار حقیقت اساسی هست:

یک _ در هرجا رنج وجود دارد.

دو _ رنج می تواند به زنجیره علت های دوازده گانه «دارما» بازگردد.

سه _ توقف رنج، امکان پذیر است و با نابودی دارما می توان به «نیروانا» رسید.

چهار _ راه های هشت گانه ای برای از بین بردن دارما و «دوکا» وجود دارد.(۴)

اولین مرحله در هستی شناسی این مکتب، شناسایی خدا در سنّت بودایی است.(۵)

عرفان بودا دارای مراحلی است که عبارتند از:

یک _ دارما

دارما، محور و اساس کلی حکمت بودایی است و حقایق چهارگانه بر محور آن شکل گرفته است. رنج، نتیجه تمایل به چیزهایی است که از دسترس ما بیرون است و این جهان کثرت ها، جهان تغییر و دگرگونی دائم است. از این جهان، ناکامی پیدا می شود و از ناکامی نیز رنج.(۶)

رادا کریشنان درباره تولد چنین می گوید: (۷)

۱- صوفیسم و تائوئیسم، ص ۳۵۵.

۲- صوفیسم و تائوئیسم، ص ۳۵۸.

۳- هوکنیز بردلی، آیین بودا، مترجم: محمدرضا بدیعی، انتشارات امیرکبیر، صص ۶۳ و ۶۴؛ نک: تاریخ فلسفه چین، تهران، نشر گفتار.

۴- جهان مذهبی ادیان در جوامع امروز، ج ۱، صص ۳۳۳ و ۳۳۴.

۵- نک: ویلیام چیتیک، راه عرفانی عشق، تهران، نشر پیکان؛ در نشریه اخبار ادیان، شهریور و مهر ۱۳۸۴، ش ۱۵، مقاله ای دراین باره آمده است. این مقاله، اساس شناخت عرفان بودایی است. کیت وارد، از الهی دانان و فیلسوفان برجسته دین، عضو هیئت علمی کالج ترینیتی هال[۵] دانشگاه کمبریج، رئیس این کالج و استاد تاریخ و فلسفه دین در دانشگاه لندن است که به مقام انتصاب الهیات در دانشگاه آکسفورد رسیده و در این مقام باقی مانده است. او کشیش کلیسای جامع، مرسوم به کلیسای مسیح است. برخی از آثار او عبارتند از: تصورات گونه گون از موجود سرمدی (Images of Eternir)، خدا، تصادف، ضرورت (god, chance and necessity)، در دفاع از نفس (Religion and Revelation)، دین و خلقت (Religion and creation)، و دین و طبیعت آدمی Religion and Human nature)).

۶- ب ل سوزوکی، راه بودا، ترجمه: علی پاشاهی، نشر معاصر، ص ۴۳ و انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۶۱.

۷- ب ل سوزوکی، راه بودا، ترجمه: علی پاشاهی، نشر معاصر، ص ۴۳ و انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۵۸.

حلقه متصل کننده زندگی گذشته و حال، دانستگی مبهم معطوف به کثرت یا انگیزه تجسد در رحم مادر است که ماهیت آن، آشکارا در گرو خواهش ها یا کردار آخرین تجسد است.(۱)

دو _ یرکیا (فراشناخت)

کسی که دارما را بفهمد، به آگاهی برتر که کشف پوچی و ناپایداری جهان و رنج حاصل از نادانی است، خواهد رسید.(۲) اگر کسی کم بودن را بفهمد و هرچه را که در عالم هست، پوچ و ناپایدار و فانی ببیند، به فراشناخت رسیده و از زنجیره دارما و چرخه تناسخ و تولدهای مجدد سمساره رها شده است.

برای رسیدن به یرکیا و رهایی از دارما، هشت راه رهایی معرفی می شود:(۳) دیدگاه درست؛ قصد درست؛ سخن درست؛ اعمال درست؛ امرار معاش درست؛ کوشش درست؛ توجه درست؛ تمرکز درست.(۴)

د) عرفان هندوییسم

هندوییسم، طیف گسترده ای از عقاید و آیین ها را دربرمی گیرد که یافتن اصول مشترک آنها آسان نیست، ولی به طور کلی، فرقه هندوییسم بر چهار پایه اساسی استوار است.

یک _ کارما؛ انسان از زندگی های مکرر برخوردار است، به گونه ای که اعمال حیات پیشین و چگونگی زندگی پس از آن را رقم می زند؛

دو _ موکشا؛ به معنای رهایی از رنج برآمده از پدیدارهای گذرا و متکثر هستی؛

سه _ اعتقاد به وجود گوهر ثابت که پرام آتمن، پوروشه، جیوه و برهمن نامیده می شود؛

هدف کوشش های معنوی و سلوک عرفانی هندوییسم، رهایی از رنج و زندگی مجدد در این جهان و تناسخ است. برهمن و آتمن، دو واژه مقدس اولیه آیین هندوست. این واژه، در متون مقدس اولیه هندو؛ یعنی وداها به معنای دعا یا گفتار بوده، ولی در اوپانیشاد که متن اساسی عرفان هندویی است، به معنای اساس جهان، سرچشمه تمام وجود یا آنچه جهان از آن برآمده، به کار رفته است. در اوپانیشاد تلاش شده است تا شناخت این حقیقت یکتا، عامل رهایی بخش و آزادکننده انسان معرفی شود. در شور تاشوره از اوپانیشاد می خوانیم:

به واسطه معرفت برهمن، تمام قیود به دور افتاده، چون اضطراب از بین رود، تولد و مرگ هم از بین می رود.(۵)

در کنار واژه برهمن، کلمه آتمن قرار دارد. به تعبیر راداکریشنان، این دو، ستون تمام فلسفه هندی است.(۶) آتمن به معنای نفس انسان است که با برهمن یکی انگاشته می شود و در حقیقت، انسان، برای رهایی از چرخه سمساره و رنج و زندگی، باید خود را بشناسد و خدای او همانا خدای واحد یا برهمن است.

آنچه موجب شـده چهره ساگونه برهمن ـ آتمن، مانع درک تمام حقیقت آن شود، طلسم مایا(۷) به معنای فریب است. همین مایا موجب می شود انسان ها گرفتار چرخه تناسخ شوند و نتوانند با شناخت برهمن آتمن، به موکشا

۱- راداکریشنان سروپالی، تاریخ فلسفه شرق و غرب، مترجم: خسرو جهانداری، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۶۱.

۲- راه بودا، ص ۶۶.

۳- آشنایی با تاریخ ادیان، ص ۷۱.

۴- آشنایی با تاریخ ادیان، ص ۷۱؛ تاریخ فلسفه شرق و غرب، ص ۵۲.

۵- فرید هلمی هاردی، ادیان آسیا، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۲۴.

۶- عبدالعظیم رضایی، تاریخ ادیان جهان، انتشارات علمی تهران، ج ۲، ص ۵۲.

۷- Maya.

برسند. راه رهایی از این گریز را باید در این راه حل یافت: «چون همه آرزوهایی که در دل آدمی جای دارند، از میان بروند، آنگاه فانی جاودانه می شود و انسان به برهمن نائل می شود».(۱)

ه_) عرفان مسیحی

در تعالیم مسیح آمده است که حضرت عیسی(ع) به عنوان اصلاحگر یهودیت در میان قوم بنی اسرائیل برخاست. ازاین رو، کتاب تورات، برای مسیحیان مقدس بوده و به همراه انجیل، کتاب مقدس آنان را تشکیل می دهد. بسیاری از عقاید و آیین های یهودی، در آن زمان، با آموزه های حضرت مسیح(ع) شکل گرفت، از جمله توحید که برای بررسی سیر غایت در دین به کار می آید. با این حال، به گمان مسیحیان، پس از مصلوب شدن مسیح، توحید مسیحی در چهره تثلیث تبیین شد که برای درک غایت سیر عرفانی، ناگزیر از فهم توحید در تثلیث هستیم.

مسیحیان مانند یهودیان(۲) و مسلمانان، به خداوند یکتا و آفریننده زمین و آسمان که در تورات پدر نامیده می شود، معتقدند.(۳) به گمان مسیحیان، پس از مصلوب شدن و رستاخیز عیسی، عقیده ای مبنی بر تثلیث، با توحید آمیخته شد که بیان می کرد خدای پدر که خالق آسمان و زمین است و روح القدس با عیسی مسیح، خدای پسر، هر سه خدای یکتا هستند.(۴)

دانیل سیوبوتیا، مستندترین تقریر تثلیث به کتاب مقدس را بیان کرده است. به گفته وی خدا، یکی است، ولی «سه شخصی» یا «اقنوم»، با ذات تمایز دارد که در رسیدن به غایت سیر عرفانی، این گروه تثلیث گره گشاست.(۵) سیر عرفانی مسیحیت برای رسیدن به اتحاد خداست؛ البته با ملاحظه تثلیث، چنان که قدیس برنارد، چهار مرحله برای عروج به سوی خدا برشمرده است. پس ما نمی توانیم با او متحد باشیم، ولی این اتحاد از طریق واسطه امکان پذیر است. تنها عشق، راه حل طیّ این مراحل است.

در مسیحیت، اعتقاد بر این است که گناه نخستین آدم، سبب شد نسل او به طور ذاتی آلوده شود.(۶) همه انسان ها گناهکار متولد شوند. براساس این ظن و گمان، معتقدند انسان ها با برخورداری از اراده و اختیار، به سوء اختیار دچار می شوند.

خانم هادیوچ، از عارفان مسیحی، درباره اتحاد می نویسد:

حلاوت خارق العاده ای است که در آن، عاشق و معشوق، هرکدام در دیگری سکنا گزیده اند و آن قدر در هم حلول کرده اند که هیچ کدام نمی توانند خود را از دیگری بازیابند... . آن دو یک چیزند که با هم آمیخته اند، ولی دو نفس متمایزند.(۷)

ص:۶۱

۱- کدارنات تیولری، دین شناسی، ترجمه: مرضیه شنکایی، انتشارات سمت، صص ۱۹ _ ۵۰.

۲- توماس میشاء، کلام مسیحی، مترجم: توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ص ۶۵؛ تورات، اشعیاء ۴۵_۷، تثنیه ۴_۳۵، اشعیاء ۴۵_۶ و ایوب ۱۲_۱۶.

۳- دانیل سیوبوتیا، تثلیث، (مقدمه ای بر شناخت مسیحیت)، ترجمه: همایون همتی، انتشارات نقش جهان، ص ۱۲۶.

۴- قاسم کاکایی، وحدت وجود به روایت ابن عربی و اکهارت، انتشارات هرمسی، ص ۱۴۰.

۵- تثلیت، ص ۷۷.

۶- هوژن پدرنورگارد، گناه از دیدگاه مسیحیت، ترجمه: همایون همتی، مقدمه‌ای بر شناخت مسیحیت، انتشارات نقش جهان، ص ۸۸.

۷- مرضیه شنکایی، بررسی تطبیقی اسماء الهی، انتشارات سروش، ص ۲۵۹؛ وحدت به روایت ابن عربی و اکهارت، ص ۶۱۳.

به نظر می رسد مسیحیان بر اثر اشتباهی تاریخی، دچار انحراف عقاید شدند و به آموزه ای غیر عقل ناپذیر؛ یعنی «توحید ـ تثلیث» اعتقاد پیدا کردند.(۱) البته عده ای از مسیحیان این عقیده را انکار می کنند و آرای گوناگونی در این زمینه دارند. غایت عرفان مسیحی به عشق می انجامد و عشق به مردم که به همدردی و کمک به محرومان و ضعفا می انجامد، در دنیای ستم زده و سیاه بخت امروز، بسیار جلوه کرده و در افریقا، نهضت های معنویت گرای مسیحی رواج بسیاری یافته است.

و) کنفوسیوس

از دیگر آیین ها و عرفان های وارداتی، عرفان و آیین کنفوسیوس است. به تازگی، کتابی با عنوان مقدمه ای بر آیین کنفوسیوس، نوشته دکتر سین جونگ یاتو به بازار آمده است. در این کتاب، آیین کنفوسیوس، سنّتی زنده معرفی شده است که جنبه های مختلفی دارد. دراین باره، هم نظریه های سنّتی مکاتب به همراه شعایر و مکان های مقدس و اصطلاحات معرفی شده است و هم به تغییر و تحولات و سازگاری این آیین با شرایط و جوامع مختلف می پردازد.

ز) آیین عرفانی بودای ژاپنی

اشاره

منظور از آیین بودای ژاپنی و آیین عرفانی آنان، کل آیین بودا، اعم از آیین بودای اولیه، هینه یانه، مهایانه و تتره یانه نیست. آیین بودایی ژاپنی، سنّتی است که از چین و کره به ژاپن راه یافته است؛ یعنی سنّت مهایانه. مهایانه نیز فرقه ها و مکتب های بسیاری دارد که تنها بخشی از آن به درون فرهنگ ژاپنی راه یافته است.

دین در ژاپن چند مرحله را پشت سر گذاشته است:

یک ـ دوره کاماکورا

دوره کاماکورا را اوج شکل گیری آیین بودا در ژاپن دانسته اند.

دو ـ دوره توکو گاوا

دوره توکو گاوا، دوره قدرت بی نظیر آیین بودا در ژاپن است که پیروزی آن در سطح سیاسی به رکود و رخوت این آیین انجامید. هرچند در دوره شین تو، دین حکومتی شد، نظام کهن همچنان حامی بسیاری از ژاپنی ها با معابد خانوادگی بود.

در دوره توکو گاوا، تعداد معبدهای بودایی افزایش یافت و نظام دانکا نیز سبب شد معبدها دیگر هیچ نگرانی مالی نداشته باشند.

۱- برای نقـد عرفان مسـیحیت نک: ـ جان نیزبیت و یاتریشـیا، دنیای ۲۰۰۰، ترجمه: ناصـر موفقیان، نشر نی، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۴۱۹. ـ سـید حیـدر آملی، جامع‌الاسـرار و منبع‌الانوار، فرانسه، انتشارات علمی و فرهنگی و انجمن ایران شناسـی، ۱۳۶۸، چ ۲، ص ۸۲. ـ سید حیدر آملی، المحیط الاعظم البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم، النشر المهد الثقاقی نور علی نور، الطبعـه الثـالثه، الجلـد الثـالث، ۱۳۸۰. ـ سـید محمدحسـین طباطبـایی، المیزان فی تفسـیر القرآن، بیروت، مؤسـسه الاـعلمی للمطبوعـات، ۱۴۱۷ هـ . ق، چ ۱، صـص ۹۲ و ۹۳. ـ کمـال الـدین عبـدالرزق کاشـانی، شـرح منـازل السـائرین، بیروت، دارالمجتبی، ۱۴۱۵ هـ . ق، چ۱. ـ ابوعلی حسن بن احمـد عثمـانی، رساله قشـیریه، تصـحیح: بـدیع الزمان فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، چ ۷، صص ۱۰ و ۱۱.

سه ـ دوره می جی

دوره می جی، آیین امپراتوری کهن را احیا کرد و شکل ملی گرایانه شین تو، دین رسمی و ایدئولوژی حکومت شد. در این زمان، آیین بودا سرکوب شد و دیگر اثری از حمایت مردمی در آن دیده نشد.

۶. تفسیر اکسپرسیونیسم و شهود عرفانی از منابع دینی

دیگر آسیب فراوری عرفان اسلامی در ایران، نوعی تفسیر اکسپرسیونیسم و شهود عرفانی از منابع دینی است. اکسپرسیونیسم از مکاتب هنری است که در آغاز قرن بیستم، جنبشی توانمند در نگارگری، پیکرتراشی، ادبیات، نمایش و سینما پدید آورد. این مکتب، در حقیقت، قیام دلیرانه برخی هنرمندان آن روزگار در برابر جزئی نگری وسواس آمیز امپرسیونیسم و طبیعت مقلدانه ناتورالیسم بود.

اگر از بحث های داغ جبه های اکسیون و اشتورم بگذریم و در پی درک حقیقت، لگام خرد را به گواهان گونا گون در گستره ادبیات نگار گری و نمایش بسپاریم، نیک درمی یابیم که به قول والدن، اکسپرسیونیسم، نه هوس است و نه جنبش؛ اکسپرسیونیسم یک جهان بینی است. این جهان بینی بیش از هرچیز به در هم شکستن پوسته اشیا و بررسی گوهرها می اندیشد. هنرمند اکسپرسیونیست، در پی ترسیم طبیعت نیست و بر پایه رمانتیسم، احساس، تصور، تخیل و عشق عمل نمی کند، بلکه در پی حقایق نابی است که در پشت پرده رنگارنگ اشیای ریز و درشت پیرامون ما پنهان شده اند.

این جهان بینی، به هنرمند می آموزد که از طبیعت دست بردارد و حصارهای منطق، خرد و علّیت را فرو ریزد و به آنچه مردم عادی نمی بینند، خیره شود. ناگفته پیداست که این آموزه، به دیکتاتوری ذهن می انجامد، ولی اکسپرسیونیست ها این را نقطه قوّت جهان بینی خود می شمارند و در دیدگاه آنان، گذشتن از دیوار واقعیت های دروغین و بیرون کشیدن حقایق از دل اشیا، تنها از ذهن برمی آید.(۱)

۷. توجه نکردن به انسان شناسی عرفانی و انسان کامل با رویکرد اهل بیت(ع)

دیگر آسیب فراوری عرفان اسلامی در ایران، توجه نکردن به انسان شناسی عرفانی و انسان کامل با رویکرد اهل بیت(ع) است. در قلمرو گسترده دانش و آگاهی انسان، وی و هستی ممتاز و ناشناخته اش، همواره مورد بحث و توجه بسیاری از اندیشمندان بوده است، ولی از آنجا که هریک، از جنبه های خاصی به انسان نگریسته اند، درحقیقت، گوشه هایی از دنیای پهناور و ابعاد پیچیده شخصیت وی را از دیدگاه خود توصیف کرده اند. عده ای از فلاسفه و علمای انسان شناسی، در تعریف انسان با تکیه بر بُعد فکری یا قوه ناطقه انسان، او را حیوان متفکر و ناطق نامیده اند.

جمله معروف دکارت: «من فکر می کنم، پس هستم»، مؤید اصالت بعد فکری انسان و یادآور باور مولانا در اهمیت اندیشه آدمی است:

ای برادر تو همان اندیشه ای

مابقی خود استخوان و ریشه ای

به عقیـده سـارتر، آدمی چیزی جز عمـل نیست.(۲) به گفته الکسـیس کـارل، انسـان، پیکری است که کالبدشـناسان آن را می شکافند؛ نفسی است که روان شناسان و روحانیون آن را توصیف می کنند؛ اجتماع شگفت انگیزی از سلول ها و

۱- عباس عبیری، اکسپرسیونیسم و شهود عرفانی، واحد پژوهش نامه هنر و اندیشه مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما.

۲- ژان پل سارتر، اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر، ترجمه: دکتر مصطفی رحیمی، تهران، انتشارات مروارید، ص ۴۹.

مایعات است که فیزیولوژیست ها درباره قوانین هم بستگی آن مطالعه می کنند؛ موجودی است که هریک از ما با درون نگری با آن برخورد می کنیم و در آخر ترکیبی از اندام ها و نفسی عاقله است که در بستر زمان کشانده می شود.(۱)

ارسطو، درباره ثنویت وجودی انسان، با استاد خود افلاطون هم عقیده است؛ با این تفاوت که روح را وابسته و جدایی ناپذیر از آن می داند و نظریه فیثاغورثی تناسخ ارواح را به ریشخند می گیرد.(۲)

از میان فلاسفه جدید دنیای غرب، دکارت نیز معتقد است انسان، مرکب دو جوهر است: یکی تن که جسم است و حقیقت آن، بُعد است و دیگری نَفس یا روح است که حقیقت آن، علم و عقل است.(۳) اهل حقیقت نیز با تأیید و تکرار این دیدگاه، بُعد جسمانی و وجودی انسان را برگرفته از عالم مُلک یا خَلق و جنبه روحانی هستی او را به عالم ملکوت یا روح وابسته می دانند؛(۴) با این توصیف و تحلیل که انسان از نظر جسمانی و بُعد طبیعی و مادی، موجودی بسیار حقیر و ناتوان است، ولی از جنبه روحانی، موجودی است توان مند و شایسته.

به تعبیر کاشانی:

انسان که به کمند عقول، وصول بدان میسر نگردد، سیمرغی است که نشیمن بر قاف عزت است و به ملواح عزب دارد. به ملواح عبارت، صید هیچ فهمی و وهمی نشود. گوهری است از قعر بحر عظمت برخاسته، به میزان قیاس تقدیر، اوصاف او ممکن نبود... . شریف تر موجود و نزدیک تر به حضرت حق است... .(۵)

ماجرای عرفانی آفرینش انسان، مفهوم عشق را در متعالی ترین مفهوم حقیقی خود؛ اتحاد عاشق و معشوق، با بیانی نغز و دل نشین و در قالب تجربه ای شهودی یا نمود و رؤیایی عارفانه حکایت می کند. به تعبیر مولوی:

پس زبان بگشاد خاک و لابه کرد

کز بـــرای حرمـــت خـــلاق فرد

ترک من گو و برو جانم ببـــخش

رو بتاب از من عنان خنگ رخش

در کشاکش های تکلیف و خـطر

بهر لله هل مـــرا، انـــدر مـــبر(۶)

به تعبیر رازی، کل اولیه وجود آدم، در وسعت لایتناهی ملکوت با آب حیات عشق سرشته می شود و مدت چهل شبانه روز یا چهل هزار سال به واسطه ید حق وَرز داده و در هر ذره ای از کل وجود او، دلی تعبیه می شود.(۷)

نسفی، این حقیقت را چنین بازگو می کند:

جوهری لطیف از نفایس خزائن عرش نهاده می شود و در نهایت ترکیب وجود آدم، همچون نسخه یا نمونه ای کوچک از عالم کبیر رقم می خورد.(۸)

جرجانی، در تفسیری می گوید:

در مقابل، روح انسانی، از جنس روح حیوانی نیست، بلکه لطیفه عالم و مدرک معقولات در وجود آدمی است.(۹)

ص:۶۴

۱- الکسیس کارل، انسان موجود ناشناخته، ترجمه: دکتر پرویز دبیری، اصفهان، انتشارات تأیید، ص ۱۵۰.

۲- برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه: نجف دریابندری، تهران، صص ۲۷۰ _ ۳۲۷.

۳- محمدعلی فروغی، سیر حکمت در اروپا، انتشارات صفی علی شاه، ج ۲، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

۴- عزیزالله نسفی، انسان کامل، تهران، انتشارات زبان و فرهنگ ایران، ص ۳۴.

۵- عزالدین محمود کاشانی، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح: جلال الدین همایی، تهران، انتشارات سنایی، ص ۹۴.

۶- جلال الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، تصحیح: دکتر محمد استعلامی، تهران، انتشارات زوار، ج ۵، بیت ۱۵۶۲.

۷- نجم الدین ابوبکر رازی، مرصاد العباد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۶۷ _ ۷۲.

۸- انسان کامل، ص ۶۴.

۹- شریف علی بن محمد جرجانی، التعریفات، بیروت، دارالکتب العلمیه، صص ۱۱۲و۲۴۳.

این همان است که مولوی می گوید:

روح با علم است و با عقل است یار

روح را با تازی و ترکی چه کار؟

اقتضای جان چو ای دل آگهی است

هرکه آگه تر بـــــود، جانــش قوی است(۱)

عین القضات نیز به بیانی دیگر تشریح می کند:

روح، نوری از نورهـای حق تعالی است و از جنس ملائکه سـماوی و متعلق به عالم علوی است و از جسم و عوارض جسـمانی مبراست و جهت پذیر و متجزی نیست.(۲)

حلیــه روح طبیعی هــم فناســت

حلیه آن جان طلب، کان بر سماست

جسم او همچون چراغی بر زمین

نــــور او بــــــالای ســــقف هفتمیــــن

رکنی یزدی در تحلیل این واقعه می نویسد:

ازهمین رو، حـج حقیقی، طواف پیرامون دل انسان مؤمن است. حرم، دوتاست: یکی حرم ظاهر و دیگری حرم باطن. مکه حرم ظاهر و دل مؤمنان، حرم باطن است. کعبه ظاهری، قبله مؤمنان و کعبه، نشانه نظر رحمان است، آن یکی، مقصـد زائران است و از دسترس اشرار و کفار در امان است و این دیگری، محل نزول انوار الوهیت و مصون از دیده و اندیشه اغیار است.(۳) و(۴)

ازاین رو، دل انسان، مهبط و منزل وحی الهی است و آنچه بر دل می گذرد، درحقیقت، الهام و وحی خداوندی است، البته این نوع وحی، در مرتبه ای نازل تر از وحی پیامبران قرار گرفته است و محدوده آن، به قدر فراخی دل، بستگی دارد.(۵)

عارفـان براسـاس مشـرب خود، الهـامی را که بر دل هـای مردمان نازل می شود، وحی می نامنـد، ولی کسانی که دایره شـمول وحی را به انبیا ختم کننـد، آنچه را از جانب حق بر قلب اولیا فرو می ریزد، وحی نمی گوینـد، بلکه از لفظ «الهام» اسـتفاده می کنند.(۶)

انسان تنها مخاطب حضـرت حق بر روی زمین و یگانه ودیعه دار گوهر گران بهای امانت در نظام هستی است و همواره درباره چیستی وجودی ودیعه حق، در ابهام و تردید به سر برده است.

به تعبیر سهروردی، در دوراهی این گزینش، گروهی به جانبداری از سلطان عشق، تنها او را در خور کسوت امانت حق می دانند و در توجیه باور خود، عشق را بنده ای خانه زاد می دانند که در شهرستان ازل پرورده شده است.(۷) عشق، این حقیقت تجربی محض و ناشناخته، از عناصر اساسی و سیر عرفانی است.

۱- مثنوی، ج ۲، باب ۵۶.

۲- ابوالمعالی عبدالله بن محمد همدانی، تمهیدات عین القضاه، تهران، کتابخانه منوچهری، ص ۱۵۰.

۳- محمدمهدی رکنی یزدی، لطایفی از قرآن کریم (برگزیده کشف‌الاسرار و عده‌الابرار)، مشهد، آستان قدس رضوی، صص ۲۴۸ و ۲۴۹.

۴- مثنوی، ج ۳، باب ۴۴ _ ۴۶.

۵- محمدحسین خطیبی بلخی، معارف بهاء ولد، تهران، انتشارات طهوری، ص ۹۷.

۶- ابوحفص سهروردی، عوارف المعارف، ترجمه: ابومنصور عبدالمؤمن اصفهانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۳، ص ۲۸۹.

۷- اسماعیل بن محمد مستملی بخاری، شرح التعرف لمذهب التصوف، تهران، انتشارات اساطیر، ج ۱، ص ۱۲۲.

عشق در عرفان اسلامی از چند جهت مطرح است، از جمله اینکه: عشق، عامل بازگشت فرع هاست به سوی اصل خویش:

یکی میل است با هر ذره رقاص

کشان هر ذره را تا مقصد خاص

افزون بر آن، عشق، پدیدآورنده برترین نوع پرستش است که جز وصول به معشوق حقیقی، هدف دیگری ندارد:

بر در تو، کم و بیش و بد و نیک و دل و جان

همه بر خاک زدم، از تو، تو را می خواهم(۱)

عطار نیز سروده است:

روی می باید به خون خویش شست

تا بود در عشق مرغ جانت چست

عاشقی در عشق اگـــر نیـــکو بـــود

خویشتن کشتن طریق او بـــود(۲)

مستملی بخاری نیز در این زمینه گفته است: «و همواره عزیزترین عطا، در گرامی ترین جایگاه نهند».(۳)

محمّدبن جریر طبری، با تأکید بر این عقیده که مراد از امانت، پیمان ازلی حق با فرزندان آدم بوده است، در تفسیر امانت می نویسد:

جایگاهی است انـدر پس کعبه، آن را وادی نعمان گویند. آدم بدان وادی اندر همی کشت. خواب بر وی افتاده بود. همان جا بر زمین نهـاد. چنـان کشت، چون نیم خفته و نیم بیـدار و خـدای عزّوجـلّ همه ذریتی خواست بود تـا قیـامت از پشت او بیرون گرفت و جبرائیل بیامد و آن ذریت به وی نمود... .(۴)

اکنون به بحث انسـان کامـل در عرفـان اسـلامی می پردازیم. از دیـدگاه عرفان اسـلامی که اساس آن بر آرمان گرایی و نوعی ایـدئالیسم مبتنی است، انسان کامل که سالکان طریق حقیقت، او را سـرمشق خود در مسیر حق می دانند و دست یابی به دامان رهبری و پایگاه معنوی اش را آرزو می کنند، به عالی ترین صفات و سجایای اخلاقی آراسته است.

این موجود که برتر از آن یافت نمی شود، همان است که فیلسوفانی حقیقت جو مانند دیو جانس، چراغ به دست به دنبال یافتن او در تکاپو بوده اند:

دی شیخ با چراغ همی کشت گرد شهر

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

گفتم: که یافت می نشود، گشته ایم م_ا

گفت: آنکه یافت نشود آنم آرزوست(۵)

این انسان در نظر صوفیه، هدف غایی آفرینش به شمار می رود و مظهر جمیع اسما و صفات خداوندی است.

انسان کامل، کسی است که در شریعت و طریقت و حقیقت، تمام باشد و چهار چیز در او به کمال رسیده باشد: اقوال نیک؛ افعال نیک؛ اخلاق نیک و معارف. این انسان برتر، به اعتبار صفت ها و ویژگی های گوناگون خود، به

۱- کشف المحجوب، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

۲- فریدالدین عطار نیشابوری، اسرارنامه، تصحیح: صادق گوهرین، تهران، انتشارات زوار، ص ۲، ب ۱۵ و ۱۶.

۳- ابوالفضل رشیدالدین میبدی، کشف‌الاسرار و عده الابرار، به اهتمام: علی‌اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۸، صص ۹۴ و ۹۵.

۴- فریدالدین عطار نیشابوری، منطق‌الطیر، تصحیح: دکتر محمدجواد مشکور، تهران، انتشارات زوار، ص ۲۳۰.

۵- مصیبت‌نامه، صص ۵۴ و ۵۵.

نام های گوناگون از جمله شیخ؛ پیشوا؛ هادی؛ مهدی؛ دانا؛ بالغ؛ کامل؛ وظیفه؛ قطب؛ صاحب زمان؛ جام جهان نما؛ آینه گیتی نما؛ تریاق کبیر؛ اکسیر اعظم؛ عیسی؛ خضر؛ و سلیمان خوانده می شود.

انسان کامل، همیشه در عالم حضور دارد و تنها یک تن است. درحقیقت، تمامی موجودات به منزله یک کالبد یا یک جسم هستند. انسان کامل، در حکم دل آن شخص است.

نسفی در تحلیلی می گوید:

و دل، زیادت از یکی نبود. پس انسان کامل، در عالم، زیادت از یکی نباشد، در عالم دانایان بسیار باشد، ولی آن که در دل عالم است، یکی بیش نبود و دیگران در مراتب باشند؛ هر یک در مرتبه ای. چون آن یگانه عالم از این عالم درگذرد، یکی به مرتبه وی رسد و جای او نشیند تا عالم، بی دل نباشد.(۱)

در دیدگاه عطار، انسان کامل یا سالک موفق هفت وادی سلوک که شایسته تسخیر قُلَل فضیلت و دستیابی به سیمرغ قاف در کمال باشد، دارای ویژگی های روحی و درونی زیر است:

هـرچه دارد پـاک در بازد بـه نقد

وز وصال دوسـت می نـازد بـــه نقـد

سِـرّ ذراتش همـــه روشـــن بـــود

گلخن دنیـــا بـــر او گلشـــن بـــود

مغـز بینند از درون، نی پوست را

خود نبینـــد ذره ای جـــز دوست را

افزون بر این، انسان آرمانی مطرح شده در عرفان اسلامی باید نشانه هایی از اوج بلوغ فکری و اخلاقی مانند علم؛ اعتقاد؛ اخلاق؛ عقل؛ شجاعت؛ عفت؛ علو همت؛ شفقت؛ حلم؛ عفو؛ حسن خلق؛ ایثار؛ کرم؛ توکل؛ تسلیم؛ رضای به قضا؛ وقار، سکونت؛ ثبات؛ و هیبت را در خود جمع داشته باشد.

۸. گسترش مکتب های عرفانی کاذب

اشاره

هفتمین آسیب فراروی عرفان اسلامی، گسترش مکتب های عرفانی کاذب است. مدتی است فرقه ها و نحله هایی در کشور ما رواج پیدا کرده است که در ابتدا با شعار آرامش بخشی و اتصال به حقیقت عشق برای انسان معاصر ترویج می شود. این فرقه

ها با برگزاری کلاس ها و برنامه های منسجم در برخی شهرها با استقبال مردم روبه رو شده اند. در این بخش، به بررسی برخی از آنها می پردازیم:

یک _ مکتب اوشو

سخنرانی های اوشو برای مریدان و پیروانش در بیش از ششصد و پنجاه جلد کتاب، گردآوری و به بیش از ۳۰ زبان دنیا ترجمه شده است. اوشو یک نویسنده به معنای رایج نبود و شخصاً هیچ کتابی ننوشته است. کتاب های منتشر شده به نام اوشو، در واقع، مجموعه ای از سخنرانی ها وی هستند. کتاب های اوشو از پرفروش ترین ها در هند به شمار می آید. سالانه بیش از یک میلیون نسخه از کتاب ها و نوارهای وی به فروش می رسد و صدها سایت در تبلیغ اوشو و مکتبش ایجاد شده است.

فرقه های جدید معنویت گرا از یک جهت به دو دسته تقسیم می شوند: بعضی از این گروه های معنویت گرا و فرقه های نوپدید منشأ وحیانی دارند و بعضی هم منشأ وحیانی ندارند. البته گاهی ادعا می کنند که از منابع دینی ادیانی مثل اسلام و مسیحیت، یهود و ادیان دیگر بهره برده اند.

ص:۶۷

۱- نسفی، الانسان کامل،ص ۸۸.

بعضـی از این فرقه های جدیـد منشأ وحیانی ندارند؛ یعنی خودشان هم چنین ادعایی نمی کنند. در این فرقه ها گرایش الحادی نیز به چشم می خورد و مخالفت با دین خدا و الحاد را صریح مطرح می کنند، مانند شیطان پرست ها که ادعای معنویت دارند و هم ادعای ضدیت با مسیحیت؛ بعضی از این جریان های نوپدید که منشأ وحیانی ندارند، الحادی نیستند، ولی از خدا و معاد و به تعبیری، تناسخ دم می زنند. بیشتر این جریان های معنویت گرا، منشأ شرقی دارند، مانند مهر بابا، سام بابا، اوشو، تسلیها.

مکتب اوشو، فرقه نوپدیـد معنویت گرایی است که منشـأ وحیـانی نـدارد و در ظـاهر نیز بـا خـدا و حیـات پس از مرگ سـتیزی ندارد. با دقت و بررسی اوشو به این نتیجه می رسیم که عرفان این مکتب با اسلام و ادیان آسمانی تضاد دارد.

پایه های نظام عرفانی اوشو بر سه محور اساسی است:

اول ـ آرامش و سکون؛

دوم ـ جشن و شادی؛

سوم ـ عرفان، عشق و سکس.

برخلاف بیشتر ادیان و از جمله جنبش های دینی نوپدید که نسبت به روابط جنسـی یا بی اعتنایند یا با آن دشمن هستند، اوشو در عرفان خود آموزشـی می دهـد که روابط جنسـی، قدرتمنـدترین انرژی طبیعی است و سه سـطح دارد. با روش زیستی پیش آفرینش حیوانی آغاز شده و به منبع لذت و صمیمیت انسان و سرانجام وسیله ای برای خود رستگاری الهی است.

او بر توانایی زنان به دلیل استعدادشان برای رسیدن به اوج لذت جنسی، به طور متوالی برای تبدیل شدن به متخصص تانتریک و رسیدن به روشنایی و ارائه مجموعه ای از تکنیک ها برای رسیدن به هدف تأکید می کند.

اگر تمام عبارات، سـخنرانی ها و کتاب های اوشو را با موضوعیت سـکس جمع آوری کنیم و بـدون در نظر گرفتن نام اوشو و موقعیت به ظاهر عرفانی او قضاوت کنیم، خواهیم دیـد که این سـخنان متعلق به یک شـهوت ران افراطی است و اگر مهم ترین هدف از راه اندازی مدرسه خویش را سـکس قرار نداده، دست کم یکی از اهداف اساسی وی، پرداختن به سکس بدون هیچ مانعی است.

اوشو رابطه پسـر و دختر را به راحتی اجـازه می دهـد و اساسـاً این رابطه را یکی از مراقبه هـا راه های رسـیدن به آن نانتری می دانـد. در نظر او، تاونتاریـک شـدن به همین هست که زن و مرد بـاهم ارتبـاط داشـته باشـند... در مجـالس ایشان، زن و مرد به صورت مختلط مشـغول انجام مدیتیشن هسـتند. دیدگاه اوشو درباره عشق، متأثر از دیدگاه فروید و تا حدودی از شاگرد فروید یعنی یونـگ است. او روان کـاوی فرویـد و یونگ را می پسـندد؛ و به ویژه سـخن فرویـد بر او تأثیر زیادی داشـته است. بر این اساس، وقتی از عشق سخن می گوید، منظور، عشق مجازی و رابطه زن و مرد است.

دو ـ اکنکار: مکتب نور و صوت

از جمله عرفان های نوظهور است و در یکی از کتاب های اکنکار آمده است:

هدف اصلی ما قادر ساختن روح است به ترک کالبد و سفر آن به دنیاهای معنوی ماوراء و عاقبت رسیدن به هدف غائی است.(۱)

۱- مانند یک آسمان، ترجمه: مرضیه شنگاین، ص ۷۳.

کلیدواژه های این عرفان عبارتند از:

اول ــ آراهاتا: معلمی که با تجربه شایستگی لازم در جهت اداره کلاس های اکنکار را دارد.

دوم ــ اک: جریان حیات بخش که موجب بقاء زندگی می شود.

سوم ــ اکنکار: طریقت نور و صوت الهی که به عنوان دانش باستانی سفر روح نیز شناخته می شود.

چهارم ــ اساتیداک: اساتیدی معنوی که قادرند جویندگان را در مسیر مطالعات و سفر علمی معنوی خود راهنمایی کنند.

پنجم ــ هیو: نام و اسرار کهن برای خداوند. آوازی عاشقانه برای خداوند که برای اکنکار کاملا آشنا است.

اعتقادات اصلی اکنکار

اول ــ روح، ابدی و هویت حقیقی فرد است؛

دوم ــ روح در سفر خود برای شناخت خود و خداست.

این نکته قابل توجه است که ده ها سایت درباره اکنکار وجود دارد و کتاب های فارسی زیادی نیز درباره او موجود است.(۱)

اکنون نزدیک به چهارهزار مکتب و فرقه عرفانی و معنوی در غرب وجود دارد که در نگاهشان، هرچیز که به نوعی فرصت رهایی از چارچوب های جامعه مدرن و روگردانی از هنجارهای تمدن مادی و سرمایه داری را فراهم کند، معنویت شناخته می شود.

نظریه پردازان معنویت هایی نوظهور نظیر اوشو و کوئیلو، عشقی هوسناک و شهوت آلوده را پیشنهاد می کنند. فطرت انسانی ما تشنه عظمت، شکوه و جلال و تجربه و هیبت و خشیت در برابر آن است، ولی مرلین مسنون پاسخ آن را با کلیپ ها و موسیقی هولناک بلکه مثال می دهد. ماشیدای پرستیدن هستیم، ولی سای بابا خود را خدای پرستیدن و خالق هستی معرفی می کند.

متأسفانه چنین عرفانهایی در این مرزو و بوم رسوخ کرده است و جوانان از طریق اینترنت یا کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده است، جذب گروه های مختلف این نوع عرفان ها می شوند.

از مهم ترین دلایل رواج این عرفان ها در این مرز و بوم آن است که ما مدل زندگی خود را از غرب وارد می کنیم و به راحتی معنویت غرب را می پذیریم. از طرفی دیگر، ما هیچ وقت تأثیر عرفان را در شادزیستن بیان نکرده ایم. به همین دلیل، عرفان های دروغین توانسته اند جای عرفان راستین را در برقراری خلاقیت، اخلاق شادزیستن و اخلاق موفقیت بگیرند؛ زیرا ظرفیت شادی در عرفان بسیار بالاست.

در اخلاق و معنویت و عرفانی که تاکنون داشته ایم، نگاه و رویکرد، پیامدگرایانه ای که بتوانیم پیامدهای مثبت اخلاقی زیستن، معنوی زیستن و حتی سبز زندگی کردن را معرفی کنیم، وجود نداشته و بیشتر نگاه ما وظیفه گروانه و تکلیف گروانه است.

ص:۶۹

۱- برای اطلاع بیشتر به منابع ذیل رجوع شود: ۱. مانند فقط یک آسمان ترجمه: مرضیه شتکابری؛ ۲. عشق، رقم، زندگی، ترجمه: فرشید قهرمان؛ ۳. آنگاه نبودم ترجمه: سیروس سعدوندیان؛ ۴. الماس های اوشو، ترجمه: مرجان فرجی؛ ۵. تانتارا، ترجمه: فرشید جنیدی، ۶. راز بزرگ روان کهریز. زوربار بودایی؛ ۷. تفسیر آواهای شاهانه، ترجمه: هما ارژنگی؛ ۸. زبان فرشتگان، ترجمه: مسیحا برزگر، ۹. شورش، ترجمه: عبدالعلی براتی و....

در بخش عرفان نظری هم بسیار پیچیده و پراصطلاح سخن گفته و کمتر توانسته ایم در قالب زمان و متون ساده تر، برای سطوح مختلف، محصولات فرهنگی تولید کنیم. گذشته از این، اساساً نگاهمان به عرفان، نوعی نگاه رازدارانه و با سرمشق بوده است.

فصل چهارم: راهکارهای نهادینه شدن عرفان اسلامی

اشاره

عرفان ایرانی از تاریخی غنی برخوردار است و از متون سرشار از معرفت نیز بهره برده است، ولی مانند دیگر پدیده های فکری با ارتباط و برخورد با آرا و عقاید عرفانی گوناگون، استوار تر و بالنده تر خواهد شد. گفت وگو و بحث و استدلال، عرفان را قوی و بارور می سازد. امروز اگر عرفان اسلامی که براساس عرفان نظری و عملی بنا شده است، اقدامی نکند و با سلاح اندیشه به میدان مقابله با افکار گوناگونی نرود که لباس عرفان به تن کرده اند، چه بسیار حقیقت خواهانی که به دلیل نداشتن میزانی در تشخیص سره از ناسره، به دام آنها خواهند افتاد. خوشبختانه، انسان امروز به سرگردانی خود پی برده و به دنبال راهی برای رسیدن به گم شده خویش است و با تجربه دریافته است که گم شده خود را در عرفان اسلامی و دیگر رشته های مربوط به فلسفه می یابد.

امروزه، فرصت نشر اندیشه های متعالی عرفانی و دیگر علوم فراهم است و از این رهگذر می توانیم عرفان متعالی و برتر را برای جهان امروز به ارمغان آوریم و با تبادل اندیشه و گفت وگو، به نقاط ضعف و موانع آن پی ببریم. در نتیجه به انسان منحرف از مسیر فطری و اصلی یاری رسانیم تا به راه امن و راست بازگردد.

در چند دهه گذشته فیلسوفان دین و دین شناسان غربی، بخش اصلی تلاش های خود را صرف بررسی شرایط معرفت شناختی تجربه عرفانی کرده اند. به نظر می رسد این ویژگی گوهری تجربه عرفانی می تواند زمینه ای بسیار مناسب برای اثبات ادعای یکسان بودن عرفان ها فراهم سازد. بسط این مدعا، در این مجال ممکن نیست، ولی چشم پوشی و نادیده گرفتن آن نیز نشان از ناتوانی ناقدان ساخت گرا در تبیین این ویژگی است؛ ویژگی ای که بیش از هر ویژگی دیگر درباره تجربه عرفانی در میان انواع ادیان و سنن عرفانی، گستردگی کثرت دارد.

براساس نامه شماره ۲۲۷۲ ا/م، مورخ ۴/۱۲/۸۳ ، دفتر مقام معظم رهبری درباره بروز و ظهور افراد، تشکل ها و انجمن های انحرافی، در پوشش مسائل عرفانی و معنوی و جذب جوانان کشور به این تشکل ها و نیز براساس تصمیم چهارصد و هشتمین جلسه مورخ ۱۱/۱۲/۸۳ شورای فرهنگ عمومی، کمیته ای به منظور بررسی این پدیده با ریاست حجت الاسلام دکتر سید مهدی خاموشی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی تشکیل شد. در این کمیته، نمایندگان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی؛ وزارت کشور؛ سازمان صداوسیما؛ وزارت اطلاعات؛ نیروی انتظامی؛ قوه قضاییه؛ شهرداری؛ دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ شورای فرهنگی _ اجتماعی زنان؛ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات؛ حوزه علمیه قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی قم و مرکز رسیدگی به امور مساجد در دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، حضور داشتند.

در یازده جلسه، مباحثی در قالب های گوناگون مانند کتاب، فیلم و تئاتر، موسیقی، ورزش، مطبوعات، اینترنت، تشکل ها و

هیئت های مذهبی، با حضور مسئولان این حوزه ها و نمایندگان دستگاه های عضو کمیته، مطرح و مطالب

ص:۷۰

موردنظر، در سه بخش مقدمه، علل و عوامل رشد تشکل ها و انجمن های انحرافی و راهکارهای عام و راهکارهای خاص پیشنهاد شد. اکنون به مصوبه راهکارهای جلوگیری از بروز و ظهور افراد، تشکل ها و انجمن های انحرافی با پوشش مسائل عرفانی و معنوی (مصوب جلسه ۴۲۷ مورخ ۱۳/۱۰/۸۴ شورای فرهنگ عمومی) می پردازیم.

۱. علل و عوامل رشد تشکل ها و انجمن های انحرافی

الف) دوری تبلیغات از حکمت و اندیشه ورزی و دخالت خرافات و بدعت ها در حوزه دین؛

ب) خلأ قانونی و مشخص نبودن حد و مرز فعالیت این گروه ها؛

ج) نبود انسجام و هماهنگی برای برخورد کارشناسانه و قانونی با این تشکل ها؛

د) نابسامانی و مشکلات اجتماعی و فرهنگی و فشارهای روحی و روانی افراد در جامعه؛

هـ) عوامل سیاسی و تاریخی؛

و) بدعت در مناسک دینی و عزاداری های مذهبی؛

ز) رواج برخی ورزش های خاص در جامعه مانند یوگا؛

ح) رواج رفتارهای گناه آلود و نابهنجار در جامعه؛

ط) گسترش تکنولوژی و سرویس های اطلاع رسانی و دسترسی آسان به اطلاعات این تشکل ها؛

ی) افزایش فعالیت فرقه های وارداتی و نوین معنویت گرا؛

با توجه به علل رشد این گونه فرقه ها در جامعه و براساس مباحث مطرح شده در حوزه های گوناگون، وظایف دستگاه های ذیربط، در دو محور عام و خاص شرح و بررسی شد.

۲. راهکارهای عام مبارزه با عرفان انحرافی

الف) همه دستگاه های ذیربط دراین باره، مانند سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما با همکاری نهادها و مراکز زیرمجموعه خود، برای جلوگیری از گسترش افکار فرقه های ضاله در همه حوزه ها برنامه ریزی کنند.

ب) حوزه پژوهش و طرح و برنامه سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما برای به روز کردن اطلاعات و شناسایی این گروه ها، در قالب کتاب، CD و مانند آن اقدام لازم را به عمل آورند.

ج) براساس دستور و ابلاغیه دفتر مقام معظم رهبری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نسبت به جمع آوری آثار سمعی و بصری که گسترش دهنده افکار فرقه های ضاله هستند، با هماهنگی نهادهای ذیربط اقدام کند. گفتنی است از هنگام ابلاغ این بخش نامه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی، فعالانه نسبت به وظایف زیرمجموعه خود اقدام کرده است.

د) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در بخش نظارت برای صدور مجوز محصولات فرهنگی، کنترل و توجه لازم را داشته باشد و در صورت مشاهده نقص و نارسایی قوانین موجود در این زمینه، نسبت به تدوین مقررات و ضوابط، به طور جامع و کافی اقدام کند.

ص:۷۱

ه ـ) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان صداوسیما و دیگر نهادهای ذیربط، برای تولید فیلم، نمایش، کتاب، نشریه و دیگر محصولات فرهنگی فاخر، به معرفی و تبلیغ عرفان اصیل دینی، اقدام کنند.

و) سازمان تبلیغات اسلامی، با همکاری حوزه های علمیه و پژوهشگران صاحب نظر در این عرصه و با تکیه بر دانش موجود در حوزه پژوهش، افکار انحرافی فرقه های ضاله را نقد و ارزیابی کند.

ز) سازمان صداوسیما با مشارکت دستگاه های امنیتی، فرهنگی و تبلیغی، فعالیت های روشنگرانه ای برای نسل جوان به منظور معرفی فرقه ها و افکار انحرافی داشته باشد.

ح) دفتر تبلیغات اسلامی قم با همکاری سازمان تبلیغات اسلامی، با استفاده از شبکه تبلیغی گسترده سنّتی در خطابه و منبر، برای روشنگری نسل جوان در فصول تبلیغی، نسبت به معرفی فرقه های انحرافی اقدام کند.

ط) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه معرفی و بزرگداشت شخصیت های عرفانی ـ اسلامی و روش زندگی و سیره معنوی آنان فعالیت کند.

۳. راهکارهای خاص مبارزه با عرفان انحرافی

اشاره

در قالب های گوناگون مانند کتاب؛ مطبوعات؛ فیلم و تئاتر؛ موسیقی؛ ورزش؛ تشکل ها و هیئت و جلسه های مذهبی؛ سایت های اینترنتی؛ اطلاعاتی و امنیتی و تشکل های غیردولتی (NGOها)؛ موارد قانونی چگونگی برخورد با متخلفان در این زمینه و دیگر موارد، نسبت به بروز و ظهور تفکر فرقه های ضاله مباحثی مطرح شد. در پی آن نیز وظایفی برای دستگاه های ذیربط در این زمینه مشخص شد که وظایف مرتبط با سازمان صداوسیما عبارتند از:

الف) حوزه فیلم و تئاتر

یک ـ آسیب شناسی وضع موجود نسبت به بروز و ظهور فرقه های ضاله در برنامه های صداوسیما در قالب فیلم و نمایش، با توجه به ابلاغیه دفتر مقام معظم رهبری؛

دو ـ جلوگیری از پخش فیلم ها و سریال های تخیلی و گمراه کننده؛

سه ـ تهیه و تولید فیلم ها و سریال های جذاب از مفاهیم معنوی اسلامی با مضامین عرفان اصیل اسلامی و دینی در چهارچوب عقل و دین در عرصه هنر؛

چهار ـ جلوگیری از تولید فیلم و سریال با محتوای عرفان های انحرافی و تبلیغ گروه های ضاله؛

پنج ـ تدوین سیاست های سلبی و ایجابی، برای اکران و توزیع فیلم و سریال هایی با مضامین عرفانی؛

شش _ معرفی شخصیت های عرفان اصیل اسلامی از نظر زندگی و ویژگی های فردی و روش های معنوی آنان در قالب فیلم، سریال، برنامه های مستند و دیگر قالب ها؛

هفت _ حمایت مادی و معنوی از تولیدات فاخر در قالب فیلم و سریال و نمایش و...؛

هشت _ تشکیل شورای عالی هماهنگی و نظارت بر فیلم و نمایش متشکل از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صداوسیما، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر نهادهای ذیربط.

ب) حوزه موسیقی

یک _ آسیب شناسی وضع موجود نسبت به بروز و ظهور فرقه های ضاله در قالب موسیقی، با توجه به ابلاغیه دفتر مقام معظم رهبری؛

ص:۷۲

دو ـ کنترل و نظارت بر پخش موسیقی از رسانه ها به ویژه شبکه های تلویزیونی گسترش دهنده افکار فرقه های انحرافی؛

سه ـ حمایت مادی و معنوی از آثار فاخر و مطلوب موسیقی در حوزه عرفان اسلامی؛

چهارـ تشکیل شورای عالی هماهنگی نظارت بر موسیقی، متشکل از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صداوسیما و سازمان تبلیغات اسلامی، به منظور تولید آثار فاخر و حمایت و سرمایه گذاری دراین زمینه.

فصل پنجم: منبع شناسی عرفان اسلامی

اشاره

پژوهش در هر زمینه ای پایه گذار اندیشه های جدید است و اساس پژوهشی، بر اطلاعات و منابع موجود استوار است. خوشبختانه اندیشمندان مسلمان، به تلاشی نسبتاً گسترده در زمینه عرفان و مطالعه تطبیقی مبانی نظری عرفان، با رویکرد دینی و شیعی روی آورده اند.

مأخذشناسی عرفان اسلامی، به منظور استفاده پژوهشگران و برنامه سازان و آسان سازی پژوهشی دراین زمینه، صورت گرفته است. بخشی از تحقیقات مرتبط با عرفان اسلامی، در قالب کتاب های عربی و فارسی عرضه شده است. بی شک، یکی از وظایف اساسی پژوهشی، اطلاع رسانی در مورد پژوهش ها و کتاب های جدید و مناسب است که در مأخذشناسی نمود پیدا کرده است.

یکی از مشکلات کتاب شناسی ها، تعیین قلمرو آنهاست. ازاین رو، بیشتر کتاب شناسی ها به علت نبود فرهنگ نقد، یا جامع نیستند یا منابع غیرمرتبط در آنها آمده است.

ملاک هایی که برای گزینش منابع در نظر گرفته شده اند، عبارتند از:

انواع منابع قدیمی و جدید که زبان های گوناگون عربی و فارسی را دربرگیرند و کوشیده ایم در هر رشته ای از زیرشاخه های عرفان با رویکرد ذیل آوریم:

۱. داشتن اطلاعات کامل تر؛

۲. داشتن استحکام علمی؛

۳. اولویت عرفان اسلامی و نزدیکی به رویکرد اهل بیت(ع)؛

۴. مقدم بودن منابعی که کارآمدی بومی بیشتری دارند.

۱. کتاب شناسی تفصیلی (فارسی و عربی)

۱. شـیمل، آنه ماری، ابعاد عرفانی اسـلام، ترجمه و توضیح: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، چاپ اول، ۷۰۳ صفحه.

نویسـنده این کتـاب، یکی از شـرق شـناسان سرشـناس معاصـر در آلمان است. زیرساخت کلی کتاب ماننـد نفحات الانس، اثر جامی، کشف المحجوب، نوشته هجویری، تذکره الاولیاء، اثر عطار و جست وجو در تصوف

ایران، اثر زرین کوب، سیر در عرفان اسلامی است. با این تفاوت که در آن کتاب ها بیشتر به چهره های عرفانی پرداخته شده و موضوع این کتاب، بیشتر مفاهیم و باورها و آداب و رسوم صوفیان است. نویسنده با تسلط بر ده زبان از جمله فارسی، عربی، ترکی و پشتو توانسته است از منابع فراوانی سود برد.

۲. واحدی صالح علی شاه، سید محمدتقی، از کوی صوفیان تا حضور عرفان، تصحیح: مهدی خلیفه، تهران، مؤلف، زمستان ۱۳۷۵، چاپ دوم، ۴۳۸ صفحه.

نویسنده که از کودکی با صوفیان سر و کار داشته و گم گشته اش را در خانقاه می جسته است، درمی یابد که راه به چاه می برد. ازاین رو، بازمی گردد و اطلاعات گسترده خود را برای نقد صوفیان به کار می گیرد. تلاش نویسنده برای معرفی چهره راستین و نه چندان پوشیده صوفیان، رنگ حقیقت دارد و نباید کار او را تسویه حساب و انتقام جویی دانست.

هدف نویسنده از نقد و رد تصوف، اثبات این مطلب است که اگر مرد هست، به جز عارف ربانی نیست. بخشی از کتاب مربوط به آثار دیگر نویسنده ها و بخشی بر دیده ها و شنیده های خود نویسنده متکی است.

۳. بشیر، علی اصغر، اندیشه های عرفانی پیر هرات، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۴، چاپ اول، ۱۱۱ صفحه.

نویسنده در پی معرفی اندیشه های عرفانی خواجه عبدالله انصاری، از عارفان بزرگ قرن چهارم و پنجم است. از این رو، ۲۶ واژه عرفانی را از دیدگاه و زبان خواجه با استفاده و استناد به آثار نثر، به اختصار شرح کرده است. گفتنی است چهار واژه نخست، گرچه با نوعی به تصوف مربوط می شوند، ولی در حقیقت، از واژگان دخیل در سیر و سلوک نیستند و تنها به مناسبت مقام از آنها یاده شده است.

۴. نیکلسون، رینولد، تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا، ترجمه و حواشی: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات توس، اردیبهشت ۱۳۵۸، چاپ اول، ۲۵۴ صفحه.

این کتاب، ترجمه نیکلسون است که پیش از این، ابوالعلاء عفیفی آن را با عنوان فکره الشخصیه فی التصوف به عربی ترجمه کرده است.

کتاب، حاصل سه سخنرانی نویسنده است که توضیحات بیش از متن مترجم، بر ارزش کتاب افزوده است.

۵. ابن عربی، محیی الدین، تهذیب الاخلاق، تصحیح و تحقیق: عبدالرحمان حسن محمود، مکتبه عالم الفکر، چاپ اول، ۷۵ صفحه.

این کتاب، کتاب عرفانی کوچکی است که شکیب ارسلان در کتاب الملل السندسیه، آن با عنوان اخلاق یاد کرده و نوشته ای کوتاه، روان و مستند بر آیات و روایات است.

۶. زرین کوب، عبدالحسین، جست وجو در تصوف ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، چاپ دوم، ۴۴۶ صفحه.

نویسنده این اثر بر این باور است که با آشنایی با تصوف ایران، لزوم آشنایی با دیگر جنبه های فرهنگ ایران تمام نخواهد شد. براین اساس، کوشیده است با نگرشی تاریخی و گاه انتقادی، برگی از تاریخ تصوف ایران را ورق زند تا از این رهگذر، هم به فرهنگ و تاریخ تصوف ایران خدمتی رسانده و هم برخی دشواری های تاریخ تصوف را آسان کرده باشد.

ص:۷۴

نویسنده، با استناد به روش علمی کوشیده است با درون مایه ای به دور از هرگونه جانب داری، با بررسی عینی و رویکرد تحلیلی، تصوف را در این مرز و بوم ترسیم کند.

۷. امام خمینی(ره)، چهل حدیث، تهران، مرکز نشر رجا، تابستان ۱۳۶۸، چاپ اول، ۵۵۶ صفحه.

از قرن سوم و چهارم، عالمان دین دار فراوانی در پیروی از حدیث «من حفظ اربعین حدیثاً ینفقون بما بعثه الله یوم القیامه فقیها علاما»، چهل حدیث نوشته و آن را شرح و تفسیر کرده اند. کتاب حاضر نیز از این فلسفه پیروی می کند. روی سخن نویسنده با عامه مردم است، ولی برخی مطالب کتاب، فراتر از فهم عامه آمده، با این حال، مطالب آن ساده است. این کتاب سرشار از نکته های اخلاقی، عرفانی و معارفی است.

۸. بیدآبادی، محمد، حسن دل (در سیر و سلوک الی الله)، تحقیق و تصحیح: علی صدرایی خویی و محمدجواد نورمحمدی، قم، انتشارات نهاوندی، پاییز ۱۳۷۶، چاپ اول، ۱۲۵ صفحه.

این کتاب که در قرن دوازدهم نگاشته شده، شامل نامه های عرفانی نویسنده است و مخاطب آن هنوز ناشناس مانده است. زبان آن آسان فهم و نثرش روان و شیواست و در آن به آیات و روایات استناد شده و از ضرب المثل و اشعار برای تفهیم بهتر بهره برده است. فرازهای نامه با «ای عزیز» شروع می شود.

۹. رشاد، علی اکبر، درآمدی بر سیر و سلوک (برگرفته از دروس آیت الله مجتبی تهرانی)، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه، ۱۳۷۵، چاپ اول، ۹۴ صفحه.

این کتاب، بخش بسیار کوچکی از سلسله درس های اخلاقی و عرفانی شیخ مجتبی تهرانی است که از نوار بر کاغذ پیاده شده و دربردارنده برخی مباحث کلی و مقدماتی سیر و سلوک است. مطالب، به تناسب حال مخاطبان، کوتاه، ساده، روان و دور از پیچیدگی های شناخته شده آثار عرفانی است.

۱۰. طباطبایی بروجردی، سید محمدمهدی (بحرالعلوم)، رساله السیر و السلوک، شرح و توضیح و مقدمه: حسن مصطفوی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶، چاپ دوم، ۱۳۱ صفحه.

این جستار عرفانی که آن را از بهترین آثار در زمینه سیر و سلوک و تکمیل نفس دانسته اند، اثری مختصر است که همه مراحل و منازل سیر و سلوک را با بیانی نیکو و با استناد به کتاب و سنّت و برهان بیان کرده است. نویسنده، در عرفان عملی ورزیده و صاحب نظر است و ارزشمندی اثرش آن مایه است که تاکنون چهار تصحیح و دو شرح بر آن چاپ شده است.

در مورد درستی انتساب کتاب به جناب بحرالعلوم باید گفت تاکنون خلافش ثابت نشده است و آنچه درباره منحول بودن کتاب گفته اند، از سر ناآگاهی است.

۱۱. حسینی تهرانی، محمدحسین، رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولی الالباب، تهران، حکمت، ۱۳۶۶، چاپ چهارم، ۱۵۶ صفحه.

اصل این کتاب، تقریر افاضات اخلاق و عرفان، اثر علامه طباطبایی است که با تنقیحات و اضافاتی منتشر شده است. نویسنده با تکیه بر دین خواهی (توحید) و گرایش به عالم غیب که غریزه آدمی است، می کوشد از طریق این نوشته، به طالبان سلوک یاری رساند. زبان کتاب، ساده و روان است و از پیچیدگی های معمول در آثار عرفانی خبری نیست.

ص:۷۵

۱۲. ملکی تبریزی، میرزا جواد، رساله لقاءالله (با ضـمیمه مقاله منتشر نشده در لقاء الله از امام خمینی)، مقدمه، ترجمه، توضیح و تعلیق و اضافات: سید احمد خمری، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیضی، فیض کاشانی، ۱۳۷۵، چاپ دهم.

این اثر، پرداختی است کوتاه و ساده به برخی مسائل عرفان و اخلاق اسلامی که به کار مبتدیان این وادی می آید. نگارنده، از بزرگان عرفان و اخلاق است و کارش گردآوری گفتار دیگران نیست، بلکه آنچه را نگاشته، خود، با جان چشیده است. وی در این اثر، از آیات و روایات و از بحث های پیچیده پرهیز کرده و روش او بیشتر خطابی و استدلالی است.

۱۳. نفیسی، سعید، سرچشمه تصوف در ایران، تهران، کتاب فروشی فروغی، ۱۳۶۸، چاپ هفتم، ۲۷۵ صفحه.

این اثر پژوهشـی است درباره تصوف و سرچشـمه زرتشتی، مانوی، بودایی، یهودی، نصرانی و اسلامی آن. نویسنده بر این باور است که اثرش، تکمیل کننده کتاب هایی است که در نیم قرن اخیر درباره تصوف ایران به فارسی نگاشته شده است، چنان که تتمیمی است برای پژوهش‌هـای خاورشـناسان. نفیسـی تأکیـد دارد که در این کتـاب به مواردی پرداخته است که پیش از او به آنها توجه نکرده یا از روی تعصب آنها را پوشیده داشته اند.

وی در این اثر، سـخت ایران گرایی کرده و بسـیار کوشـیده است تا خواننـده را قانع کند که تصوف، در آیین زرتشت، مانی و بودا ریشه دارد.

۱۴. کیانی نژاد، زین الدین، سیر عرفان در اسلام، تهران، انتشارات اشراقی، ۱۳۶۶، چاپ اول، ۵۵۲ صفحه.

این اثر در پی بررسـی اجمالی سـیر عرفان در اسـلام و چگونگی پیدایی، دگرگونی و تکامل آن است. کار نویسنده بنابر آنچه در مقدمه کتاب آمده است، تنها قرن هشـتم را دربرمی گیرد. مطالب کتاب، شرح و فروع آداب و احوال تفصیل عقاید مربوط به تصوف نیست، بلکه بیشتر بررسی روند اندیشه و دگرگونی در تصوف و عرفان است.

۱۵. مطهری، مرتضی، عرفان حافظ (تماشاگه راز)، تهران، انتشارات صدرا، بهار ۱۳۶۸، چاپ پنجم، ۱۶۱ صفحه.

این کتاب دربردارنده پنج جلسه سخنرانی شهید مطهری است که به اقتضای سال های دهه پنجاه ایراد شده است.

۱۶. جوادی آملی، عبدالله، عرفان و حماسه، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۷۵، چاپ دوم، ۲۶۸ صفحه.

این اثر، دربردارنـده دوازده گفتار است که یازده مورد آن در دهه عاشورای ۱۳۶۸ _ ۱۳۶۹ و گفتار پایانی آن در بزرگداشت رحلت امام خمینی(ره) ایراد شده است.

۱۷. شـیرازی (ملاصـدرا)، صدرالـدین، عرفـان و عـارف نمایان، ترجمه کتاب کسـر اصـنام الجاهلیه، به همت: محسن بیـدارفر، تهران، انتشارات الزهراء، چاپ اول، ۱۷۲ صفحه.

روی سـخن نویسـنده در این کتـاب ارزشـمند، بـا عامه مردم است. زبان کتاب خطابی است، نه برهانی؛ گرچه گاه به برهان نیز

گراییده است. کتاب یک مقدمه، چهار گفتار و یک خاتمه دارد.

۱۸. بهاءالـدینی، سـید رضا، نردبان آسـمان، (مجموعه ای از درس های اخلاق آیت الله بهاءالدینی)، قم، مرکز پخش انتشارات پارسایان، بهار ۱۳۷۶، چاپ دوم، ۲۷۹ صفحه.

این اثر دربردارنده تحریر ۶۴ درس اخلاق از نویسـنده است که در روزگار دفاع مقدس ایراد شده است. بحث ها بسیار کوتاه، روان، مستند و براساس آیات و روایات مطرح شده که برای همگان مفید است.

ص:۷۶

۲۰. صائن الـدین علی بن محمـد الترکه، تحریر تمهیـد القواعد، (جلد اول)، ترجمه و تصـحیح: عبدالله جوادی آملی، ویراسـتار: حمید پارسانیا، تهران، الزهراء، زمستان ۱۳۷۲.

تحریر التمهیـد القواعد، اثر صائن الدین علی بن محمد الترکه در شـرح القواعد التوحید، اثر ابوحامد محمد اصـفهانی در عرفان نظری اسـت کـه حضـرت آیـت الله جـواد آملی آن را ترجمـه و تصـحیح کرده اسـت. این اثر ارزشـمند که حاصـل یـک دوره تدریس این کتاب عرفانی در سال های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۴ هـ. ق است، با مقدمه ای نسبتاً طولانی آغاز می شود. نویسنده محترم، در تـألیف و تحریر این کتـاب وزین، به نارسایی از نظر ژرف ماتن و نگاه عمیق شارح اشاره کرده و در پایان تـدریس به جمع بنـدی پرداخته است و در نتیجه، وحدت شخصـی را با کمک از مبانی حکمت متعالیه که منطقی قوی برای عرفان نظری است، تبیین کرده است.

۲. کتاب شناسی اجمالی (فارسی و عربی)

آیین رهروی و رهبری (ترجمه ادب الصـغیره و ادب الکبیره اثر عبـدالله بن مقفع)، ترجمه: غلامـ رضا خسـروی حسـینی، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۴۸.

آیین قلنـدری (مشـتمل بر چهار رساله در باب قلنـدری، خاکساری، فرقه عجم)، پژوهش: میرعابـدینی و مهران افشاری، تهران، فراروان، ۱۳۷۴.

۱. ابن ابی اصیبعه، موفق الدین احمد بن قاسم، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، بیروت، دارالفکر، ۱۳۷۶.

۲. ابن عربی، محیی الدین، الفتوحات المکیه، به کوشش: عثمان یحیی، قاهره، ۱۴۰۵هـ. ق.

۳. ________________، فصوص‌الحکم، به کوشش: ابوالعلاء عفیفی، بیروت، ۱۴۰۰ هـ. ق.

۴. ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین احمد بن محمد، وفیات الاعیان، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۴.

۵. احسایی، شیخ احمد بن زین‌الدین، شرح جامعه کبیره، بیروت، دارالمفید، چاپ اول، ۱۹۹۹م.

۶. احمد جام (ژنده پیل)، انس التائبین، تصحیح و توضیح: علی فاضل، تهران، توس، ۱۳۶۸.

۷. احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی (به ضمیمه منتخب نورالعلوم)، به اهتمام: مجتبی مینور، تهران، طهوری، ۱۳۶۳.

۸. ارفع، سید کاظم، اسماء الحسنی و سیر سلوک الی الله، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، ۱۳۷۴.

۹. افشاری و مهدی مدائنی، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۱.

۱۰. انصاری، خواجه عبدالله، صد میدان، به اهتمام: قاسم انصاری، تهران، طهوری، ۱۳۵۸.

۱۱. ______________________ ، منازل السائرین، مقدمه و اعداد: علی شیروانی، قم، مؤسسه دارالعلم، ۱۴۱۷ هـ . ق.

۱۲. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی (شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه)، تصحیح: غلام حسین نادری، اصفهان، ۱۳۷۱.

۱۳. ایزوتسو، اتوشیهیکو، خلق مداوم در عرفان اسلامی و آیین بودایی ذن، ترجمه و مؤخره: شیوا (منصوره) کاویانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

ص:۷۷

۱۴. باخرزی، یحیی، اوراد الاحباب و فصوص الآداب، به کوشش: ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۵.

۱۵. باخزری، ابوالمفاخر، اوراد الاحباب و فصوص آلاداب، به کوشش: ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۵۸.

۱۶. بادکوبه ای، واصف، با کاروان شب زنده داران، قم، پارسایان، ۱۳۷۶.

۱۷. باده عشق، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی(ره)، تابستان ۱۳۷۶.

۱۸. بانوی ایرانی، سیر سلوک، اصفهان، قائم، بی تا.

۱۹. بحرالعلوم و سیدحسن قزوینی، دو رساله در سیر و سلوک، به کوشش: رضا استادی، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا(ع)، ۱۴۰۱ هـ . ق.

۲۰. بخاری، صلاح بن مبارک، انیس الطالبین و عده الطالبین، تصحیح و مقدمه: خلیل ابراهیم صاری اوغلی، به کوشش: توفیق هـ . سبحانی، تهران، کیهان، ۱۳۷۱.

۲۱. بدویه، عبدالرحمان، شهید عشق الهی، رابعه عدویه، ترجمه: محمد تحریرچی، ویراستار: زبیده جهانگیری، تهران، مولی، ۱۳۶۷.

۲۲. برگزیده مرصاد العباد (نجم الدین رازی)، انتخاب و مقدمه و فرهنگ لغات: محمدامین ریاحی، تهران، توس، بهمن ۱۳۶۱.

۲۳. بشیر، علی اصغر، اندیشه های عرفانی پیر هرات، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴.

۲۴. بصری خویی، حسن، آینه بصیرت یا آرام بخش دل، ویراستار: علی ورسه ای، قم، ناصر، ۱۳۷۶.

۲۵. بغدادی، اسماعیل پاشا، هدایه العارفین، بیروت، دارالکتب، ۱۴۱۳ هـ . ق.

۲۶. بهاری همدانی، محمد، تذکره المتقین، همراه با تعلیقات: حسن علی نخودکی همدانی، به ضمیمه رهنمودهایی از: محمد بیدآبادی، ملاحسین قلی همدانی و سید احمد کربلایی، قم، انتشارات نهاوندی، زمستان ۱۳۷۶.

۲۷. بیدآبادی، مولی محمد، حسن دل و سیر و سلوک الی الله، تحقیق: علی صدرایی خره ئی و محمدجواد نورمحمدی، قم، انتشارات نهاوندی، ۱۳۷۶.

۲۸. بیهقی، ابوالحسن علی، تتمه صوان الحکمه، بی‌جا، بی نا، بی‌تا.

۲۹. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، الاسماء الصفات، تحقیق: عبدالرحمن عمیره، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۷ هـ .ق.

۳۰. تاریخ تصوف اسلامی، عبدالرحمن بدوس: ترجمه محمدرضا افتخارزاده، قم، دفتر نشر معارف اسلامی، بهار ۱۳۷۵.

۳۱. تالشی، نصرت الله، تحقیق در عرفان اسلامی از بایزید بسطامی، مقدمه، تهران، دارالثقلین، ۱۳۷۵.

۳۲. تمیمی آمـدی، غررالحکم و دررالکلم، تحقیـق: میر سـید جلالـ الـدین محـدث ارموی، تهران، انتشـارات دانشـگاه تهران، ۱۳۶۰.

۳۳. تولایی، محمدعلی، شمه ای از کرامات مرحوم شیخ حسن علی اصفهانی، مشهد، مؤلف، پاییز ۱۳۷۶.

ص:۷۸

۳۴. تهرانی، جواد، عارف و صوفی چه می گویند (بحثی در مبانی و اصول تصوف و عرفان)، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۹.

۳۵. جامی، نورالـدین عبدالرحمن، اشعه اللمعات (شرح لمعات عراقی)، تصحیح و مقابله: حامد ربانی، تهران، کتابخانه علمیه حامدی، ۱۳۵۲.

۳۶. جعفری، محمدتقی، عرفان اسلامی، ویرایش: شایان رضا مشاطیان، تهران، دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۳.

۳۷. جندی، مؤیدالدین، نفخه الروح و تحفه الفتوح، به کوشش: نجیب مایل هروی، تهران، ۱۳۶۳.

۳۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، قم، اسراء، ۱۳۷۹.

۳۹. ________________، شرح حکمت متعالیه، تهران، الزهراء، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۴۰. چلبی، ملا احمد، کشف الظنون عن اساس الکتب و الفنون، بیروت، درالفکر، ۱۴۰۲ هـ. ق.

۴۱. حاکمی، اسماعیل، سماع در تصوف، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

۴۲. حر عاملی، ترجمه جهاد با نفس وسائل الشیعه ، ترجمه: علی صحت، قم، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، بی تا.

۴۳. حسن زاده آملی، حسن، رساله وحدت از دیدگاه عارف حکیم، تهران، فجر، ۱۳۶۲.

۴۴. ________________، الهی نامه، بی جا، بی نا، ۱۳۷۱.

۴۵. ________________، انسان کامل از دیدگاه نهج‌البلاغه، تهران، بنیاد نهج‌البلاغه، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

۴۶. حسن زاده، حسن، انه الحق، قم، قیام، ۱۳۷۳.

۴۷. ________________، رساله نور علی نور در ذکر ذاکر و مذکور، قم، نشر تشیع، ۱۳۷۴.

۴۸. حسین بن عبدالله، ابن سینا، الاشارات و التنبیهات، تحقیق: مجتبی زارعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

۴۹. حسینی متقی، سید ضیاءالدین، طرائف الحکم یا انـدرزهای حکیمانه، ترجمه: جمعی از فضـلا، تهران، کتابخانه صـدوق، ۱۳۶۲.

۵۰. حلبی، علی اصغر، شناخت عرفان و عارفان ایرانی، تهران، زوار، ۱۳۶۷.

۵۱. ________________، مبانی عرفان و احوال عارفان، تهران، اساطیر، ۱۳۷۶.

۵۲. حنبلی، محمد بن معمار، کتاب الفتوه، مقدمه: مصطفی جواد و همکاران، بغداد، ۱۹۵۸م.

۵۳. حیدرخانی، حسین، داستان عارفان، تهران، فؤاد، ۱۳۷۱.

۵۴. خاتمی، سید روح الله، آینه مکارم اخلاق (شرح دعای مکارم اخلاق امام سجاد(ع))، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.

۵۵. ختمی لاهوری، ابوالحسن عبدالرحمان، شرح عرفانی غزل های حافظ، تصحیح و تعلیقات: بهاءالدین خرمشاهی و دیگران، تهران، نشر قطر، ۱۳۷۴.

۵۶. خوارزمی، تاج الدین حسین بن حسن، شرح فصوص الحکم، به اهتمام و تصحیح: نجیب مایل هروی، تهران، مولی، ۱۳۶۴.

۵۷. دامادی، سید محمد، ابوسعید نامه (زندگی نامه ابوسعید ابوالخیر)، تهران، دفتر دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

۵۸. ______________ ، شرح بر مقامات اربعین یا مبانی سیر سلوک عرفانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

۵۹. در شبستان عرفان (مجموعه رسائل فارسی از پیران ایران)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: نجیب مایل هروی، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۹.

۶۰. دوانی، جلال الدین، تهلیله شرح لا اله الا الله، تصحیح و شرح: فرشته فریدونی فروزنده، تهران، کیهان، ۱۳۷۳.

۶۱. دیلمی، ابوالحسن محمدحسن، ارشاد القلوب، ترجمه: سید عباس طباطبایی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پاییز ۱۳۷۲.

۶۲. رحمانی، شریف، جلوه های اخلاق و عرفان در داستان های آسمانی، ترجمه: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، بی تا.

۶۳. رحیمیان، سعید، تجلی و ظهور در عرفان نظری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.

۶۴. رزمجو، حسین، انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی عرفانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸.

۶۵. رشاد، علی اکبر، سیر و سلوک (برگرفته از دروس آقا مجتبی تهرانی)، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه، ۱۳۷۵.

۶۶. ریاضی، حشمت الله، آیات حسن عشق (سیر تصوف و عرفان تا قرن هجری)، همراه با شرح زندگانی و آثار احمد غزالی، تهران، زمستان ۱۳۶۹.

۶۷. ریاضی، محمد، احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۴.

۶۸. زرین کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.

۶۹. ______________ ، جست وجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.

۷۰. سجادی، سید ضیاءالدین، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۲.

۷۱. سراج طوسی، ابونصر عبدالله بن علی، اللمع من التصوف، تحقیق و تصحیح: رینولد الن نیکلسون، لندن، مطبعه بریل، ۱۹۱۴م.

۷۲. سروش هدایت (از دستورالعمل ها و مکتوبات اخلاقی و عرفانی از آیات حق مرعشی نجفی، فیض کاشانی، شهید ثانی، شعرانی، بهاری همدانی، سید بحرالعلوم، حسن زاده آملی، علی شیروانی)، تهران، حافظ نوین، ۱۳۷۲.

۷۳. سلمی، ابوعبدالرحمان، طبقات الصوفیه، تصحیح و مقدمه: نورالدین شریبه، قاهره، ۱۹۶۹م.

۷۴. سمرقندی، نصر محمد بن حنفی، تنبیه الغافلین، تعلیق: یوسف علی بدیور، بیروت، ابن کثیر، ۱۹۵۵م.

۷۵. سهروردی، ابوالنجیب، آداب المریدین، ترجمه: عمر بن محمد بن شیرکان، تصحیح: نجیب مایل هروی، تهران، نشر مولی.

۷۶. سیر عرفان و تصوف در جهان اسلام (مجموعه مقالات سومین کنگره فرهنگی)، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.

۷۹. شیمل، آنه ماری، ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

۸۰. شجاعی، محمد، انسان و خلافت الهی، تهران، مؤسسه فرهنگی خدمات رسا، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۸۱. شیروانی، علی، دین عرفانی و عرفان دینی، قم، دارالفکر، بهار ۱۳۷۷.

۸۲. شیبی، کامل مصطفی، تشیع و تصوف، ترجمه: علیرضا ذکاوتی، قراگزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۹.

۸۳. شیرازی، کاشف، سراج منیر، تصحیح و تحقیق: علی افراسیابی، قم، انتشارات نهاوندی، ۱۳۷۴.

۸۴. صائن الدین علی بن محمّد الترکه، تحریر تمهید القواعد، ترجمه و تصحیح: عبدالله جوادی آملی، ویراستار: حمید پارسا، تهران، الزهراء، ۱۳۷۲.

۸۵. صد کلمه در معرفت نفس (همراه با اشعار منتشر نشده استاد حسن حسن زاده آملی)، قیام، ۱۳۷۱.

۸۶. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ علوم عقل در تمدن اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.

۸۷. طباطبایی سیدمحمدحسین، ولایت‌نامه، ترجمه: همایون همتی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۶.

۸۸. ________________، رسائل توحیدی، ترجمه: علی شیروانی، تهران، الزهراء، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۸۹. طوسی، نجم‌الدین، رساله فی سیر و سلوک (مجموعه رسائل)، دانشگاه تهران، بی‌تا.

۹۰. عبدالصمدی، محمود، سیر در تصوف و عرفان، تهران، شرق، ۱۳۶۱.

۹۱. عطار نیشابوری، فریدالدین، تذکره الاولیاء، بررسی و تصحیح متن و توضیحات فهارس: محمّد استعلامی، تهران، زوار، ۱۳۶۶.

۹۲. عفیفی، ابوالعلاء، ملامتیه، صوفیه و فتوت، ترجمه: نصرت‌الله مزدجر، تهران، انتشارات الهادی، ۱۳۷۶.

۹۳. عمید زنجانی، عباس علی، تحقیق و بررسی تاریخ تصوف، تهران، دارالکتب الاسلامیه، مرد، ۱۳۴۶.

۹۴. عین القضات، همدانی، رساله شکور الغریب، به کوشش: عفیف عسیرانی، بیروت، ۱۳۸۷ هـ.ق.

۹۵. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، المنقذ من الضلال، به کوشش: عبدالعلیم محمود، بیروت، ۱۳۹۴ هـ.ق.

۹۶. غزالی، خواجه احمد، بحر الحقیقه، به اهتمام: نصرالله پورجوادی، تهران، انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران، ۱۳۵۶.

۹۷. غنی، قاسم، بحثی در تصوف، تهران، زوار، ۱۳۵۶.

۹۸. فاضل تونی، محمدحسین، تعلیقه بر فصوص، با مقدمه: بدیع الزمان فروزانفر، تهران، مولی، ۱۳۶۰.

۹۹. فعالی، محمدتقی، معرفت‌شناسی دینی و معاصر، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۰۰.فلسفی، محمدتقی، آیه الکرسی، پیام آسمانی توحید، تهران، نشر نو و نشر معارف اسلامی، ۱۳۵۱.

۱۰۱.فهری زنجانی، سیداحمد، پرواز در ملکوت (شرح و تفسیر آداب الصلوه حضرت امام خمینی(ره))، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۵.

۱۰۲.فیض کاشانی، محسن، حقایق در اخلاق در سیر و سلوک، ترجمه: محمّدباقر ساعد خراسانی، تهران، علمیه اسلامیه، بی تا.

۱۰۳. قشیری، رساله قشیریه، ترجمه: ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، با تصحیحات و استدراکات: بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.

۱۰۴. قمی، مولی محمدطاهر، تحفه الاخیار، تصحیح و تحقیق: داود الهامی، قم، زمستان ۱۳۶۹.

۱۰۵. کاشانی، بابا افضل‌الدین، رباعیات، به کوشش: سعید نفیسی، تهران، ۱۳۶۲.

۱۰۶. ________________ ، مصنّفات، به کوشش: یحیی مهدوی و مجتبی مینوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۱.

۱۰۷. کاشانی، عبدالرزق، ترجمه اصطلاحات الصوفیه با فرهنگ اصطلاحات عرفان و تصوف، ترجمه: محمد خواجوی، تهران، مولی، بی تا.

۱۰۸. ________________ ، آداب الصوفیه، به اهتمام: مسعود قاسمی، تهران، زوار، ۱۳۶۳.

۱۰۹. ________________ ، الاـصول العشره، ترجمه و شرح: عبدالغفور لاری، به اهتمام: نجیب هروی، تهران، مولی، ۱۳۶۳.

۱۱۰. کربن، هانری، آیین جوانمردی، ترجمه: احسان نراقی، نشر نو، ۱۳۶۳.

۱۱۱. کسروی تبریزی، احمد، صوفی گری، تهران، فرخی، ۱۳۴۴.

۱۱۲. کیانی نژاد، زین الدین، سیر عرفان در اسلام، تهران، اشراقی، ۱۳۶۴.

۱۱۳. گولد، بازیمهر، زهد و تصوف در اسلام، ترجمه: محمدعلی خلیلی، توران، اقبال، ۱۳۳۰.

۱۱۴. ماسینیون، لویی، سخن انا الحق و عرفان حلاج، ترجمه: سید ضیاءالدین دهشیری، تهران، جام، ۱۳۷۴.

۱۱۵. ماوردی، ابوالحسن، ادب الدنیا و الدین، تحقیق و تصحیح: مصطفی سقا، ترجمه: عبدالعلی صاحبی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.

۱۱۶. مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ صوفی و صوفی گری، قم، حر، ۱۳۷۶.

۱۱۷. محمدی ری شهری، محمد، تندیس اخلاص (زندگی نامه رجبعلی خیاط)، دارالحدیث، ۱۳۷۶.

۱۱۸. محمدی گیلانی، محمد، اسم متأثر در وصیت نامه امام خمینی(ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۲.

۱۱۹. محیی الدین عربی، شجر الکون (درخت هستی)، مقدمه، ترجمه و توضیح کل باب: سعیدی، تهران، طریق کمال، ۱۳۷۶.

۱۲۰. مدرسی زنوری، ملاعبدالله، انوار جلیه، تصحیح: سید جلال الدین آشتیانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

۱۲۱. مستملی بخاری، خواجه امام ابوابراهیم اسماعیل بن محمد، شرح التعرف لمذهب التصوف، با مقدمه و تصحیح و تحشیه: محمد روشن، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳.

۱۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، راهنماشناسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.

۱۲۳.________________، زاد راهیان کوی دوست (شرح حدیث معراج)، قم، مؤسسه آموزشی ـ پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۴.

ص:۸۲

۱۲۴. مطهری، مرتضی، انسان کامل، تهران، صدرا، تابستان ۱۳۶۸.

۱۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، جلوه حق، مقدمه و پاورقی: داود الهامی، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۷۶.

۱۲۶. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، الاسفار الاربعه، قم، منشورات مصطفوی، چاپ نهم.

۱۲۷. ملکی تبریزی، میرزا جواد، اسرار الصلوه، ترجمه: رضا رجب زاده، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۶.

۱۲۸. ____________________، اعمال سال، ترجمه: علی رضا میرزا خسروانی و حکیم خسروی قاجار، تصحیح: میرزا خلیل مجتهد کمره ای، تهران، بی نا، ۱۳۳۸.

۱۲۹. ____________________، میرزا جواد، سلوک عارفان (ترجمه المراقبات فی اعمال السنه)، ترجمه: محمّد راست گو، تهران، نشر سایه، بی تا.

۱۳۰. موسوی خمینی، سید روح الله، آداب الصلوه (آداب نماز)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، زمستان ۱۳۷۴ .

۱۳۱. ________________، روح الله، اسرار نماز یا معراج السالکین و صلوه العارفین، قم، نشر آزادی، بی تا.

۱۳۲. ________________، تفسیر دعای سحر، ترجمه: سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمانان، ۱۳۵۹.

۱۳۳. مولوی، جلال الدین، آفتاب معنوی (چهل داستان از مثنوی)، شرح لغات و اصطلاحات عرفانی، تفسیر ابیات و نقد و بررسی داستان ها، به کوشش: نادر وزین پور، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۵.

۱۳۴. نخشبی، ضیاءالدین، سلک السلوک، مقدمه، تصحیح، تعلیق و حاشیه: غلام علی آریا، تهران، زوار، ۱۳۶۹.

۱۳۵. نفیسی، سعید، سرچشمه تصوف در ایران، تهران، کتاب فروشی فروغی، بی تا.

۱۳۶. نیتی، محمدحسین، تذکره در خواص اعمال و آثار اذکار و نتایج عبادات، بی جا، بی نا، ۱۳۸۷ هـ.ق.

۱۳۷. نیرومند، کریم، تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تطور و تحول آن، زنجان، کتاب فروشی ستاره، ۱۳۶۴.

۱۳۸. نیکلسون، تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا، ترجمه و حواشی: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، توس، ۱۳۵۸.

۱۳۹. الهامی، داود، جست وجو در عرفان اسلامی، قم، مکتب اسلام، ۱۳۷۶.

۱۴۰. همایی، جلال الدین، تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوالسعید ابوالخیر)، تهران، هما، ۱۳۶۲.

۱۴۱. ـــــــــــــــــــــــــــ ، حکمت عملی از نظر خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، دهخدا، ۱۳۴۸.

۱۴۲. همتی، همایون، دین شناسی تطبیقی و عرفان، تهران، آوای نور، ۱۳۷۵.

۱۴۳. همدانی، مولی عبدالصمد، بحر المعارف، تحقیق و ترجمه: حسین استادولی، تهران، حکمت، ۱۳۷۰.

۱۴۴.ـــــــــــــــــــــــــــ ، بحرالمعارف، تحقیق و ترجمه: حسین استادولی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۴۱۲ هـ . ق.

فصل ششم: ایده ها و طرح های جامع، پژوهش برنامه‌ای و تولیدی

۱. ایده ها و طرح های جامع

الف) کلیات طرح جامع برنامه سازی تلویزیونی درباره عرفان اسلامی _ شیعی

اشاره

از سال ها پش، پرداختن به مقوله عرفان در زمینه های شناسایی، تحلیل و روشمندسازی، دغدغه حوزویان بوده و در چند سال اخیر، با هجوم عرفان های انحرافی و دین های خودساخته، این بررسی ها ژرفا و پهنای بیشتری یافته است. سازمان صداوسیما نیز که داعیه فرهنگ‌سازی در ایران اسلامی را دارد، پس از توصیه های اکید و پیاپی مقام معظم رهبری(مدظله)، بر آن شده است تا دراین زمینه به فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن آن بپردازد و با درایت مدیران سازمان، این مأموریت خطیر به مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما به عنوان حلقه رابط حوزه علمیه و صداوسیما سپرده شده است.

پس از ساعت ها کار تحقیقی، جلسه های کارشناسی، مشاوره و فعالیت کارگروه های تحقیقی _ عملیاتی واحد پژوهش های برنامه ای و فیلم نامه مرکز، کلیات طرح برنامه سازی درباره عرفان اسلامی _ شیعی به این شرح است:

یک _ کلیات طرح (بایسته های طرح)

_ پژوهش های تألیفی و بنیادین منظم داشته باشد.

_ شامل پژوهش های ترجمه ای منظم و منابع تحقیقی گوناگون باشد.

_ پژوهش هایی در زمینه برنامه سازی تلویزیونی و رادیویی داشته باشد.

_ فعالیت های تولیدی درباره عرفان، نخست باید غیرمستقیم صورت گیرد.

_ فعالیت ها رویکردی فعال داشته باشد، نه منفعل.

_ همه مراحل پژوهش و تولید، زیر نظر مداوم و دقیق کارشناسان پیش برود.

_ از توان کارشناسان خبره در همه سطوح پژوهش، نظارت، تولید و نویسندگی استفاده شود.

_ در تولید و برنامه سازی، از متخصصان حوزوی آشنا با فنون رسانه بهره برداری شود.

_ برای رسیدن به مطلوب، برنامه ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت صورت گیرد.

_ فعالیت هایی در زمینه بسترسازی و زمینه سازی برای طرح عرفان صورت گیرد.

دو _ گروه های فعال در طرح

_ گروه پژوهش؛

_ گروه فیلم نامه نویسی و نویسندگی؛

_ گروه تولید برنامه های رادیویی و تلویزیونی؛

_ گروه نظارت و ارزیابی.

سه _ قالب های پیشنهادی برای پژوهش های برنامه ای، فیلم نامه و تولید

اول _ میزگرد علمی با دو رویکرد:

_ مباحث میان رشته ای عرفان و دیگر علوم مرتبط (مانند دین و عرفان، انسان و عرفان و...)؛

ـ مباحث تبیینی، مقایسه ای و درون رشته ای (مبانی و مفاهیم عرفان اسلامی ـ شیعی)؛

دوم ـ برنامه های مستند، با گرایش نقد و رد فرقه سازی (مانند نقد اوشو، صوفیه، قادریه، بابیت)؛

سوم ـ برنامه های مستند رجالی با ساختار زندگی نامه و اندیشه های عرفا و بزرگان مسلمان شیعه مانند: حضرت امام خمینی(ره)، علامه طباطبایی، خیاط و سعادت پرور؛

چهارم ـ برنامه های نماهنگ از داستان های مربوط به موضوع عرفان، عرفای نامدار و سیره عرفا؛

پنجم ـ برنامه های ترکیبی (انیمیشن، گرافیک، نریشن، موسیقی و مانند آن) این برنامه ها برای بیان موجز سمعی ـ بصری یک روایت عرفانی، شعر عرفانی یا داستان کوتاه عرفانی ساخته خواهند شد؛

ششم ـ برنامه های داستانی شامل فیلم های کوتاه، بلند و سریال های تلویزیونی با موضوع مفاهیم عرفانی (تأویل یافته با کار بر روی کتاب هایی مانند منطق‌الطیر، غربت غربیه، آواز پر جبرئیل و عقل سرخ)؛

هفتم ـ برنامه های رادیویی در قالب های ترکیبی و داستانی ـ نمایشی؛

چهار ـ مراحل اجرا

ـ پژوهش؛

ـ نویسندگی و نگارش فیلم‌نامه؛

ـ طراحی تولید؛

ـ تولید؛

ـ نظارت و ارزیابی.

لازم است در همه این مراحل، نظارت و ارزیابی فرایندها کنترل و تأیید شود.

همچنین، ضروری است برای هریک از این موارد، از کارشناسان خبره برای تشکیل کارگروه های تخصصی استفاده شود.

ب) مبانی و چگونگی طرح عرفان اسلامی

عرفان، خواه به معنای نظری که شناخت «حقیقت» و «توحید» یا گرایش آن به «حقیقت» و انس با توحید باشد و خواه عرفان اصولی یا وصولی به شمار رود، در نهاد و سرشت انسان تعبیه شده و عرفان فطری یا به تعبیر الکسیس کارل «عرفان غریزی» انسان است.(۱) به تعبیر علامه طباطبایی(ره) نیز عرفان و معنویت‌گرایی غریزی و فطری است.(۲) پس معنویت‌گرایی، پرستش

و عبودیت، گرایش به کمـال و سـعادت حقیقی، ماورائی و ارتکازی انسان است. ازاین رو، انسان دورمانـده از اصل و بیگانه با فطرت و خویشـتن خویش، هرازچنـدگاهی در جست وجوی روزگـار وصـل خویش و یگانگی با خود روحانی و فطری بر می آید تا گم شده خود را بیابد.

اینک انسان غریب، تنها، بحران زده، ازخودبیگانه، از خویشـتن دور، غزل خوان جـدایی از خودِ ملکوتی و حقیقی اش، آن هم در دنیای جدید که مکاتب، مسلک ها، ایسم ها و دانش های گونا گون را تجربه کرده است، غزل

ص:۸۵

۱- انسان، موجود ناشناخته، ص ۱۳۸.

۲- شیعه در اسلام، صص ۱۰۸ و ۱۰۹. استاد علامه طباطبایی، فطرت و غریزه را یکسان معنا کرده است، اگرچه این دو واژه در تحلیل واژگانی و معنایی مانند هم نیستند و سلسله غریزه واقع بینی و جذبه عرفانی را در معنویت گرایی انسان مطرح کرده اند.

وصال و قرب و دیدار با عهد فراموش شده و شهود ملکوت خویشتن را می سراید. می توان گفت عصر ما، عصر بازگشت به فطرت، روزگار وصل به اصل خود، دوران رهایی از حجاب های ظلمانی، قرن قرب به حقیقه الحقایق در پرتو خودآگاهی و خودیابی و معنویت گرایی است.

با این حال، در عصر تشنگی انسان و تلاش برای راهیابی به سرچشمه های معرفت و معنویت، دام های جدید و متجددانه، گسترده و دانه های دروغین با ظاهری زیبا و پرجاذبه، پاشیده می گردد تا بار دیگر، مانع بازگشت انسان به خویشتن شود و معنویت خواهی و گرایش به متافیزیک را به گونه ای دیگر و با باطنی ماتریالیستی آن هم ماتریالیسم نقاب دار، اشباع کند. همچنین تلاش می شود بحران هویت و اعتماد آدمیان را با مکتب‌سازی ها، فرقه‌پردازی ها، ایسم های دروغین و بی محتوا با عنوان عرفان، عرفان‌درمانی، انرژی‌درمانی، نیروزایی، آرامش بخشیدن با مواد افیونی و تخدیری تا عرفان‌سازی های نقاب دار، ارائه سکولاریستی لیبرالیستی و مانند آن پاسخ دهند.

حال با توجه به وجود عرفان های قشری، واپس گرایانه، متحجرانه و یک‌سونگرانه از یک سو و عرفان های لیبرالی، سکولاری، اباحه گرایانه و اپیکوری و ماتریالیستی از دیگر سو، پردازش نوین عرفان اصیل، به چالش کشیدن عرفان های دروغین، جریان شناسی عرفانی در شرق و غرب، نقد و ارزیابی جریان های جدید عرفانی، بازشناسی و بازآفرینی منابع، روش ها، مبادی، اصول و برنامه های عرفانی کارآمد، سالم و سازنده که تأمین کننده صادق نیازهای معنوی و غریزه عرفانی انسان باشد، ضرورتی انکارناشدنی است... .

امروزه شناختن؛ شناساندن و شکوفا کردن عرفان ناب؛ اصطیاد؛ استخراج؛ تصفیه فرهنگی ـ معرفتی؛ تبیین تحلیلی؛ توصیفی و تطبیقی و ترویج عرفان قرآنی ـ عترتی، یک «باید» عقلی و شرعی است که خود، بود و نبودها، بایدونبایدها، شایدونشایدهای گوناگونی را در پی دارد. پیوند عرفان سنّتی با شرایط زمان و نیازهای دوران، بازشناسی و بازسازی مفاهیم مقوله های عرفانی چه در اصول از هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، وحدت وجود، کشف و شهود، ریاضت، عشق و محبت، فنا و بقا و چه در سلوک و وصول از مقامات و منازل؛ احوال و مواجید؛ کرامات و خرق عادات؛ توکل؛ زهد؛ صبر؛ تفکر و ذکر نیز یک ضرورت فرهنگی ـ علمی است تا پیوندی محکم میان عرفان و زندگی؛ عرفان و توسعه و تکنولوژی؛ عرفان و حکمت و حکومت؛ عرفان و فرهنگ و تمدن؛ عرفان و ایدئولوژی؛ عرفان، بشریت و دین‌داری؛ عرفان و خرد و تعهدپذیری؛ عرفان و حماسه؛ عرفان و اجتهاد و تکامل ایجاد گردد. ازاین رو، به نظر می رسد باید در احیاگری عرفان ناب، چه در بعد اثباتی و ایجابی و چه در جنبه سلبی و انتقادی، اهتمام جدی و جدیدی صورت گیرد تا عرفان اسلام ناب محمدی با ویژگی های آن، از عرفان اسلام امریکایی و عرفان دروغین شرقی و غربی بازشناخته شود. در جدول ذیل به برخی ویژگی های هریک اشاره می شود:

عرفان اسلام ناب محمدی

عرفان اسلام امریکایی (شرقی و غربی)

۱. عرفان فطرت‌محور

۲. عرفان شریعت‌مدار

۳. عرفان جهاد و اجتهاد

۴. عرفان قرآن و سنّت

۵. عرفان حماسه و مقاومت

۶. عرفان حکمت و حکومت

۷. عرفان عدالت‌گرا

۸. عرفان فقرستیز و ظلم‌گریز و تبعیض‌زدا

۹. عرفان معرفت‌محور

۱۰. عرفان ناب

۱۱. عرفان مولّد و خلاق و تکامل بخش

۱۲. عرفان الهی و ولایی

۱۳. عرفان اصول گرا

۱۴. عرفان حق گرا و وحدت مدار

۱۵. عرفان حق و تکلیف مدار (تجمیع)

۱۶. عرفان سرنوشت‌ساز

۱۷. عرفان خالص، توانمند و کارآمد

۱۸. عرفان شفاف و صریح و صادق

۱۹. عرفان جامع، جهانی و جاودان

۲۰. عرفان کرامت بخش و عزت آفرین

۱. عرفان غریزه گرا و شهوت‌محور

۲. عرفان شریعت گریز و دین‌ستیز

۳. عرفان خمود و جمود

۴. عرفان بدعت

۵. عرفان خرافه و جهالت

۶. عرفان حکمت‌گریز و حکومت‌ستیز

۷. عرفان تجمل گرا و اشرافیت و فقرگستر

۸. عرفان عافیت و تن‌پروری و تبعیض زا

۹. عرفان عوام‌گرا

۱۰. عرفان تحریف‌شده

۱۱. عرفان ترجمه ای، پس‌رونده و مصرفی

۱۲. عرفان بشری و امانیستی

۱۳. عرفان اباحه و لیبرالیستی

۱۴. عرفان کثرت گرا و پلورالیستیک

۱۵. عرفان حق‌گرا و تکلیف‌گریز، (تفکیک و تفریق)

۱۶. عرفان سرنوشت ستیز

۱۷. عرفان التقاطی، ناکارآمد و بی تأثیر

۱۸. عرفان نقابدار، منافق و پیچیده

۱۹. عرفان یک یا چند بعدی، متغیر و گذرا

۲۰. عرفان کرامت‌زدا و عزت‌ستیز

۱. عرفان فطرت‌محور

۲. عرفان شریعت‌مدار

۳. عرفان جهاد و اجتهاد

۴. عرفان قرآن و سنّت

۵. عرفان حماسه و مقاومت

۶. عرفان حکمت و حکومت

۷. عرفان عدالت‌گرا

۸. عرفان فقرستیز و ظلم‌گریز و تبعیض‌زدا

۹. عرفان معرفت‌محور

۱۰. عرفان ناب

۱۱. عرفان مولّد و خلاق و تکامل بخش

۱۲. عرفان الهی و ولایی

۱۳. عرفان اصول گرا

۱۴. عرفان حق گرا و وحدت مدار

۱۵. عرفان حق و تکلیف مدار (تجمیع)

۱۶. عرفان سرنوشت‌ساز

۱۷. عرفان خالص، توانمند و کارآمد

۱۸. عرفان شفاف و صریح و صادق

۱۹. عرفان جامع، جهانی و جاودان

۲۰. عرفان کرامت بخش و عزت آفرین

۱. عرفان غریزه گرا و شهوت‌محور

۲. عرفان شریعت گریز و دین‌ستیز

۳. عرفان خمود و جمود

۴. عرفان بدعت

۵. عرفان خرافه و جهالت

۶. عرفان حکمت‌گریز و حکومت‌ستیز

۷. عرفان تجمل گرا و اشرافیت و فقرگستر

۸. عرفان عافیت و تن‌پروری و تبعیض زا

۹. عرفان عوام‌گرا

۱۰. عرفان تحریف‌شده

۱۱. عرفان ترجمه ای، پس‌رونده و مصرفی

۱۲. عرفان بشری و امانیستی

۱۳. عرفان اباحه و لیبرالیستی

۱۴. عرفان کثرت گرا و پلورالیستیک

۱۵. عرفان حق‌گرا و تکلیف‌گریز، (تفکیک و تفریق)

۱۶. عرفان سرنوشت ستیز

۱۷. عرفان التقاطی، ناکارآمد و بی تأثیر

۱۸. عرفان نقابدار، منافق و پیچیده

۱۹. عرفان یک یا چند بعدی، متغیر و گذرا

۲۰. عرفان کرامت‌زدا و عزت‌ستیز

بـا توجه به ویژگی های یادشـده از دو عرفان کاملاً متضاد و متعارض با هم، چه در مبادی تصوری و تصـدیقی، چه در منابع و روش ها و چه در راهکارها و اهداف و آرمان ها، بایسته و شایسته است به بازشناسی، بازپژوهی و جداسازی عرفان های اصیل و کارآمـد از عرفـان هـای بـدلی و ناکارآمـد بپردازیم. ازاین رو، بایـد به احیای عرفان اسـلامی از چنـد محور پرداخت که این محورها عبارتند از:

الف) احیای آرایشی (ایجابی)؛ بازپژوهی و ساماندهی جدید معارف عرفان ناب اسلامی؛

ب) احیای پیرایشی (سلبی)؛ نقد عرفان های سکولار؛

ج) احیای روشی (متدیک)؛

د) احیای گرایشی (پراتیک).

همچنین، ضروری است در دو زمینه، کار محققانه و متعهدانه صورت گیرد، این دو زمینه عبارتند از:

یک ـ ارائه نظام عرفانی مبتنی بر اسلام ناب، برگرفته از قرآن و عترت؛ یعنی عرفان وحیانی ـ ولایی، چه در اصول و امهات و چه در مقامات و احوال سلوکی.

دو ـ زدودن اندیشه ها و گرایش های بشری که در طول تاریخ با بینش و گرایش عرفان ناب، اختلاط و التقاط یافته اند؛ یعنی همان تصفیه معرفتی و فرهنگی عرفان ناب از عرفان های بشری و التقاطی که خود، نوعی احیای سلبی و پیرایشی است.

بنابراین، عرفان اصیل، مستقل و کارآمد اسلامی را باید از انحراف، تحریف، تهی‌سازی از عناصر و مؤلفه های انسان‌ساز و جامعه پرداز مانند معرفت، خرد، عدالت، حکومت و سیاست، مسئولیت پذیری، درد خدا و خلق، درون گرایی و برون گرایی نجات داد و از تسطیع عناصر عرفانی و جزیره ای دیدن عرفان با اخلاق، عقاید، شریعت و احکام و تحقیر اضلاع و زوایای دیگر فرهنگ اسلامی نیز جلوگیری کرد. در همین زمینه برای ادای رسالت ها، پیشنهاد های شفاف و مشخصی را فراروی اصحاب خرد و عرفان و ارباب حکمت و مسئولیت و مدیریت قرار می دهیم:

۱. تشکیل حلقه نقد و پژوهش های عرفانی (عرفان‌پژوهی، مسئله‌شناسی و شبهه‌شناسی های عرفانی، موضوع‌یابی عرفان و نقد و ارزیابی عرفان های التقاطی و لیبرالی).

۲. راه اندازی کتابخانه تخصصی عرفان.

۳. راه اندازی نشریه ای پویا، کارآمد و اثرگذار؛ با توجه به نیازهای زمان، با موضوع عرفان.

۴. جریان‌شناسی عرفانی روشمند، قانونمند، مستمر و نوآمد که با پیشنهاد اول هم گرایی دارد.

۵. بازآفرینی متون، ادبیات، رمان و دیگر آثار عرفانی و همانندسازی با متون ادبی ــ عرفانی و رمانتیک غربی و شرقی، با منابع زلال و متون اسلامی که احیای جدید سنت و سیره علمی و عملی اسلام ناب محمدی است.

۶. آسیب شناسی و آفت شناسی و سپس آسیب زدایی و آفت‌ستیزی در حوزه عرفان.(۱)

۷. ایجاد حلقه های تعریف شده ارتباطی با مؤسسه های علمی، پژوهشی و دانشگاه ها.

۸. شناسایی کتاب ها، مجلات، روزنامه ها، کانون ها، سازمان ها، مؤسسه ها، مجالس و محافل که خواسته و ناخواسته برای گسترش عرفان تخدیری و مصرفی می کوشند و نقد و معرفی منطقی، معقول و مؤثر آنها و در صورت امکان، هدایت،کنترل و بازسازی آنها و تفکیک عرفان های اصیل از عرفان نماها و شبه عرفان های موجود و عارفان اصیل از عارف نمایان و شبه عارفان.

۹. راه اندازی مرکز پاسخگویی به پرسش ها و شبهه ها درباره عرفان و جریان های عرفانی.

۱۰. قراردادن جدیدترین اطلاعات و داده های عرفانی در اختیار پژوهندگان عرفان.

پیش طرح: «طرح جامع»

الف) جریان شناسی عرفانی

ب) معرفت شناسی عرفانی

یک ـ عرفان نظری ـ اصولی (انسان شناسی، هستی شناسی، ولایت و...)؛

دو ـ عرفان عملی ـ وصولی (مقامات و منازل، کشف و شهود، ریاضت، مراد و مریدی، فناء و بقاء و...)؛

سه ـ روشمندی عرفان ناب اسلامی؛

چهار ـ غایت گروی در عرفان ناب (توحید علمی و عینی)

ص:۸۸

۱- برای اطلاع بیشتر، نک: مقاله مندرج در رواق اندیشه، سال پنجم، اردیبهشت ۱۳۸۴، ش ۴۱، صص ۴۷-۵۳.

ج) ریشه شناسی گرایش های انحرافی (عرفان کاذب)

یک ــ ریشه های معرفتی ــ فرهنگی؛

دو ــ ریشه های اجتماعی ــ اقتصادی؛

سه ــ ریشه های حکومتی و سیاسی؛

چهار ــ ریشه اخلاقی (مادیت اخلاقی)؛

پنج ــ زبانی (ادبیاتی).

د) پیشنهاد های تکمیلی

یک ــ هم اندیشی های عرفانی (موضوع محور، مسئله محور، شبهه محور و...)؛

دو ــ کنفرانس های عرفانی در محدوده خاص؛

سه ــ تشکیل هسته های مطالعاتی ــ پژوهشی (عرفان پژوهانه)؛

چهار ــ تریبون آزاد و معرفتی (عرفانی) هدایت شده و کنترل شده؛

پنج ــ ملاک و معیارشناسی عرفان ناب؛

شش ــ معرفی الگوهای کامل اسلامی غیر انسان کامل (معصومین(ع))، مثل امام خمینی(ره)، علامه طباطبایی(ره)...؛

هفت ــ آسیب شناسی برای آسیب درمانی در حوزه عرفان نظری و عملی....

ه‍ــ) ساختار تشکیلاتی تعریف شده برای گروه یا کمیته تخصصی

طرح های پژوهش برنامه ای

عرفان اسلامی، آسیب ها و راه کارها

الف) کلیات

چیستی عرفان اسلامی؛

مؤلفه ها و شاخص های عرفان اسـلامی (عقلانیت، اعتدال، شریعت محوری، درون گرایی و برون گرایی، خدامحوری در همه مراحل عرفانی و عبودیت)؛

پیشینه تاریخی بحث و بررسی عرفان اسلامی؛

ص:۸۹

ضرورت، اهمیت و الزامات طرح و تحلیل عرفان اسلامی.

ب) مبانی عرفان اسلامی

ـ نسب شناسی عرفان با اسلام (طرح و تحلیل نظریه های سه گانه درباره عرفان و اسلام)؛

ـ عرفان قرآنی ـ عترتی (ولایی) اعم از عرفان نظری و عملی؛

ـ جریان شناسی عرفانی (سنتی و جدید، صوفیانه و نوظهور، عرفان ناب)؛

ـ التقاط و انحراف شناسی در حوزه عرفان اسلامی (باید ها و نباید های علمی و عملی).

ج) محورها و عناصر اصلی عرفان قرآنی ـ ولایی

ـ معرفت نفس (خودآگاهی ـ بیداری و یقظه)؛

ـ مراقبت نفس (خودبانی، خودنگهداری)؛

ـ محاسبت نفس (خودنقدی و...)؛

ـ انسان در مسیر تکامل یا «در مسیر تکامل شدن انسان» «تصعید، رفعت، طی درجات تکاملی) هم درجات، هم درجات و...»؛

ـ راه و راهنماشناسی در عرفان عملی (صراط مستقیم سلوک استاد و راهنمای طریقت الهی)؛

ـ مراحل و مقامات عرفان قرآن‌محورانه (سیر و سلوک و عوامل، لوازم، مراحل و مقامات و آثار آن)؛

ـ «لقاءالله» یا شهود رب (امکان یا امتناع لقاءالله، معنای لقاءالله، عوامل وصول به لقاءالله یا گذرنامه لقاءالله)؛

ـ اصناف و اوصاف انسان ها در قرآن (ابرار یا اصحاب یمین، اصحاب شمال یا مشئمه و مقربین یا سابقین بالخیرات ـ با توجه به سوره های واقعه، دهر، مطففین، فاطر و انشقاق)؛

ـ عوامل و شرایط زمینه ساز سیر و سلوک عرفانی؛

ـ ایمان گرایی؛

ـ عمل گرایی (عمل صالح و خالص)؛

ـ تزکیه نفس و مراتب آن؛

ـ تقوا و مراتب آن؛

ـ ادب مع الله و ادب عندالله؛

ـ قرب الی الله و مراتب و درجات آن؛

ـ ولایت‌محوری (شناخت و تبعیت از انسان کامل معصوم)؛

ـ داشتن شرایط سیر و سلوک؛

ـ دارا بودن انگیزه و اراده سیر و سلوک؛

ـ بصیرت و معرفت یقینی؛

ـ شکر و شکیبایی و شرح صدر؛

ـ تمرین و تداوم (ریاضت معقول، معتدل و مشروع)؛

ـ نظارت دائمی بر نفس (مراقبه دائمی)؛

ـ داشتن مربی و پیر راه؛

ـ داشتن دوستان سلوکی؛

ـ طهارت ظاهری و باطنی (برون و درون)؛

ـ اهل فکر و ذکر بودن.

د) آسیب‌شناسی

ـ آسیب‌شناسی نظری ـ علمی در ساحت عرفان‌گرایی و معنویت گروی؛

ـ آسیب‌شناسی عملی ـ عینی در ساحت سیر و سلوک عرفانی؛

ـ آسیب های راه شناسی؛

ـ آسیب های راهنما و مرادشناسی؛

ـ آسیب های مراحل و مقامات شناسی؛

ـ تحلیلی مختصر بر فیلم های ساخته شده سینمای ماوراء یا معناگرا و... و فیلم های بومی (داخلی) به مناسبت های دینی (ماه مبارک رمضان)؛

ـ عرفان زندگی‌ساز و عرفان زندگی‌سوز

ـ مشخصه های عرفان ناب اسلامی و عرفان تخدیری (امریکایی، سکولار و...).

ه‍ـ) کتاب‌شناسی موضوعی

ـ کتاب گزینی (کتاب های بزرگان عرفان اسلامی که رویکردی کاملاً اسلامی - قرآنی دارند)؛

ـ سلوک عرفانی مرحوم شیخ حسین بحرانی(ره)؛

ـ رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولولالباب علامه تهرانی؛

ـ طریق عرفان (رساله الولایه) علامه طباطبایی(رض)؛

ـ شرح چهل حدیث حضرت امام خمینی(ره)؛

ــ شرح جنود عقل و جهل حضرت امام خمینی(ره)؛

ــ مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه ؛

ــ سر الصلوه و آداب الصلاه ؛

ــ نقد برخی کتب دستورالعمل سال های اخیر... .

و) محور های برنامه سازی

ــ طرح عرفان اسلامی به صورت برنامه هایی در قالب:

ــ میزگرد پرسش و پاسخ؛

ــ میزگرد مناظره‌ای؛

ــ نقد فیلم های خارجی و داخلی با موضوع معناگرایی و عرفان؛

ــ گزارش و نقد برنامه ای عرفان‌نماهای نوظهور به صورت مستند؛

ــ بیان و نقد کتاب‌ها، مقاله‌ها و منشورهای عرفان‌های سکولار و نوپدید تا جایی که امکان دارد؛

ــ ساختن فیلم های کوتاه و بلند در مناسبت های مذهبی و غیر آن؛

ص:۹۱

ـ مصاحبه های کاربردی با بزرگان عرفان ناب اسلامی مثل مصاحبه با آیت‌الله بهجت، آیت‌الله حسن زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی و دیگر بزرگان؛

ـ تصویرپردازی هنرمندانه و جامع نگرانه از زندگی بزرگان سیر و سلوک؛

ـ معرفی چهره های ناب عرفانی از ملا حسینقلی همدانی، میرزا علی آقا قاضی، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی تا علامه طباطبایی و امام خمینی(ره)، به صورت دقیق و جامع‌نگرانه و همراه با تحلیل و مصاحبه با شاگردان خاص آنها.

۲. طرح عرفان در آینه دعا

اشاره

بی شک، سرچشمه زلال عرفان ناب، مقام عصمت اولیای خداست که حدیث و روایت، برای حفظ عامه از خطر لغزش، زبان در کام کشیده و باب بیان را بسته و از اظهار احوال خویش خودداری کرده اند. در مقابل، در مقام دعا که خلوت انس محبوب ازلی است و مجلس، خالی از اغیار و در به روی نامحرم باز است، باب معاشقت گشوده و بسط کلام فرموده اند. اکنون آثاری گران بها از این انس ها باقی مانده و به دست ما رسیده است.

نسل تشنه معرفت که از این خوان پرنعمت بی خبر مانده، مبانی عرفان را از در مدعیان بی خبر گدایی می کند. بنابراین، گشودن این باب به روی این نسل، از مهم ترین رسالت های آگاهان است. در پی تحقق این مقصود، طرح عرفان در آیینه دعا با ویژگی های ذیل پیشنهاد می شود:

الف) پیشینه طرح

تاکنون آثاری دراین باره تولیدشده، ولی از آنجا که نیازسنجی لازم به درستی صورت نگرفته، با وجود ارزش ذاتی، آثار موجود برای رسیدن به اهداف این طرح کافی نیست.

ب) اهداف کمی

تألیف حداقل ۳۰۰ صفحه وزیری (۲۵۰ کلمه) در زمینه عرفان اسلامی با محوریت ادعیه معصومین(ع) به صورت موضوعی، بدین شرح که در هریک از ابواب عرفان مطرح شده، تعدادی از ادعیه که در آن باب وارد شده، در ذیل آن بیان و به صورت اجمالی تشریح می شود. (نمونه موضوع‌های کاربردی در ادامه بیان می شود).

ج) اهداف کیفی

تغذیه فکری برنامه سازان رسانه در سطوح گوناگون و جلب توجه جوانان مشتاق عرفان به مکتب اهل بیت(ع) با هدف حفظ آنان از دستبرد مدعیان عرفان.

د) زمان اجرا

اجرای این طرح به مدت یک سال به طول می انجامد.

ه_) مراحل و زمان بندی اجرا

این طرح در چهار مرحله اجرا می شود:

_ تعیین موضوع‌های عرفانی مورد نیاز در عرفان نظری و عملی؛

_ مطالعه و موضوع بندی ادعیه با محدوده پیوستی؛

_ شرح فقرات منتخب ادعیه با مذاق عرفانی؛

_ تدوین.

و) مخاطبان طرح

مخاطبان این طرح در دو سطح عبارتند از:

ــ برنامه‌سازان و نویسندگان مرتبط با رسانه، بدون واسطه؛

ــ نسل جوان مخاطب رسانه مانند دانشجویان، از طریق گزینش و بازنویسی مطالب.

ز) فرصت ها و امکانات

دستیابی آسان به متون مورد نیاز.

ح) سیاست ها

ــ ساده نویسی مطالب در حد امکان و تا حدی که به استواری مطلب زیان نرساند؛

ــ محدود نساختن بحث به نظرات عرفا (اعم از شیعه و سنی)؛

ــ الهام گرفتن از متن ادعیه در ساختن ابواب، فصول و عناوین بحث؛

ــ کوتاه نویسی و تفکیک مباحث از یکدیگر به طوری که جدا کردن هر بحث از پس و پیش آن و طرح آن به طور مستقل ممکن باشد؛

ــ اولویت دادن به مباحثی که در حال حاضر بیشتر مورد توجه جوانان قرار گرفته است.

ط) نمونه مباحث قابل طرح

یک ــ عرفان نظری

ــ توحید، ادله عرفانی توحید؛

ــ مقام غیب؛

ــ اسمای الهی، اسم اعظم؛

ــ صفات ــ ترسیم صفات جمال.

ترسیم صفات جمال

ــ صفات ذات ــ وجه تعلق صفات ذات به عبد؛

ـ صفات فعل ـ وجه تعلق صفات فعل به عبد؛

ـ تفصیل اموری که حضرت حق به حال عبد اشراف دارد و در آنها دخالت می کند؛

ـ مقابله صفات عبد با صفات مولا؛

ـ انسان کامل؛

ـ توضیح شئون انسان کامل که در دعاها آمده مانند خلیفهالله، حجت الله، امین الله، صفوه الله، امام و صفات پیامبر.

دو_ عرفان عملی

ـ یقظه، توبه، محاسبه؛

ـ حزن، خوف، خشوع، رجا، رغبت؛

ـ توبه، تفویض، ثقه، تسلیم؛

ـ صبر، رضا، شکر، حیا؛

ـ یقین، انس، ذکر، فقر؛

ـ محبت؛

ـ مکاشفه، مشاهده، صحو، اتصال؛

ـ معرفت.

ی) دامنه تحقیق

ـ دعای سیفی صغیر؛

ـ مناجات خمسه عشره؛

ـ تعقیبات؛

ـ دعای صباح؛

ـ حرزهای وارده از معصومین؛

ـ دعای کمیل (شعبانیه)؛

ـ دعای سمات (ماه شعبان)؛

ـ دعای ابوحمزه (ماه رجب)؛

ـ دعای عشرات؛

ـ دعای مشلول؛

ـ دعای مستشیر؛

ـ دعای مجیر (ذی‌حجه)؛

ـ دعای جوشن کبیر (غدیر).

کتاب ها

مفاتیح الجنان، تألیف شیخ عباس قمی؛

اقبال الاعمال، اثر سید بن طاووس؛

فلاح السائل، نوشته سید بن طاووس؛

مصباح المتهجد، نوشته شیخ طوسی؛

صحیفه سجادیه .

۳. طرح های تولیدی

الف) طرح برنامه تلویزیونی عرفان اسلامی و نقد عرفان های انحرافی

یک _ ضرورت طرح

با گذر از دوره مدرنیسم و ورود به دوره پست‌مدرنیسم، طلیعه تحولی چشمگیر در گرایش های بشر به چشم می خورد که بی شک، معنویت گرایی را می توان از جمله این تحول ها نامید. جهان غرب پس از چند صد سال گریز از

معنا و معنویت و شتاب در سیر عقلانیت ابزاری در قالب مدرنیسم و تجربه گرایی (پوزتیویسم)، به گرایش های درونی و تجربه های باطنی رو آورد و موج معناطلبی در آن سخت بالا گرفت. اینک فراخوان این گرایش، نه فقط به مقتضای عصر ارتباطات که به علل گوناگون اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی، به سراسر دنیا و به گوش همگان رسیده است.

امروزه باطن گرایی جدید غرب، به شکل فرقه های گوناگون اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی به سراسر دنیا و به گوش همگان رسیده است. باطن گرایی جدید غرب، به شکل فرقه های گوناگون فکری در قالب های گوناگون چون فیلم، تئاتر، کتاب های رمان، داستان، مجله و کلاس ها به سراسر دنیا عرضه می شود و جهان اسلام نیز از این عرضه بی نصیب نمانده است. ورود این افکار به ایران به پیوند آن با عنوان عرفان انجامید و سرانجام از آن با نام های عرفان های گوناگون شرقی و غربی یاد شد. شاید تنها شباهت این افکار با عرفان، در توجه به باطن انسان بود که موجب عاریت گرفتن نام عرفان برای آن شد وگرنه جایگاه بلند عرفان اسلامی با این آموزه ها قابل مقایسه نبوده و نخواهد بود.

به هرحال، این آموزه ها در عرض عرفان اسلامی عرضه و به منزله رقیبی در برابر آن قرار گرفت تا آنجا که برخی «مدیتیشن» را در عرض عبادتی مثل نماز دانستند. گاه نیز برای توسعه کمی و کیفی این آموزه ها، به آمیختن آن با عرفان و معنویت دینی همت کردند و معجونی از آن دو پدید آمد، در حالی که در این آموزه ها نه شایستگی رقابت بود و نه امکان این تلفیق وجود داشت. امروزه طیف گسترده ای از گونه های متفاوت تجربه های به اصطلاح عرفانی وجود دارد که هم صاحبان آنها و هم صاحب نظران از آنها به عنوان تجربه های عرفانی یاد می کنند.

از جمله پدیده های مهم اجتماعی که در جامعه امروز ما روندی رو به رشد دارد، شکل گیری گروه ها و فعالیت هایی است که خود را عرفانی می دانند و ادعا می کنند با آموزه‌هایشان می توانند سعادت و کمال روحی و جسمی را برای پیروان خود به ارمغان آورند. از طرفی می توان دید چگونه جوانان ما را که در معرض آسیب ها و بن‌بست های فکری، اجتماعی، اقتصادی یا حتی سیاسی قرار دارند، به سرعت جذب می کنند و تحت تأثیر قرار می دهند. این جریان ها خود در دو دسته عمده طبقه بندی می شوند:

اول ــ متکی به یک دین زنده جهانی مثل فرقه های صوفیه، یوگا، کریشن تاترا، شاهدان یهود و دیگر فرقه ها.

دوم ــ جریان هایی که یا خود را به ادیان زنده جهان متکی نمی دانند و در طبقه بندی عرفان های بی خدایی قرار دارند، مثل بودا و عرفان سرخ پوستی یا خود را از عرفان ها یا دین های جدید می دانند، مثل طریقت اکنکار، پیروان مکتب اشو، مونیستم، پیروان سای بابا و یا شیطان‌پرستان.

آنچه اهمیت دارد این است که می توان در پس پرده برخی از این ماجراها، رگه هایی از مسائل مشکوک سیاسی را ردیابی کرد و دریافت که آنان در پی تعلیم و تربیتی هستند که تخریب عقل و معنویت نسل جوان را هدف قرار داده اند.

با این مقدمه، چند سؤال مهم مطرح است:

۱. اهداف تربیتی، فرهنگی و اجتماعی این عرفان ها و گروه های اشاعه دهنده آنها چیست؟

۲. دلایل توجه نسل جوان یا قشرهای مختلف جامعه از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به این عرفان ها و فرقه ها چیست؟

۳. آموزه های عرفان های غیراصیل چه آثار و پیامدهایی بر فرد و جامعه دارد؟

ص:۹۵

۴. چرا مسئولان فرهنگی جامعه در گسترش عرفان ناب اسلامی ناکام بوده اند و آیا در این زمینه تلاشی صورت گرفته است؟

۵. چه بسترها و زمینه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ای موجب رشد این عرفان ها شده اند؟

۶. چگونه می توان عرفان اسلامی را با ادبیات امروزی، در میان اقشار گوناگون جامعه به ویژه جوانان رواج داد؟

۷. وظیفه رسانه ها به ویژه رسانه ملی چیست؟

در این طرح می کوشیم به بازشناسی عرفان های غیراصیل، زمینه های پیدایش و رشد، علل گرایش جوانان به آنها، نقد و بررسی موشکافانه آموزه های آنها و معرفی الگوی عرفان اسلامی بپردازیم.

دو ـ نام طرح و موضوع برنامه

«عرفان اسلامی و نقد عرفان های انحرافی».

سه ـ نام های پیشنهادی

راه یا بیراهه؛ توهم یا واقعیت؛ معنویت یا سراب؛ معنویت جاودان یا معنویت فانی؛ طریقت و تباهی؛ رهبانیت مدرن؛ ناکجاآباد؛ طریقت یا طریقت وارونه؛ سلوک الهی یا سلوک شیطانی؛ نردبان ترقی یا سقوط.

چهار ـ دو قالب پیشنهادی برنامه

ـ ترکیبی (گفتار ـ کارشناسی ـ مصاحبه ـ گزارش ـ مواد آرشیو و...)

تعداد برنامه: ۲۶ برنامه

مدت برنامه: ۳۰ دقیقه

مخاطبان برنامه: جوانان و دانشجویان مقطع سنی ۲۰ سال به بالا.

پنج ـ اهداف اصلی برنامه

ـ معرفی عرفان های غیراصیل و انحرافی و پس زمینه های فکری این جریان ها به جوانان (جریان شناسی) از دو راه:

اول ـ ایجاد شناخت و معرفت در جوانان نسبت به این پدیده ها (دانش افزایی)؛

دوم ـ معرفی عرفان اصیل و شاخص های آن (الگوسازی).

شش ــ محورهای موضوعی برنامه

اول ــ معرفی عرفان های غیراصیل و انحرافی؛

دوم ــ تاریخچه و خاستگاه فکری عرفان های غیراصیل و انحرافی؛

سوم ــ آموزه های فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عرفان های غیراصیل و انحرافی؛

چهار م ــ آثار فردی و اجتماعی؛

پنجم ــ نقد و ارزیابی آموزه های فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی؛

ششم ــ آسیب‌شناسی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه در گرایش به این عرفان ها؛

هفتم ــ علل گرایش جوانان و دانشجویان به این عرفان ها؛

هشتم ــ راهکارهای از بین رفتن زمینه گرایش به عرفان های وارداتی؛

نهم ــ عرفان اسلامی، جایگاه، اهمیت آموزه ها، آثار و دستاوردهای آن؛

دهم _ دستگاه های فرهنگی و نقش آنها در مقابله با این عرفان ها (با تأکید بر فرهنگ سازی) صداوسیما، دانشگاه‌ها، وزارت ارشاد، حوزه علمیه.

هفت _ عرفان های قابل بررسی

عرفان اسلامی؛ هندوییسم؛ بودیسم؛ تانترا؛ صوفیه؛ سای بابا؛ اشو؛ اکنکار؛ عرفان مسیحی؛ عرفان یهودی؛ شاهدان یهوه؛ عرفان سرخ پوستی؛ شیطان پرستان.

ب) طرح برنامه تلویزیونی پیامبران تاریکی (نقد مکاتب عرفانی _ انحرافی)

اشاره

هدف: ارشادی _ تربیتی

موضوع: اندیشه دینی _ معارف اسلامی

قالب: مستند بازسازی

طبقه: ب

تعداد: ۲۶ قسمت

مدت هر برنامه: ۳۵ دقیقه

مدت کل برنامه: ۹۱۰ دقیقه

نوع ساخت: پرتابل

صدا: سر صحنه و گفتار

موسیقی: تولیدی

تصویر: تولید ۹۵ ٪

آماده داخلی: صفر٪

آماده خارجی: ۵٪

مخاطبان اصلی: عموم جوانان

جنس: زن و مرد

گروه سنی: جوان به بالا

میزان تحصیلات: تمام سطوح

محدود جغرافیایی: کشوری

پخش: هفتگی

روز: پنجشنبه

ساعت پیشنهادی: بعد از خبر ۲۱

شبکه پیشنهادی: یک

اهداف

اول ـ ارشادی ـ تربیتی

حفظ جوانان با آگاه ساختن آنها از افتادن در دام شیادان با نام عرفان و معنویت.

دوم ـ معرفی عرفان ناب محمدی

خلاصه طرح

بـا توجه به رواج گسترده انواع و اقسام کیش ها و نحله های مـدعی عرفان و معنویت در جامعه ایرانی ما و روی آوردن هزاران جوان جویای معنویت به این گونه جریان ها، لازم است برای شـناساندن صـحیح و دقیق آنها گام‌هایی برداشته شود. این برنامه درصدد است به کنکاش درباره برخی از مهم‌ترین کیش های مدعی عرفان بپردازد که از رواج نسبی برخوردارند و به زندگی و سـلوک شخصـی پدیدآورنـدگان آنها نظری بیفکنـد و اصول فکری و اخلاقی آنها را در معرض قضاوت منصـفانه مخاطبان صداوسیما قرار دهد و با ارائه نقدهای منصفانه، زوایای پنهان و خطرناک این جریان ها را برای مخاطب شرح دهد.

آیین هایی که در این برنامه نقد می شود، عبارتند از: بهائیت؛ وهابیت؛ سلفی گری؛ صوفیه؛ بودا؛ تنتره وجین؛ یوگا؛ اشو؛ سای بابا؛ رام الله؛ عرفان های سرخ پوستی؛ عرفان اکنکار؛ پائولوکوئیلو؛ عرفان مسیحی؛ عرفان یهود؛ ذن؛ فراروان شناسی (مدیتیشن، کفرشناسی، موسیقی‌درمانی، هنردرمانی، خنده‌درمانی و...).

نیازها و ضرورت‌های جامعه مخاطبان برای تولید برنامه

ـ روشن کردن افکار عمومی نسبت به جریان های منحرف عرفانی؛

ـ نقد و تحلیل منصفانه نسبت به جریان های منحرف عرفانی؛

ـ طرح و اطلاع رسانی درباره مبانی و مفاهیم درست عرفان اسلامی ـ شیعی.

بیان موضوع‌های برنامه با توجه به تعداد برنامه های پیشنهادی

در هر برنامه موضوع های مختلفی تحلیل خواهنـد شد که متناسب با هر برنامه تا حدودی تفاوت خواهد داشت. کلیات موضوع های مشترک بیشتر برنامه ها به این شرح است:

ـ زندگی و شخصیت پدیدآورنده یا پدیدآورندگان هر مکتب مانند شخصیت و زندگی اشو؛

ـ اصول و مبانی کلی و اصلی هر مکتب، مانند عشق، رد نفس و ذهن برای اشو؛

ـ مکاتب ملهم و مبانی اصلی هر مکتب مانند یوگا، تنتره و... ؛

ـ استادان و صاحبان طریق هر مکتب مانند شیخ کبیر، بودا و... برای اشو؛

ـ آثار مکتوب هر مکتب و ویژگی های آن مانند کتاب های شاگردان اشو؛

ـ آثار مولتی مدیا و رسانه ای هر مکتب و ویژگی های آن مانند تصاویر و صداهای اشو؛

ـ تقابل اصول هر مکتب با اصول عرفان اسلامی ـ شیعی و نقد و رد اصول و عرفان های انحرافی.

اهداف اصلی طرح پیشنهادی (به ترتیب اولویت)

ـ طرح‌ریزی و اطلاع رسانی درباره مبانی و مفاهیم عرفان اسلامی ـ شیعی؛

ـ پیشگیری از انحراف جوانان به نحله های عرفان انحرافی؛

ـ نقد و تحلیل مبانی و مفاهیم عرفان های انحرافی؛

ـ نشان دادن نقش استعمار در ایجاد و تقویت نحله های انحرافی؛

ـ نشان دادن هسته اصلی و غیر الهی تمامی نحله ها و آیین های انحرافی به مخاطب.

آیتم های پیشنهادی برای یک قسمت

اشاره

ص:۹۸

عنوان بندی

ـ با تصاویر آرشیوی و همراهی نریشین، مقدمه‌چینی لازم برای ورود به بحث اشو طرح خواهد شد.

ـ مجری، بحث را از عمومیت به موارد اخص نزدیک و ما را در رسیدن به موضوع برنامه راهنمایی می کند.

ـ تصاویر مستندی از محل تولد و سیر زندگی اشو به همراه نریشن پخش خواهد شد که تمامی این متون، هدفمند و برنامه ریزی شده، نوشته، قرائت و القا خواهند شد.

ـ در این بخش، برخی مفاهیم و موضوع های کلی مکتب اشو، توسط چند کارشناس به صورت بسیار کوتاه با ریتم تند قرار خواهد گرفت.

ـ تصاویر مستند، از کمدن اشو مریدان اشو در یونای هندوستان به همراه نریشن، بخش بعدی برنامه است.

ـ طرح، نقد و تحلیل مبانی اشو با رفت و برگشت دیالوگ‌های مجری و کارشناسان با ریتم بسیار سریع.

ـ تصاویر بازسازی از برخی اتفاقات سیاسی حول موضوع اشو و اتفاقات مذهبی در مورد شاگردان مکتب او و خودش پخش خواهد شد.

ـ تصاویری از تأثیر اشو در ایران و محافل مرتبط با او و عقاید برخی پیروانش در ایران به همراه نریشن، بخش بعدی برنامه است.

ـ با تصاویر آرشیوی و ضبط شده به همراهی نریشن متفاوت، بحث را جمع بندی خواهیم کرد، شاید صحبت های کارشناسان که بسیار کوتاه است در میان تصاویر قرار گیرد.

ـ تیتراژ پایانی

تذکرات

ـ در مستند، پیش‌بینی دقیق آیتم ها ممکن نیست و آنچه بیان شده، تنها تصویر ذهنی و کلی است که عمومیت و الزام ندارد.

ـ هدف از چینش تصاویر و صداها، نقد و رد اشو است و این منظور با تقدم و تأخر لازم براساس ذهنیت کارگردان شکل خواهد گرفت.

ـ ملودی های موسیقی هندی و شرقی براساس نیاز در همه بخش ها به کار گرفته خواهد شد.

ج) طرح برنامه میزگرد تلویزیونی عرفان اسلامی

اشاره

نام برنامه: روزگار وصل

تعداد برنامه: ۲۶ برنامه

طبقه برنامه: ج یا ب

مدت برنامه: ۳۵ دقیقه

مخاطب: عموم

قالب: میزگرد (مستند ترکیبی)

هرکسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

دین، مقوله ای عجین با سرشت و تاریخ انسان است و انسان همواره با دین رابطه‌ای عمیق داشته و اشکال دینی را در هر عصری شناخته، و به آن پرداخته براساس آن سلوکی خاص بنا کرده است. البته در طول این مسیر، بسیاری

از آیین های خودساخته یا شیطان‌ساخته نیز جانشین این مرام های حقیقی شده و به لغزیدن از راه فطرت به بیراه غریزه پرستی و فاصله گرفتن از خدای وجودش انجامیده است.

این برنامه می کوشد ویژگی ها و مؤلفه های سلوک دینی شیعه و عرفان خدایی ــ فطری را به گونه ای هنرمندانه به تصویر کشد و نیز کاستی ها، انحراف ها و مشکلات سلوک های شیطانی و عرفان نمایی ها را نشان دهد. برای رسیدن به این مقصود، چنان که در پژوهش های برنامه نیز به آن رسیده ایم، لازم است پیش از نقد انحراف ها، به طرح حقیقت های عرفانی از دیدگاه شیعه آن هم به صورت مرحله ای، ضمنی و غیرمستقیم بپردازیم و به جای موضع گیری منفعل، از زاویه ای فعال به این هدف برسیم. ازاین رو، رویکرد اصلی برنامه، طرح مرحله ای و منطقی عرفان فطری و خدایی است و نقد عرفان های انحرافی، هدفی ضمنی و غیرمستقیم خواهد بود.

بی شک، طی این طریق نیز وسائطی چندجانبه می طلبد. ازاین رو برآنیم تا در ابعاد پژوهش ها، نظارت محتوایی و البته در بعد شکل و ساختار تلویزیونی، تمامی توان خود را به کار گیریم.

طرح محتوا

محتوای این برنامه، براساس مطرح کردن عرفان اسلامی ــ شیعی در دو فصل جداگانه با موضوع های مشخص بیان خواهد شد. فصل اول، دو هدف غیرمستقیم دارد: طرح غیرمستقیم عرفان اسلامی ــ شیعی و رد و نقد غیرمستقیم عرفان های انحرافی. به این دو هدف به این منظور توجه شده است تا بتوانیم از آسیب ها و نقدهای احتمالی طرح مستقیم عرفان جلوگیری کنیم و تا حدود زیادی ذهن مخاطب را برای درگیر شدن با موضوع اصلی (مؤلفه های عرفان اسلامی ــ شیعی) آماده سازیم. ضمناً بتوانیم پیرایه های اطراف عرفان را بزداییم و در گام آخر آنچه را عرفان‌نمایی است، نقد و رد کنیم. ازاین رو، موضوع هایی میان‌رشته ای برای فصل اول موردنظر است که کلیات این موضوع ها به این شرح است:

۱. معنویت؛

۲. دین و عرفان؛

۳. انسان و عرفان؛

۴. فلسفه و عرفان؛

۵. تاریخ و عرفان؛

۶. ادبیات و عرفان؛

۷. اخلاق و عرفان؛

۸. عشق و عرفان؛

۹. جنسیت و عرفان؛

۱۰. ادیان الهی و عرفان؛

۱۱. قرآن و عرفان؛

۱۲. سیره اهل بیت(ع) و عرفان؛

۱۳. تصویرگری و عرفان.

فصل دوم محتوا نیز که نقش مقدمه خواهد داشت، می کوشد در دو بخش کلی عرفان نظری و عرفان عملی، واژه ها و مفاهیم عرفان اسلامی ـ شیعی را شرح و گسترش دهد و در مقایسه و مشابهت این مفاهیم در دیگر

سلوك های انحرافی آنچه را نادرست است، نقـد و رد کنـد. برخی مفاهیم که در این فصل درباره آن بحث می شود، عبارتند از:

۱. وحدت وجود؛

۲. سلوک و مجاهده؛

۳. فنا و بقا؛

۴. کشف و شهود؛

۵. عشق و محبت؛

۶. راز و رمز (ذکر و ورد)؛

۷. ریاضت و مراقبه؛

۸. مراد و مرید؛

۹. حقیقت، طریقت و شریعت.

د) طرح ساختار تلویزیونی

اشاره

این برنامه به صورت میزگرد کارشناسـی، با حضور دو کارشناس، یک مجری و گروهی دانشجوی پرسشگر ضبط خواهد شد. آیتم های برنامه عبارتند از:

ـ میزدگرد (با شیوه ای ویژه)

ـ تیتراژ شروع و پایان

ـ وله های کامپیوتری و رئال (سر فیلم و میان برنامه)

ـ میان برنامه های نمایشی

ـ معرفی کتاب های مرتبط

دکور برنامه، فضایی حجمی دو نیم دایره ۱۸۰ درجه ای است که میان این دو نیم دایره متقابل، شیاری برای دوربین ها تدارک

دیـده خواهـد شـد. تصـاویر و حجم هـای روی دکور از نقاشـی هـای انسان روی دیوارهای غار که به نوعی به پرسـتش و دین مربوط است، تا المان هایی از عصـر پست‌مدرن را که مربوط به پرستش و بندگی است، شامل می گردد و به عبارتی، همراهی دین بـا انسان از آغاز آفرینش را نشان خواهـد داد و المان های مختلفی از دین را بیان می کنـد. البته در نظر است در میان این طیف با آمـدن اسـلام و پس از آن (آنچه مرتبط با دین اسـلام حقیقی و عرفان شـیعی تصویر شود)، دارای رنگ باشد و مابقی تصـاویر و حجم هـا تک رنگ یا دو رنگ خواهنـد بود. گفتنی است چنانچه هزینه ساخت دکور تأمین نشود، می توان از بنر و فلکسـی اسـتفاده کرد. ازاین رو، بایـد کل آنچه در اسـتودیو است، مجازی باشـد (بک گرانـد و فورگرانـد) تا در تیتراژ پایانی حذف گردد؛ در مرحله بعد حجم و ساختن باشد و در مرحله آخر فلکسی و بنر.

ولـه هـای کـامپیوتری برای معرفی کارشـناسان و موضـوع بحث در آغـاز برنـامه و برخی وله هـای کوتـاه مـدت میـانی طراحی خواهند شد.

میان برنامه های نمایشی

ص:۱۰۱

این بخش ناظر به این موضوع است که چنانچه در هر برنامه از یکی از عرفای بنام گذشته، سخنی به میان آمد، همان شخص (بازیگر ایفاگر نقش او) در استودیو حاضر شود و به برخی پرسش های از پیش تعیین شده مجری پاسخ گوید. هرچند می تواند این بخش در خارج استودیو نیز ضبط و به عنوان میان برنامه پخش شود.

معرفی کتاب

این بخش نیز که آقای باقریان در حال پژوهش درباره آن است، به عنوان یک آیتم برای راهنمایی مخاطب به منابع اصلی گنجانده خواهد شد و شکل و فرمت این آیتم می تواند گزارش کارشناسی، رمان یا انیمیشن باشد.

نکته مهم درباره میزگرد این است که دو نیم دایره دکور در برابر یکدیگر قرار خواهند گرفت که در نیم دایره اول، کارشناسان و مجری و در نیم دایره مقابل، چند دانشجوی دختر و پسر دوره دکترا قرار خواهند گرفت تا به عنوان جانشین مخاطب بتوانند هرازگاهی به صورت برنامه ریزی شده، پرسش های معیّنی را طرح کنند تا هم به ریتم سرعت بخشند و هم مخاطب را درگیرتر کنند. چنانچه از افراد بازیگر ـ دانشجو برای این مهم بهره بریم، بسیار سودمند خواهد بود.

کارشناسان

برای این برنامه، کارشناسان بسیاری شناسایی شده و خواهند شد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. دکتر سید یحیی یثربی

۲. حجت الاسلام دکتر جواد شیخ الاسلام

۳. دکتر غلام رضا اعوانی

۴. دکتر غلامحسین دینانی

۵. حجت الاسلام دکتر رضا رمضانی

۶. حجت الاسلام دکتر جواد گرجیان

۷. حجت الاسلام دکتر جواد رودگر

۸. حجت الاسلام دکتر کثیری

۹. حجت الاسلام دکتر محمدتقی فعالی

۱۰. حجت الاسلام دکتر هادی صادقی

۱۱. حجت الاسلام مهدی مهندسی

۱۲. دکتر حسین الهی قمشه ای

۱۳. حجت الاسلام حمید پارسانیا

۱۴. دکتر عباس ایزدپناه

۱۵. حجت الاسلام دکتر احمد عابدی

۱۶. حجت الاسلام دکتر یدالله یزدان‌پناه

۱۷. دکتر احمد بلخاری

ص:۱۰۲

۱۸. حجت الاسلام سیداحمد فاطمی نیا

۱۹. حجت الاسلام محمد فنایی اشکوری؛

۲۰. دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی

۲۱. دکتر ملاصالحی حکمت

۲۲. نادر طالب زاده

۲۳. حجت الاسلام دکتر محمد رضایی

۲۴. حجت الاسلام حسین انصاریان

۲۵. دکتر محمد عالمی

مجری

آقای خسروی یا ضیاءآذری برای این نوع برنامه ها مناسب به نظر می رسند.

ه_) طرح برنامه تلویزیونی کارگاه فلسفه و عرفان

اشاره

هدف: اطلاعاتی _ آموزشی

موضوع: اندیشه دینی _ معارف

مناسبت اصلی: روتین

قالب: مستند ترکیبی

طبقه: د

تعداد: ۲۸ برنامه

مدت هر برنامه: ۳۰ دقیقه

مدت کل برنامه:۸۴۰ دقیقه

نوع ساخت: استودیو

موسیقی: آرشیوی

تصویر:

تولید: ۹۰٪

آماده داخلی: ۱۰٪

آماده خارجی: ۰ ٪

مخاطبان اصلی: دانشجویان و طلاب

جنس: مرد و زن

گروه سنی: جوان

میزان تحصیلات: لیسانس

محدوده جغرافیایی: کشوری

اهداف

ص:۱۰۳

۱. آموزش فلسفه و عرفان اسلامی به روشی جدید

۲. بسط فرهنگ علمی تشیع

۳. نخبه پروری و معرفی نخبگان در همه زمینه ها

خلاصه طرح

این طرح در قالب مستند ترکیبی می کوشد جنبه هایی از فلسفه و عرفان اسلامی را برای مخاطبان نشان دهد. از این طریق که دروس بحث آقای پارسانیا در فضایی تلویزیونی ضبط خواهد شد و مطالب تصویرسازی شده به صورت وله و میان‌برنامه، در فواصل بیان درس قرار می گیرد. نخست خلاصه ای از مباحث و در پایان جمع بندی از طریق نریشن و تصاویر انتخاباتی صورت خواهد گرفت. گفتنی است شیوه تدریس ایشان بسیار تعاملی و طرفینی است و جذابیت های بسیار بصری دارد که این برنامه را از قالب آموزش به سمت برنامه ای ترکیبی سوق می دهد.

بیان موضوع‌های برنامه با توجه به تعداد برنامه پیشنهادی

مبانی فلسفی غرب (قبل از کانت، کانت، نوکانتی ها و...)

مبانی فلسفه اسلامی (مشاء، اشراق، صدرایی و...)

مبانی تلاقی فلسفه و عرفان اسلامی (استدلال، شهود، باطن، ریاضت و...)

آیتم بندی و ساختار برنامه

تصاویر تدریس ایشان با دو دوربین، وله رئال و کامپیوتری، نریشن، موسیقی، تیتراژ.

و) کارگاه عرفان اسلامی و نقد عرفان های انحرافی

اشاره

هدف: ارشادی ـ تربیتی و آموزش

موضوع: معارف اسلامی

قالب: مستند ترکیبی

طبقه: د

تعداد: ۲۶ برنامه

مدت هر برنامه: ۳۰ دقیقه

مدت کل برنامه: ۷۸۰ دقیقه

نوع ساخت: واحد سیار

صدا: سر صحنه

موسیقی: آرشیوی

تصویر:

تولید: ۱۰۰٪

آماده داخلی: ۰٪

آماده خارجی: ۰٪

مخاطبان اصلی: عموم

جنس: مرد و زن

ص:۱۰۴

گروه سنی: جوان به بالا

میزان تحصیلات: دیپلم به بالا

محدوده جغرافیایی: کشوری

اهداف

ترویج اندیشه دینی؛

روشنگری نسبت به خرافات درباره مقدسات دینی؛

الگوسازی؛

تربیت نسل جوان نسبت به مبانی عرفان حقیقی.

خلاصه طرح

شاکله این طرح، در طی کارگروهی در قالب اتاق جلسات شکل می گیرد که به شکل لا (U) طراحی شده است. مباحث آن حول عرفان های انحرافی و عرفان اصیل شکل می گیرد و حاضران که دانشجویان دختر و پسر هستند، در یک فرایند پرسش و پاسخ، موضوع های عرفانی را به بحث و تبادل نظر می گذارند. بدیهی است حد فاصل این کارگاه وله های تصویری همراه با وکال یا نریشن و تصاویری انتخابی خواهد بود.

ذکر موضوع‌های برنامه با توجه به تعداد برنامه‌های پیشنهادی

عرفان های انحرافی و جذابیت های آن و نقد آنها؛

عرفان های خارجی و جذابیت های آن و نقد آنها (اشو، بودا، یوگا، سای بابا، رام الله، کریشنا، هوگاناندا، عرفان های سرخ پوستی و...)؛

عرفان های داخلی (صوفیه، قادریه، اهل حق و...)؛

عرفان ناب محمدی و ویژگی های آن.

آیتم بندی و ساختار برنامه

میزگرد، وله های رایانه ای و رئال، تصاویر آرشیوی از عرفان ها، موسیقی، تیتراژ.

کتابنامه

۱. آشتیانی، جلال الدین، عرفان، شرکت سهامی انتشارات تهران، ۱۳۷۶.

۲. ________________ ، منتخباتی از آثار حکمای ایران: از عصر میرداماد و یا میرفندرسکی تا زمان حاضر، ویرایش دوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.

۳. ________________ ، منتخبی از آثار حکمای ایرانی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.

۴. آملی، سید حیدر، تفسیر المحیط الاعظم والیوم الخضم من تاویل کتاب الله العزیز، المعهد الثقافی، نور علم نور، بیروت، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۵. ________________ ، المحیط الاعظم و البحر العجم فی تاویل کتاب الله العزیز المحکم، النشر المهد الثقافی نور علی نور.

ص:۱۰۵

۶.________________، جامع الاسرار و منبع الانوار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی و انجمن ایران شناسی فرانسه، ۱۳۶۸.

۷.آلستون، ویلیام بر، دین و چشم اندازهای نو، ترجمه: غلامحسین توکلی، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۶.

۸.ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، شرح و تحقیق: محمد اسکندرانی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ ق.

۹.ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله، الإشارات والتّنبیهات، مع الشرح للمحقق نصیرالدین محمد بن الحسن الطوسی و شرح و الشرح للعلامه قطب الدین محمد رازی، قم، نشر البلاغه، ۱۳۷۵.

۱۰.________________، رسائل، قم، بیدار، ۱۴۰۰ هـ. ق.

۱۱.________________، اشارات و التنبیهات، تحقیق: مجتبی زارعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

۱۲.ابن عربی، محیی الدین، ترجمان الاشواق، ترجمه: کل بابا سعیدی، تهران، نشر روزنه، ۱۳۷۸.

۱۳.________________، الفتوحات المکیّه، بیروت، دار احیاء، بی تا.

۱۴.________________، فصوص الحکم، تحقیق: ابوالعلاء عفیفی، بیروت، ۱۴۰۰ هـ. ق.

۱۵.احمد بن عثمان، ابوعلی حسن بن احمد، رساله قشریه، تصحیح: بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.

۱۶.استیس ، والتر ترنس، عرفان و فلسفه، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۷.

۱۷.اشو، آفتاب در سایه، ترجمه: عبدالعلی براتی، تهران، نشر نسیم دانش، ۱۳۸۲.

۱۸.امام صادق(ع)، جعفر بن محمد، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ترجمه و شرح: حسن مصطفوی، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۶۳.

۱۹.امینی، ابراهیم، خودسازی (تزکیه و تهذیب نفس)، قم، انتشارات شفق، ۱۳۷۲.

۲۰.ایزوتسو، توشیهیکو، صوفیسم و تائوئیسم، ترجمه: محمدجواد کوهی، تهران، انتشارات روزنه، ، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۱.بقلی، روزبهان، عبهر العاشقین، تهران، انتشارات یلدا قلم، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

۲۲. بلخی، محمدجلال الدین، مثنوی معنوی، تهران، نشر زوار.

۲۳.بهاءالـدینی، سـیدرضا، نردبـان آسـمان (مجموعه ای از درس هـای اخلاـقی آیت الله بهاءالـدینی)، تـدوین و ویرایش: اکـبر اسدی، قم، مرکز پخش انتشارات پارسایان، ۱۳۷۶.

۲۴.بیدآبادی، محمدحسن، حسن دل، تحقیق و تصـحیح: علی صدرایی خویی و محمدجواد نورمحمد، قم، انتشارات نهاوندی، ۱۳۸۶.

۲۵.پرفسور توشـی هیکو ایزوتسو، دنیـا (حکمت سبزواری: یـا تحلیلی از فلسـفه حـاج ملاـ هادی سبزواری)، ترجمه: دکتر سـید جلال الدین مجتبوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

۲۶.تالیا فرد، چارلز، فلسفه دین در قرن بیستم، ترجمه: انشاءالله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش نشر سهروردی، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲۷.تسجاعرزنه، علی رضا، عرضه شدن در تجربه مسیح و اسلام،انتشارات باز، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۲۸.تسجامرزنه، علی رضا، دین، جامعه و عرضه شدن، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲۹.التلویحات، مجموعه مصنفات، شیخ اشراق.

۳۰.تونیچل، یائول، دندان های ببر، ترجمه: هوشنگ اهریور، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۱.

۳۱.______________، اکنکار کلید جهان های اسرار، انتشارات نگارستان کتاب، ۱۳۸۲.

۳۲.توماس میشاء، کلام مسیح، مترجم: توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۷۷.

۳۳.تهانوی، محمدعلی، کشاف اصطلاحات الفنون، تصحیح: محمد روضه، بی تا، بی جا.

۳۴.______________، موسوعه کشّاف اصطلاحات الفنون و العلوم، با تقدیم و اشراف و مراجعه رفیق المعجم، بیروت، مکتبه لبنان، ناشر دل.

۳۵.تهرانی، میرزا جواد آقا، عارف و صوفی چه می گویند؟ (بحثی در مبادی اصول و تصوف و عرفان)، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۹.

۳۶.تیولری، کدارنات، دین شناسی، ترجمه: مرضیه شنگاین، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.

۳۷.جرجانی، شریف علی، التعریفات، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۳۸.جمعی از نویسندگان، جهان مذهبی ادیان در جوامع امروز، (جلد اول)، ویراسته رابرویر، ترجمه: عبدالرحیم کواهی، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

۳۹.جوادی آملی، عبدالله، رحیق مختوم: شرح حکمت متعالیه، قم، مرکز نشر اسرا، ۱۳۷۵.

۴۰.______________، شرح حکمت متعالیه، اسفار اربعه، تهران، انتشارات الزهرا، ۱۳۶۸.

۴۱.______________، شریعت در آیینه معرفت، مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۷۲ ش.

۴۲.______________، معرفت شناسی در قرآن، ج ۱، مرکز نشر اسراء، زمستان ۱۳۷۸ ش.

۴۳.چان جورچانی، ینبرگ، تاریخ فلسفه چین، ترجمه: عسکری پاشایی، تهران، نشر تفتار، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

۴۴.چیتیک، ویلیام، راه عرفانی عشق، تهران، نشر پیکال، ۱۳۸۲.

۴۵.حسین طهرانی، محمدحسین، توحید عملی و عینی در مکاتیب حکمی و عرفانی میان آیتین علمین حاج سید احمد کربلایی و حاج شیخ محمدحسین اصفهانی، [کمپانی] مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ ق.

۴۶.حقیقی، کریم محمود، آداب و مراحل سلوک الهی، شیراز، انتشارات فلاح، ۱۳۷۴.

۴۷.حکیمی، محمدرضا، مکتب تفکیک، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵.

۴۸.خطیبی بلخی، محمدحسین، معارف بهاء ولد، تهران، انتشارات طهوری.

۴۹.خمینی، روح الله [امام]، مصباح الهدایه الرالخلافه والولایه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.

ص:۱۰۷

۵۰.________________ ، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، مقدمه: سید جلال آشتیانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۶.

۵۱.داوود قیصری، محمد، شرح فصوص الحکم، مقدمه الفصل السابع فی مراتب الکشف و انواعها اجمالا مقدمه و تصحیح: سید جلال الدین آشتیانی.

۵۲.راداکریشنال، سرویال، تاریخ فلسفه شرق و غرب، (جلد اول)، ترجمه: خسرو جهانداری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

۵۳. رازی، فخر الدین محمد بن عمر، المباحث المشرقیه، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۷۱.

۵۴.رازی، نجم الدین ابوبکر، مرصادالعباد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.

۵۵.________________ ، مرصاد العباد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.

۵۶.راسل، برتراند، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه: نجف دریابندری، تهران، ۱۳۴۸.

۵۷.رضایی، عبدالعظیم، تاریخ ادیان جهان (جلد دوم)، تهران، انتشارات علمی، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

۵۸.رکنی یزدی، محمدمهدی، لطایفی از قرآن کریم (برگزیده کشف الاسرار و عده الابرار)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.

۵۹.________________، لطایفی از قرآن کریم (برگزیده از کشف الاسرار و عده الابرار)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.

۶۰.زبیدی، محمد بن مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۴.

۶۱.زرین کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیه، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.

۶۲.________________ ، فرار از مدرسه، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۶۳.زنوری، ملا عبدالله، لمعات الهیه، مقدمه و تصحیح: سیدجلال الدین آشتیانی، تهران، مؤسسه مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۱.

۶۴.ژان دالر، نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه های هست بودن، ترجمه: یحیی مهدوی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۲.

۶۵.سارتر، ژان پل، اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر، ترجمه: دکتر مصطفی رحیمی، تهران، انتشارات مروارید.

۶۶.السنون، ویلیام پر، دین و چشم اندازهای تو، ترجمه: غلامحسین توکلی، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.

۶۷.سجادی، سید ضیاءالدین، مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.

۶۸.________________، مقدمه ای بر مبانی عرفانی و تصوف، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۳.

۶۹.سراج طوسی، ابونصر بن علی، اللمع فی التصوف، تحقیق و تصحیح: نیکلسون، مطبعه بریل، ۱۹۱۴م.

۷۰.سلمی، ابوعبدالرحمن، طبقات الصوفیه با تصحیح و مقدمه نورالدین شریبه، ۱۹۶۹م.

۷۱.سوزوکی، ثباتریسن لین، راه بودا، ترجمه: ع. یاشایز، نشر اول، تهران، نشر نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۰.

ص:۱۰۸

۷۲.سهروردی، ابوحفص، عوارف المعارف، ترجمه: ابومنصور عبدالمؤمن اصفهانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.

۷۳.سهروردی، شهاب الدین یحیی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تصحیح و تحقیق و مقدمه: هنری کربن و سید حسین نصر، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشکاه)، ۱۳۷۲.

۷۴.شجاعی زند، علی رضا، عرفی شدن در تجربه مسیح و اسلام، انتشارات باز، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۷۵.______________، دین، جامعه و عرفی شدن، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۷۶.سیوبوتیا، دانیل، تثلیث (مقدمه ای بر شناخت مسیحیت)، ترجمه: همایون هستی، انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۹.

۷۷.شاه آبادی، محمدعلی، رشحات البحار، تهران،چاپ نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۰.

۷۸.شایکان، داریوش، ادیان و مکتب های فلسفی هنر، تهران، انتشارات امیرکبیر، (جلد ۲)، ۱۳۶۲.

۷۹.شریف، محمد، تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه فارسی زیر نظر: نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.

۸۰.شناخت اخلاق اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.

۸۱.شیرازی [ملاصدرا] صدرالدین محمد، المبداء و المعاد فی الحکمه المتعالیه، تصحیح و تحقیق و مقدمه: دکتر محمد ذبیحی و دکتر جعفر شانظری، تهران، بنیاد حکمت اسلامی، صدرا، ۱۳۸۱.

۸۲.______________، منتخباتی از آثار حکمای المرای ایران: از عصر میرداماد تا عصر میرفندرسکی تا زمان حاضر، سید جلال الدین آشتیانی، ویرایش دوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.

۸۳.______________، المظاهر الالهیه فی اسرار المعلوم الکمالیه، تصحیح و تحقیق و مقدمه: سید محمد خامنه ای، تهران، بنیاد حکمت اسلامی، صدرا، ۱۳۷۸.

۸۴.______________، العرفیه، ترجمه: غلامحسین آهنی، اصفهان، انتشارات مهدوی، بی تا.

۸۵.______________، سه رساله فلسفی (متشابهات القرآن، المسائل القدسیه، اجوبه المسائل) ، مقدمه و تصحیح و تعلیق: سید جلال الدین آشتیانی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.

۸۶.______________، الشواهد الربوبیه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۰.

۸۷.______________، شرح الاصول الکافی، تهران، منشورات مکتبه المحمودی، ۱۳۸۰ ق.

۸۸.______________، الشواهد الرّبوبیه فی المناهج السلوکیه با حواشی حاج ملا هادی سبزواری، تعلیق و تصحیح

و مقدمه: سید جلال الدین آشتیانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۰.

۸۹.____________________، ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه و توضیح: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

۹۰.

۹۱.____________________، شرح الهدایه الاثیریه، قم، انتشارات بیدار، بی تا.

۹۲.____________________، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح: محمد خواجوی، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۶.

۹۳.شیمل، آنه ماری، ابعاد عرفان اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۹۴.صفا، ذبیح الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران، ۱۳۶۳.

۹۵.طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ هـ . ق.

۹۶.طوسی، خواجه نصیرالدین، اوصاف الاشراف، تهران، انجمن اسلامی الغدیر، ۱۳۶۲.

۹۷.______________، شرح الاشارات والتنبیهات، (جلد سوم)، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۳ ق.

۹۸.طبری، محمد بن جریر، ترجمه تفسیر طبری، تصحیح: یغمایی، ۱۳۴۲.

۹۹.طبسی، علی اصغر، مبانی عرفان و احوال عرفان، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۷۶.

۱۰۰.طهرانی، محمدحسین حسینی، مهر تابان، یادنامه و مصاحبات تلمیذ، مشهد، انتشارات علامه دلبادلبان.

۱۰۱.______________، توحید عملی و عینی در مکاتیب حکمی و عرفانی میان آیتین حاج سید احمد کربلایی و حاج شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی)، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ .ق.

۱۰۲.طیبیان، سید حمید، فرهنگ لاووس، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.

۱۰۳.عبدالرزاق کاشانی، کمال الدین، تحفه الاخوان فی خصائص الفتیان، مقدمه و تصحیح و تعلیق: سید محمد دامادی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.

۱۰۴.______________ ، کمال الدین، شرح منازل السائرین، بیروت، دارالمجتبی، ۱۴۱۵ هـ . ق.

۱۰۵.عبودیت، عبدالرسول، درآمدی به نظام حکمت صدرایی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها [سمت]، قم، مؤسسه نشر آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.

۱۰۶.عبیری، عباس، اکسپرسیونیسم و شهود عرفانی، واحد پژوهش نامه مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

۱۰۷.عراقی، فخرالدین ابراهیم، رساله لمعات در رساله اصطلاحات، تهران، یلدا، ۱۳۸۲.

۱۰۸.عطار نیشابوری، فریدالدین، منطق الطیر، تصحیح: دکتر محمدجواد مشکور، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۳.

۱۰۹.عفیفی، ابوالعلاء، ملاتیه و صوفیه و عوارف المعارف، به کوشش: عبدالعلیم محمود، بیروت، ۱۳۹۴ هـ .ق.

۱۱۰.علمر هاردی، ادیان آسیا، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۱۱۱. غزالی ابوحامد، محمد بن محمد، المستصفی من علم الاصول، تحقیق و تعلیق: محمد سلیمان الاشقی، بیروت، مؤسسه

الرساله، ۱۹۷۷م.

۱۱۲.______________________ ، المنقذ من الضلال، تحقیق و دراسه محمد سلیمان الاشقر، بیروت، دارالفکر اللبنان، ۱۴۲۱ ه_ . ق.

۱۱۳.______________________ ، سوانح، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸.

۱۱۴.فرانکل، ویکتور، انسان در جست وجو معنا: ترجمه: فرانکل اکبر معارفی، تهران، نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۷۰.

۱۱۵.فردغر، محمد علی، سیر حکمت در اروپا، انتشارات .. علیشاه، ۱۳۷۱، چ ۱، ج ۲.

۱۱۶.فرغانی، مشارق الدراری، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۹.

۱۱۷.فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا (جلد اول)، انتشارات صفی علی شاه، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۱۸.فیاض لاهیجی، ملا عبدالرزاق، کوهی مراد، تصحیح و تحقیق: قربانی لاهیجی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.

۱۱۹.فیض کاشانی، ملا محسن، اصول المعارف، تعلیق و تصحیح و مقدمه: سید جلال آشتیانی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۱۲۰.قمی، شیخ عباس، قمی مفاتیح الجنان.

۱۲۱.علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، بیروت، دارالسرور، جلد اول، ۱۴۱۱ ق.

۱۲۲.قیصری، محمدداود، شرح فصوص الحکم، مقدمه: سید جلال آشتیانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۵۷.

۱۲۳.کاشفی، محمدرضا، راهنماشناسی، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ۱۳۸۳.

۱۲۴.کدیور، محسن، محمد نوری، ماخذشناسی علوم عقلی، تهران، انتشارات اطلاعات تهران، ۱۳۷۹.

۱۲۵. کربن، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه: سیدجواد طباطبایی، تهران، انتشارات کویر، انجمن ایران شناسی فرانسه، ۱۳۷۳.

۱۲۶.________________، تاریخ فلسفه اسلامی، تهران، نشر حکمت، ۱۳۷۵.

۱۲۷.________________، دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۷۲.

۱۲۸.کاستاندا، کارلوس، حقیقتی دیگر، ترجمه: ابراهیم مکدا، تهران، نشر آگاه، ۱۳۷۱.

۱۲۹.کاشانی، عزالدین محمود، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح: جلال الدین همایی، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۲۵.

۱۳۰.کاکایی، قاسم، وحدت وجود به روایت ابن عربی و اکهارت، انتشارات هرمز، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۳۱.کتنز استیون، ساخت گرایی سنت و عرفان، ترجمه و تحقیق: سید عطاءالله انزلی، قم، نشر آیت، ۱۳۸۲.

۱۳۲.کریشنا، مورتز جیدو، تعالیم کریستنا مورتی، ترجمه: محمدجعفر مصفا، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۲.

۱۳۳.کلودواده، ژان، حدیث عشق در شرق، ترجمه: جواد حدیدی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۲.

۱۳۴.کوئیلو، پائولو، کیمیاگر، ترجمه: آرش حجازی، نشر کاروان، تهران، ۱۳۸۴.

۱۳۵.کولمن، جان، کیمته ۳۰۰ کانون .. جهانی، ترجمه: یحیی شمس، تهران، نشر علم، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.

۱۳۶.لائوتزد، تائوچبنگ، ترجمه: فرشید قهرمان، تهران، انتشارات مثلث، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

۱۳۷.لاهیجی، عبدالرزاق، شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام، اصفهان، انتشارات مهدوی.

۱۳۸.مجلسی، محمدتقی، رساله تشویق السالکین (با انضمام اجوبه و لوامه)، تهران، انتشارات نور فاطمه، ۱۳۶۵.

۱۳۹.محدثی، جواد، خط سبز سلوک، قم، انتشارات نصرآبادی، ۱۳۷۶.

۱۴۰.محمد بلخی، جلال الدین، مثنوی معنوی، تصحیح: دکتر محمد استعلامی، تهران، انتشارات زوار.

۱۴۱.محمد بن ابراهیم شیرازی [ملاصدرا] صدرالدین، شرح برزاد المسافر، تحقیق و شرح: سید جلال الدین آشتیانی، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱.

۱۴۲.محمد بن محمود، شمس الدین، نزهه الارواح و روضه الافراح، ترجمه: مقصودعلی تبریزی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

۱۴۳.محمد جرجانی، شریف علی، التعریفات، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۶.

۱۴۴.محمدی گیلانی، محمد، شرح مناجات شعبانیه، مقدمه و پاورقی: زین العابدین قربانی لاهیجی، نشر سایه، ۱۳۷۳.

۱۴۵.محمود کاشانی، عزالدین، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح: جلال الدین همایی، تهران، انتشارات سنایی.

۱۴۶.مدرسی یزدی، علی اکبر، رسائل حکمیه، تهران، چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

۱۴۷.مروارید، میرزا حسنعلی، تنبیهات حول المبدأ و المعاده، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آ ستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ ق.

۱۴۸.مستملی بخاری، اسماعیل بن محمد، شرح التعرف لمذهب التصوف، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳.

۱۴۹.المشارع و المطارحات، مجموعه مصنفات شیخ اشراق.

۱۵۰.مصباح یزدی، محمدتقی، تعلیقه علی نهایه الحکمه، قم، مؤسسه فی طریق الحق [در راه حق]، ۱۴۰۵.

۱۵۱.______________ ، چکیده ای از اندیشه بنیادین اسلامی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۶۹.

۱۵۲.______________ ، شرح اول الاسفار الاربعه، تحقیق و نگارش: محمدتقی سبحانی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.

۱۵۳.مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، قم، نشر صدرا، ۱۳۶۸.

۱۵۴.______________ ، حرکت در زمان در فلسفه اسلامی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۵.

۱۵۵.مظاهری سیف، حمیدرضا، خودشناسی عرفانی، انتشارات نشاط، ۱۳۸۱.

۱۵۶.مظاهری، حسین، اخلاق در خانه، تهران انتشارات اخلاق، ۱۳۷۶.

۱۵۷.معصوم شیرازی، محمد، طرائق الحقایق، کتابخانه سنایی، بی تا.

۱۵۸.ملکیان، مصطفی، سیری در سپهر جان، تهران، مؤسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۱.

۱۵۹.میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عده الابرار، به اهتمام: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیرکبیر،

.۱۳۵۷

۱۶۰.میشل، توماس، کدام مسیحی، ترجمه: حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷.

۱۶۱.ناجی اصفهانی، محمد، مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین، تحقیق و تصحیح: حامد ناجی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۵.

ص:۱۱۲

۱۶۲.نسخی، عزیزالله، انسان کامل، تهران، انتشارات زبان و فرهنگ ایران، ۱۳۶۲.

۱۶۳.نسفی، عزیزالله، انسان کامل، تهران، انتشارات زبان و فرهنگ ایران، ۱۳۶۲.

۱۶۴.نصر، حسین، معرفت و معنویت، ترجمه: انشاءالله رحمتی، تهران، نشر هستی.

۱۶۵.نصری، عبدالله، سیمای انسان کامل، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.

۱۶۶.طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد، قواعد العقائد، تحقیق: علی الرّبانی الگلپایگانی، قم، اداره الحوزه العلمیه، ۱۴۱۶ ق.

۱۶۷.نغمه، عبدالله، فلاسفه الشبعه، قم، دارالکتاب الاسلام، بی جا، بی تا.

۱۶۸.نیزبیث، جان وآبردین، باتریشیا، دنیای ۲۰۰۰، ترجمه: ناصر موفقیان، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.

۱۶۹.نیشابوری، فریدالدین، منطق الطیر، تصحیح: دکتر محمدجواد مشکور، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۳.

۱۷۰.هجویری، علی بن عثمان، کشف المحجوب، تصحیح: ژرکوفسکی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۱۷۱.همدانی، ابوالمعالی عبدالله بن محمد، تمهیدات عین القضاه، تهران، کتابخانه منوچهری، ۱۳۶۳.

۱۷۲.همدانی، عبدالصمد، مولی بحرالمعارف، تحقیق و ترجمه: استاد ولی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۴۱۲ هـ.ق.

۱۷۳.هوژن [یدرنورگارد]، گناه از دیدگاه مسیحیت، ترجمه: همایون همتی، (مقدمه ای بر شناخت مسیحیت)، انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۹.

۱۷۴.هوکینز، برادلی، آیین بودا، ترجمه: محمدرضا بدیهی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۷۵.هیک، جان، بعد پنجم در کاوش قلمرو روحانی، ترجمه: بهزاد سالکی، تهران، انتشارات قصیده سرا، ۱۳۸۴.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹